**به نام یزدان مهربان**

**با درود فراوان،**

**بدین وسیله به اطلاع پژوهشگران و دوستداران آثار بابی و بهائی می‌رساند:**

**طی مجموعه‌ای که اینک تقدیم می‌شود، فایل‌های وُرد Word آثار مندرج در مجموعه «کتاب‌های جلدسبز» ارائه می‌گردد. کتاب‌های جلدسبز، کتاب‌هایی است که عمدتا طی دهه‌ی پنجاه خورشیدی، توسط محفل ملی بهائیان ایران، عجالتا جهت حفظ، تکثیر شده است. فایل اسکن‌شده‌ی این کتاب‌ها، پیشتر در برخی از وبگاه‌های اینترنتی از جمله کتابخانه‌ی بهائی (https://bahai-library.com/) و کتابخانه‌ی افنان (**[**https://afnanlibrary.org/**](https://afnanlibrary.org/)**) موجود بود. اما مجموعه‌ای که اینک تقدیم می‌شود، فایل وُرد همان کتاب‌هاست که قاعدتا از حیث جستجو و قابلیت کپی‌برداری از عبارات، کارایی بیشتری برای پژوهشگران عزیز دارد.**

**فایل وُرد در دنیای امروزی همچون قلم و کاغذ الکترونیکی می­ماند و حکم کاغذ و قلم و دوات محققین قدیمی را دارد که با آن می­نوشته­اند و تأملات خود را مکتوب می­داشته­اند. معاصرین ما از طلبه و دانشجو گرفته تا محقق و پژوهشگر و استاد، استفاده­های زیاد و متنوعی از فایلهای وُرد می­کنند و آنها را عصای دست خود می­سازند. اما بر اهل فن پوشیده نیست که وثاقت و اعتبار محتویات فایلهای وُرد، به­دلیل ماهیت خاصی که دارند، خصوصاً به­خاطر امکان تغییر، دست­خورده شدن تایپ متن و درهم ریختن حروف­چینی واژه­ها، از نوع خاصی است و در قیاس با متن اصلی و نسخه­ی اسکن از متن اصلی در مقام برتر قرار ندارد. با این همه، امروزه طیف وسیعی از افراد متخصص و غیرمتخصص این ابزار الکترونیکی مفید را، با وجود چنین نقصی مورد استفاده قرار می­دهند و از مزایای آن برخوردار می­شوند. به تهیه­ی فایل وُرد از آثار بهایی نیز می­توان از همین دریچه نگریست؛ ضمن آنکه بهترست که برای حفظ شأن و مقام والای نصوص مبارکه تلاش شود تا حتی المقدور فایلهایی از متون بابی و بهایی تهیه شود که اشتباه و اشکال کم و نادری داشته باشند. نظر به همین مطلب، بسیاری از فایل‌ها در مجموعه‌ی حاضر مقابله و تصحیح شده است. در تصحیح آثار مندرجه در مجموعه‌ی جلد سبزها به چند نکته توجه شده است:**

**1-در مورد آثار حضرت باب و حضرت عبدالبهاء، نسخه‌های جلدسبز با سایر نسخه‌های چاپی یا خطی موجود مقابله و تصحیح شد. در خصوص آثار حضرت باب، با توجه به اینکه هر یک از نُسخ در دسترس ما دارای اشکالاتی بود و نمی­توانستیم هیچ نسخه­ای را بتمامه مبنا قرار دهیم، برآن شدیم تا در مواردی که به­نظرمان اشکال، اشتباه یا تردیدی وجود دارد، آن موارد را با ملاحظه­ای کلی اصلاح و نسخه­ی تایپی را بر همان مبنا تهیه کنیم. در این باب برای تصحیح متن یک اثر از آثار حضرت باب در جلدی از مجلدات سبزها، نه­تنها آن را با متن همان اثر در دیگر مجلدات سبزها مقابله کرده­ایم بلکه اگر نسخه­ای از همان اثر در اثری خارج از این مجموعه بوده، از آن نیز استفاده کرده­ایم. در نتیجه، نسخه‌ی پیش‌رو در برخی مواضع با مندرجاتِ نسخه‌ی اصلی (جلدسبز) تفاوت‌هایی دارد؛ اما محض ارجاع‌دهی درست، شماره‌ی صفحات اصلی (شماره‌ی صفحات نسخه‌ی جلد سبز) در دل متن درج شده است.**

**2-آثار حضرت بهاءالله مقابله نشده، اما در ضمن تایپ، تا حدی قابل قبول، تصحیح شده است.**

**3- در مجموعه‌ی حاضر، برخی تواقیع حضرت باب که سابقا به‌طور ناقص نشر یافته (مثل کتاب صحیفه‌ عدلیه، مندرج در جلد 82 که فاقد باب پنجم است، و یا صحیفه بین‌الحرمین و صحیفه اعمال سنه که پیشتر مختصرا نشر یافته) با توجه به سایر منابع به‌طور کامل، و تصحیح‌شده، منتشر می‌شود.**

**4- در مجموعه‌هایی که سابقا و از روی اضطرار منتشر شده بود نواقص عمده‌ای به چشم می‌خورد: از جمله، تفسیر «بسم‌الله» که در چندین مجموعه بدون مقدمه و خطبه نشر یافته بود، و یا توقیع حروف مقطعات قرآن که نیمی از آن ناقص منتشر شده، و یا تفسیر (های هذا) در جلد 60 که در داخل متن افتادگی‌هایی دیده می‌شد، و یا چند باب اول این اثر در مجموعه‌ی 98 که به‌طور ناقصی منتشر شده بود. در مجموعه‌ی حاضر، همه‌ی این نواقص با توجه به مجموعه­های دیگر بر طرف شده است.**

**5- در مواردی که نتوانستیم درجِ صحیحِ لغتی را تشخیص دهیم آن را نشانه گذاری (های لایت) کرده‌ایم و یا با چند علامت سؤال (؟) آن را مشخص کرده­ایم.**

**6- برای مقابله‌ی نسخ آثار حضرت باب از نسَخ مختلفی بهره برده‌ایم. از جمله، از تمامی مجلدات جلدسبز استفاده کرده‌ایم. فی‌المثل در تصحیح جلد 14 تفسیر «های هو» از مجموعه کتاب‌های جلدسبز تنها اکتفا به همین جلد نشده، بلکه از مجلدات دیگر مثل جلد 53، 67، 86 و منابع دیگر نیز استفاده کرده‌ایم. افزون بر نسخه‌های جلدسبز، مجموعه‌ی پرینستون و کیمبریج و نشریات ازلیان و مجموعه شخصی خود را نیز مدنظر و پیش‌رو داشته‌ایم.**

**7- در مواردی رسم الخط واژه­ها به­گونه­ای انتخاب شده که برای جستجو مناسب­تر باشد. مثلاً گاهی کاتب در نسخ­ی اصل کلمه­ی «جلالت» را به­صورت «جلالة» نگاشته است و ما ترجیح داده­ایم آن را «جلاله» تایپ کنیم**

 **8- در پایان یادآور می‌شود که از آغاز کارِ تایپ و تصحیحِ فایل‌های اسکن‌شده مایل بودیم که از همکاری فضلا و مطلعین جامعه در تصحیح نسخه‌های موجود، بیشتر بهره‌مند باشیم؛ اما این مهم، جز در مورد آثار حضرت باب و حضرت عبدالبهاء، محقق نگشت.**

**در همین‌جا به‌ویژه از جناب ولی‌اله کفاشی سپاسگزاریم. کار بازخوانی، مقابله و تصحیحِ فایل‌های تایپ‌شده‌ی آثار حضرت باب تماما توسط ایشان انجام و نهایی شد. در عین حال، امیدواریم که در ادامه‌ی راه از مساعدت و همراهی تعداد بیشتری از یاران فاضل و مطلع مستفید شویم. ضمن آنکه از همه­ی خوانندگان این فایل­ها درخواست می­کنیم تا اگر در حین مطالعه به اغلاط تایپی برخوردند آن موارد را از طریق سایت به ما اطلاع دهند.امید و هدف دیگرمان این است که در آینده، تمام فایل‌های این مجموعه، با مقابله‌ی علمی و اسلوبی دقیق‌تر – دست‌کم در حد آنچه که در مورد آثار حضرت باب و حضرت عبدالبهاء انجام شده – تقدیم دوستان و یاران علاقمند شود.**

**مجموعه صد جلدى - شماره رقم 86**

**رقم عنوان صفحه**

**1- بيان مبارک عربى 1**

**2- خطبه تفسير سوره بقره 45**

**3- رساله ذهبيه 48**

**4- تفسير حرف هاء 62**

**5- تفسير سر هاء 91**

**6- دعای جلیله 111**

**7- دعای دیگر 112**

**8- دعاء دیگر 113**

**متن کتاب مبارک بیان عربی**

**الواحِدُ الاَولُ**

**بِسمِ اللهِ الاَمنعِ الاَقدسِ**

**اِنَّنی أَنَا اللَّهُ لَا الهَ اِلَّا أَنَا وَ إِنَّ مَا دُونی خَلقی قُلْ أَنْ یا خَلقی إِیَّایَ فَاعْبُدُون قَدْ خَلَقْتُكَ وَ رَزَقْتُكَ وَ أَمَتُّكَ وَ أَحْیَیتُك وَ بَعَثْتُكَ وَ جَعَلْتُكَ مَظْهَرَ نَفْسی لِتَتلُونَّ مِنْ عِندِی آیاتی وَ لَتَدعُونَّ كُلَّ مَنْ خَلَقْتُهُ إلی دینی هذا صِراطُ عِزٍّ مَنیعٍ وَ خَلَقْتُ كُلَّ شیٍ لَک وَ جَعَلْتُكَ مِنْ لَدُنَّا سُلْطَاناً عَلَی العالَمینَ وَ أَذِنْتُ لِمَنْ یَدخُلُ فی دینی بِتَوحیدی وَ أَ قَرَنْتُهُ بِذِكْرِكَ ثُمَّ ذِكْرِ مَنْ قَدْ جَعَلْتَهُ حُرُوفَ الْحَقِّ بِإذْنی وَ مَا قَدْ نُزِّلَ فِی البَیانِ مِنْ دینی فَإِنَّ هَذَا مَا یَدخُلُ بِهِ الرِّضْوَانَ عِبادیَ المُخلِصینَ وَ إِنَّ الشَّمْسَ آیةٌ مِنْ عِندی لِیَشهَدُنَّ فی كُلِّ ظُهُورٍ مِثْلَ طُلُوعِهَا كُلُّ عِبادی المُؤمنینَ قَدْ خَلَقْتُكَ بِكَ ثُمَّ كُلَّ شیٍ بِقَوْلِكَ أَمْراً مِنْ لَدُنَّا إِنَّا كُنَّا قادِرینَ وَ جَعَلْتُكَ الاَولَ وَ الْآخِرَ وَ الظَّاهِرَ وَ الْبَاطِنَ إِنَّا كُنَّا عالِمِینَ وَ مَا بُعِثَ علی دین إِلَّا إیاك وَ ما نُزَّلَ مِنْ كِتَابِ إِلَّا عَلیکَ وَ مَا یُبْعَثُ عَلی دِینٍ إِلَّا إیاك وَ مَا یُنَزَّلُ مِنْ كِتَابٍ اِلَّا عَلیکَ ذَلِكَ تقدیرُ المُهیمِنِ الْمَحْبُوبِ وَ أِنَّمَا البَیانُ حُجَّتُنَا عَلی كُلِّ شیٍ یَعجزُ عَنْ آیاتِه كُلُّ العالَمِینَ ذَلِكَ كُلُّ آیاتِنا مِنْ قَبْلُ وَ مِنْ بَعْدُ مِثْلَ مَا أَنَّكَ أَنْتَ حَینئذٍ كُلُّ حُجَّتِنَا نُدْخِلُ مَنْ نَشاءُ فی جَنَّاتِ قُدْسٍ عَظیمٍ ذَلِكَ مَا یُبدَأُ فی كُلِّ ظُهُورٍ مِنْ الاَمرِ أَمْراً مِنْ لَدُنَّا اِنَّا كُنَّا حاكِمِینَ وَ مَا نَبْدَأُ مِنْ دینٍ اِلَّا لِمَا یَبْدعُ مِنْ بَعْدُ وَعْداً علینا أِنَّا كُنَّا عَلی كُلٍّ قاهرین وَ اِنَّا قَدْ جَعَلْنَا اَبْوابَ ذَلِكَ الدّينِ عَدَدَ كُلِّ شَيءٍ مِثلَ عَدَدِ الحَولِ لِكُلِّ يَومٍ باباً لِيَدْخُلُنَّ كُلُّ شَيٍ في جَنَّةِ الاَعلي وَ لِيَكُونُنَّ فِي كُلِّ عَدَدٍ وَاحِدٌ فِي ذِكْرِ حَرْفٍ مِنْ حُروفِ الاُولي لِلّهِ رَبِّ السَّمَواتِ وَ رَبِّ الاَرْضِ رَبِّ كُلِّ شَيٍ رَبِّ مَا يُرَي وَ مَا لَايُرَي رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ اِنَّا قَدْ فَرَضْنَا.**

 **فِي بَابِ الاَولِ، مَا قَدْ شَهِدَاللهُ عَلَي نَفْسِهِ عَلَي اَنَّه لا اِلْه اِلاّ هُوَ رَبُّ كُلِّ شَيٍ وَ اَنَّ ما دُونَهُ خَلقٌ لَهُ وَ كُلٌ لَهُ عَابِدُونَ وَ اَنَّ ذَاتَ حُرُوفِ السَّبْعِ بَابُ اللَّهِ لِمَنْ فِي مَلَكُوتِ السَّمَوَاتِ وَ الارض وَ مَا بَيْنَهُما كُلٌ بِآيَاتِ اللَّهِ مِنْ عِنْدِه يَهْتَدُون**

**(فِي بابِ الثَّانِي) ثُمَّ فَي كلِ بَابٍ ذِكْرُ اسْمِ حَقٍ مِنْ لَدُنَّا وَ ذِكْرُ اَحَدٍ مِنْ حُرُوفِ الْحَيِّ بِمَا رَجَعُوا اِلَي الْحَيوةِ الاُولي مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَ الَّذِينَ هُمْ شُهَدَاءُ مِنْ عِنْدِاللَّهِ ثُمَّ اَبْوابُ الْهَدْيِ وَ خُلِقُوا فِي النَّشْأَةِ الاُخْري بِما وَعَدَاللَّهُ فِي الْفُرْقانِ اِلَي اَن يَظْهَرَ عَدَدُ الْواحِدِ فِي الْواحِدِ الاَوَلِ فَضْلاً مِنْ لَدُنَّا اِنَّا كُنَّا فاضِلينَ ذلِكَ واحِدُ الاولُ مِنَ الواحِدِ المُعَدَّدِ يُذْكَر فِي شَهْرِ الْبَهاءِ قَدْ بَدَئْنَا ذلِكَ الخَلقَ بِهِ وَ لَنُعِيدَنَّ كُلَّ بِهِ وَعْداً عَلَيْنا اِنَّا كُنَّا عَلَي كُلٍّ مُقْتَدِرِينَ وَ لَقَدْ عَدَدْتُ الاَعدادَ بِذَلِكَ اَلْوَاحِدِ اِذ بَعْدَ هذا لَنْ يُحْصَيءُ وَ قَبْلَ ذَلِكَ لَمْ يُكْمَلْ حُرُوفُ اَلْوَاحِدِ فِي الْآيَةِ الاُولي وَ هُمْ حَضَرُوا بِقُرْبِ افْئِدَتِهِمْ بَيْنَ ايْدِيْنَا وَ لاَيُرَي فِيهَا اِلاّ الوَاحِدُ مِن دُونِ عَدَدٍ كَذَلِكَ يُبِيِّنُ اللَّهُ مَقَادِيرَ كُلِّ شَيٍ فِي الْكتابِ لَعَلَّ النَّاسَ فِي اِيَامِ رَبِّهِمْ يَشْكُرُون.**

**جوهر مجرد این واحد آن كه خداوند عز و جل همیشه بوده و هست درعلو ازل و سمو قدم خود و خلق هم همیشه در صقع امکان خود بوده و هست و در هر زمان خداوند جل و عز كتاب و حجتی از برای خلق مقدر فرموده و می‌فرماید و در سنه هزار و دویست و هفتاد از بعثت محمد رسول‌الله، كتاب را بیان، و حجت را ذات حروف سبع قرار داده، و ابواب دین را عدد نوزده واحد قرار داده و در واحد اول توحید ذات و صفات و افعال و عبادت حكم فرموده و مدل بر این باب را من یظهره­الله و حروف حی او قرار داده و قبل از ظهور او، ذات حروف سبع را قرار داده با حروف اولی كه سبقت در توحید گرفته و بعینه این واحد همان واحد قرآن است كه در بیان ظاهر خواهد كه ظاهر و باطن و اول و آخر بوده و حجت بعد بعینه حجت قبل است كه فرقان باشد فرق این است كه هزار و دویست و هفتاد سال كلمات ترقی نموده با ارواح آنها و در هر ظهوری حكم آخرت بالنسبه به ظهور قبل می‌گردد چنانچه در این ظهور در مقام تكبیر اعظم از اسم حكیم آخر كه ذات حروف سبع بوده ظاهر نشده كه به عدد هشت واحد مرآت الله بر مقعد خود بوده كه از شدت نار محبت او كسی‌را قدرت بر قرب به هم نرسیده و آیة شمس وحدت در وحدت قضا گشته هر كس آیة شَهِدَ اللَّهُ انَّه لا اِلهَ اِلا هُوَ الْعَزِيزُ الْمَحْبُوبُ لَهُ الاَسْماءُ الْحُسْني يُسَبِّحُ لَهُ مَنْ في السَّمَواتِ و الارضِ وَ ما بَيْنَهُما لا إِلَهَ اِلاَّ هُوَ الْحَيُّ الْمُهَيْمِنُ الْقَيُّومُ را تلاوت نمايد و بعد بگويد اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي ذاتِ حُروفِ السَّبُعِ ثُمَّ حُروفِ الحَيِّ بِالعِزَّةِ وَالجَلالِ ایمان به این واحد آورده.**

**الواحِدُ الثّانیُ**

**بِسْمِ اللَّهِ الاَمْنَعِ الاَقْدَسِ**

**اَنْ يا حَرْفَ الرّاءِ وَ الباءِ فَلْتَشْهَدَنَّ عَلي اَنَّه لا إِلهَ اِلاّ اَنَا قَدْ نَزَّلتُ.**

**فِي الْبابِ الاَوّلِ مِنَ الْواحِدِ الثّاني، اَنِ اعْرِفْ قُدْرَةَ رَبِّكَ فِي الْآياتِ ثُمَّ اشْهَدْ ذِكْرَ اللَّآنِهَايَةِ فِي كُلِ شَيٍ ثُمَّ عَجْزَ النَّاسِ عَمّا نُزِّلَ في البيانِ فَاَنَّ بِهِ يُثْبَتُ ما تُريدُ. .**

**ثُمَّ فِي الثّاني، لَمْ يُحِطْ بِعِلْمِ الْبَيانِ اِلّا اِيّاكَ فِي اُخْريكَ ثُمَّ اُوليكَ اَوْ مَنْ شَهِدَ عَلي ما اُريدُ فِيهِ فَإِنَّ اُولئِكَ هُمُ الْفائِزُونَ.**

**ثُمَّ فِي الثَّالِثِ، ما اَذِنْتُ اَحَداً اَنْ يُفَسِّرَ اِلّا بِما فَسَّرْتُ قُلْ كُلُ الخَيْرٍ يَرْجِعُ اِليَّ وَ دُونَ ذَلِكَ اِلي حَرْفِ النَّفْيِ ذَلِكَ عِلْمُ الْبَيَانِ اِنْ اَنتُم تَعْلَمُونَ ثُمَّ الْخَيْرُ يُذْكَرُ اِلي مُنْتَهِي الذَّرِّ فِي عِلْمِ الْمُتَّقِينَ ثُمَّ دُونَ خَيْرٍ في مُنْتَهي الذَّرِّ بِما تَشْهَدُ عَلَي دُونِ الْمُخْلِصِينَ فَلْتَقْرَئُنَّ آيةَالْاُولي اِنْ اَنْتُمْ تَقْدِرُونَ ثُمَّ كُلُّ ذَلِكَ مِثْلُ هذَا اِنْ اَنتُم تَعْلَمُونَ كُلُّ ذَلِكَ اسْمُ الْاَقْدَسِ فِي آخِرِ الْعَوْدِ اِنْ اَنْتُمْ تَشْهَدُونَ ذَلِكَ مَنْ يُظْهِرُهُ اللَّهُ اَنْتُمْ اِذَا شَاء اللَّهُ لَتُوقِنُون.**

**ثُمَّ فِي الرَّابِعِ، ما فَرَّطْنا فِي الْكِتابِ مِنْ شَيْءٍ اِنْ اَنْتُمْ بِمَنْ يُظْهِرُهُ اللهُ تُؤْمِنُونَ.**

**ثُمَّ فی الخامِسِ، مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِنْ حَرْفٍ اِلّا وَ اِنَّ لَهُ روحٌ اَنتُم بِعِلْمِ الْبُعْدِ تَحْزَنُونَ ثُمَّ بعِلْمِ القُربِ تَفْرَحُونَ اِنْ تَقْرَئُنَّ النَفيَ فَتُفْنِينَّهُمْ هَذَا مَا يُثْمِرُ عِنْدَ اللَّهِ اِنْ اَنتُم تُدْرِكُونَ وَ اِنْ تَتلُوُنَّ الاِثباتَ لَتُثْبِتُنَّهُ هَذَا مَا يُثْمِرُ عِنْداللّهِ اِنْ اَنْتُمْ تَقْدِرُونَ وَ اِنَّما الْاَوَّلُ الَّذانِ اَنتُمْ بِاِذْنِ اللَّهِ تَقْرُبُونَ، كُلُ الْاَحَرْفِ يَرْجِعُ اِليهِما اِنْ انْتُمْ تُبْصِرُونَ لاَ تَقُولُنَّ لاَ إِلَهَ اِلاّ اللَّهُ وَ اَنْتُمْ عَرْشَ نُورِ الاِثباتِ لا تُثْبِتُونَ هَذَا اَخَذَ اللَّهُ عَنْكُمْ وَ هَذَا رِضْوَانُ اللَّهِ لِلْمُقَرَّبِينَ.**

**ثُمَّ فِي السَّادِسِ، مَا نَزَّلْنَا ذِكْرَ خَيْرٍ في البيان اِلاّ لِمَنْ نُظهِرُهُ يَوْمَ الْقِيمَةِ بِآيَاتِي لَعَلَّكُمْ اِيَّاهُ تُنْصِرُونَ وَ لاَ مِن دُونِ ذِكرِ خَيْرٍ الاّ لِمَنْ لاَ يَسجُدُ لَهُ لِتَجْعَلُنَّهُ مِنَ السَّاجِدِينَ وَ اِنَّ بِمِثل ذلِكَ نَزَّلْنَا الْقُرْآنَ مِنْ قَبْلُ وَلَكِنَّكُمْ كُنْتُمْ عَنْ مُرَادِي مُحْتَجِبينَ ذَلِكَ مَا طَافَ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ عَلَيْهِ ثَمَانِيَةُ وَاحِدٍ وَ اَنتُم بِهِ فِي الْعِبَادَةِ تَتَوَحَّدُونَ وَ كُنْتُمْ عَنْ سِرِّهِ بَعْدَ مَا قَدْ قُضِيَ لَمُحْتَجِبِينَ ذَلِكَ مِيزَانُ الْهُدَي فِي الْبَيانِ اَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ اِلي حِينَ مَا تُشْرِقُ شَمْسُ العَلَا ذَلِكَ مَنْ يُظْهِرُه اللَّهُ اِنْ تَعْمَلُنَّ بِهِ لَمُؤْمِنُونَ وَ اَنْتُمْ فِي الرِّضْوَانِ خَالِدونَ وَ اِلّا اَنتُم فانِيُون.**

**ثُمَّ السَّابِعُ، يَوْمَ الْقِيمَةِ عَلَي مَا اَنتُم تُدْرِكُونَ مِنْ اَوْلِ ما تَطْلُعُ شَمْسُ الْبَهَاءِ اِلَي اَنْ تَغْرُبَ خَيْرٌ في كِتَابِ اللَّهِ عَنْ كُلِّ اللَّيْلِ اِنْ اَنتُم تُدْرِكُونَ، مَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيءٍ الّا لِيَوْمَئِذٍ اِذ كُلٌ لِلِقاءِاللّهِ ثُمَّ رِضَائِهِ يَعْمَلُونَ، وَ فِي يَوْمِ القِيمَةِ يُدْرِكُ هَذَا ظَاهِراً فَلْتَنْتَظِرُنَّ فَإِنَّا كُنَّا مُنْتَظِرِينَ وَلَكِنَّكُمْ لِلَّهِ تَعْمَلُونَ وَ لَقَدْ قَرُبَ الزَّوَالُ وَ اِنَّكُمْ اَنْتُمْ ذَلِكَ الْيَوْمَ لَاتَعْرِفُونَ، و مَنْ يَكُنْ لِقَائُهُ ذَاتَ لِقَائِي لاَتَرضَيُنَّ لَهُ مَا لاتَرضي نَفْسٌ لِنَفْسٍ فَلْتَذْكُرُنَّ حَرْفَ الآخِرِ ثُمَّ حَدَّكُمْ تَعْلَمُونَ.**

**­ ثُمَّ الثَّامِنُ، قَدْ فَرَضْتُ الْمَوْتَ عَلی كُلِّ شیءٍ عِنْدَ ظُهورِی عَنْ دُونِ حُبّی وَ مَا اَبدءُ مِنْ اَمْرِی فَاِنَّ ذَلِكَ مَا یَنفَعُكُم وَ یُخرِجَنَّكم مِن النّار الی النُّور ذَلِكَ اُفُقُ الاَعلی اِنْ أَنْتُمْ تُدْرِكُونَ ذلك اْلموتُ فی الحیوةِ وَ اِنَّهَ لَحَقُّ وَ لارَیبَ فیهِ وَ اِنَّ الْمَوْتَ الجَسدِ مِثْلُ ذلک الْمَوْتِ اِنْ أَنْتُمْ كِلْتَیهِما فَی اْلحیوةِ لَتُدرِكُونَ.**

**ثُمَّ التَّاسِعُ، اِنَّ حَرْفَ السِّینِ قَبْرُ كُلِّ مَنْ آمَنَ بِهِ یومَ القیمة، كُلٌّ یُبَعثَونَ قُلْ اِنَّهَ لَحَقٌ لارَیبَ فیهِ وَ اِنَّهَ بِمَا تَقُولُ النُّقْطَةُ یُبْعَثُ ذَلِكَ مِنْ تقدیرِ الْمُهَیمِنِ الْقَیُّومِ.**

**ثُمَّ الْعَاشِرُ، مَا سُئِلَ الْعَبْدُ عَمَّنْ نُظهِرُ ذَلِكَ مَا یُسْئَلُ فی الْقَبْرِ اِنْ أَنْتُمْ بِالْحَقِّ تُجِیبُونَ ذَلِكَ قَوْلُ الْمَلِکِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ اِنْ أَنْتُمْ بِآیاتِ اللهِ تُوقِنُونَ ذلِكَ آیاتُ مَنْ یُظهِرُه‌ُاللهُ ثُمَّ ظِلُّ التَّاسِعِ مِثْلَ ظِلِّ الْعَاشِر تَسْتَدِلُّونَ.**

**ثُمَّ الْوَاحِدُ مِنْ بَعْدِ العَشْر، اِنَّ البَعثَ مِثلُ القَبرِ حَقٌّ یَبْعَثُ اللهُ مَن یَشاءُ عَن اَنْفُسِ الأَحیاءِ مِن خَلقِهِ بِما یَحكُمُ مَظهَرُ نَفسِهِ، كَذلِك اَنْتُم یَومُ القِیمَةِ بِما یَنطُقُ مَن یُظهِرُه‌ُاللهُ تُبْعَثون.**

**ثُمَّ الثَّانِي مِنْ بَعْدِ العَشْر، ذِكرُ الصِّراطِ لَحقٌ و اَنْتُم بِهِ لِتَمُرّونَ، ذلِكَ اَمرُ مَن یُظهِرُهُ‌اللهُ اِنْ اَنتُم یَومَ ­الظُّهورِ بِهِ تَعْمَلون، قُل كلٌ مِن قَبلُ انْتَظَرُوا یَومی فَإِذا ظَهَرتُ بِما هُم بِهِ دِیْنَهُم یُثْبَتُ فَإِذاً عِندَالصِّراطِ كُلُهُم واقِفُونَ، ذلِك صُمْتُهُم فی الحَقِ اِنْ اَنْتُم تُدرِكونَ.**

**ثُمَّ الثَّالِثُ مِنْ بَعْدِ العَشْر، ذِكرُ المِیزانِ ذلِك نَفسُ مَن یُظهِرُهُ‌اللهُ یَتَقَلَّبُ الحَقُّ مَعَهُ مِثلَ ما یَتَقَلَّبُ الظِّلُ مَع­الشَّمسِ فَإِذاً بَعدَ الغُرُوبِ اَنتُم بِالبیانِ و الشُّهداءِ لَتُوزَنونَ.**

**ثُمَّ الرَّابِعُ مِنْ بَعْدِ العَشْر، ذِكرُ الحِسابِ بِمِثلِ المِیزانِ لَحَقٌّ و كُلُ ما نُزِّلَ فی البیانِ ذلِك ما یُحاسِبُ اللهُ النّاسَ و کلّ شیءٍ اَنْ یا عِبادی فَاتَّقُونَ.**

**ثُمَّ الخامِسُ مِنْ بَعْدِ العَشْر، اِنَّ الكتابَ لَحَقٌ ذلِك قُولُ­اللِه مِن لِسانی اِنْ اَنتُم بِالحَقِّ لِتُوقِنُونَ.**

**ثُمَّ السّادِسُ مِنْ بَعْدِ العَشْرِ، اِنَّ الجَنةَ حُبُّ ­اللهِ ثُمَّ رِضائُهُ و اِنَّ ذلِك حَقٌ لا عِدلَ لهُ اِنّا كُنّا فِیها خالِدینَ ما یُنْسَبُ اِلیَّ فی­الجَنّةِ ذلِك ما یُنْسَبُ اِلی من یُظهِرُهُ‌الله اَفَلا تَدخُلونَ، و اِنَّما النّارُ قَبْلَ اَن یُبَدِّلَ بِالنُّورِ نارُ اللّهِ ذلِك مَن یُظهِرُهُ‌اللهُ قَبلَ اَن یُعَرِّفَكُم نَفسَهُ اَنتُم فی النّارِ الحُبِّ تَدخُلُونَ فَاِنَّهُ الحَقُّ لا كُفؤَ لَهُ اِن دَخَلتُم فَاِذاً اَنتُم كُلَّ­الْخیرِ تُدرِكون.**

**ثُمَّ السَّابِعُ مِنْ بَعْدِ العَشْرِ، ذِكْرُ النَّارِ لَنْ أُحِبَّ ذِكَرَ مَنْ لَمْ یُؤمنْ بِمَنْ یُظهِرُهُ‌اللهُ ذلِک مَنْ لَا آمَنَ مِنْ قِبَلُ مَنْ یُنْسَبْ اِلَیهِ یُنْسَبْ الی النَّارِ اَنْ یا عبادی فَاحْذَرُونَ.**

**ثُمَّ الثَّامِنُ مِنْ بَعْدِ العَشْرِ، اَلسَّاعَةُ ، اَنتُم بِما فَسَّرَ اللهُ فیالکَلِمَهِ اِنْ یَشَاءِاللهُ لَتُوقِنونَ.**

**ثُمَّ التَّاسِعُ بَعْدَ اَلْعَشْرِ، مانَزَّلَ اللهُ فی البیانِ حَدِیْقَةُ ذاتَ عِزةٍ اِلی مَنْ نُظهِرُهُ لَعلَّكُم بِآیاتِهِ تُؤمِنُونَ.**

**الواحِدُالثّالِثُ**

**بِسْمِ اللَّهِ الاَمْنَعِ الاَقْدِسِ**

**اِنَّنی اَنا اللهُ لا اِلهَ اِلّا اَنَا و اِنَّ ما دُونی لَو یَهْتَدی بِهُدایَ كَمَثَلِ مِرآتٍ یُری فِیها شَمسُ طَلعَتِك ذلِک خَلْقی قُل اَن یا خَلْقی اِیَّایَ فَاتَّقونِ و اِنَّما،**

**الاَولُ فِی الواحِدِ الثّالِثِ، ما اَنْتُم بِهِ تُوقِنُون ما یُذْكَرُ بِهِ اسْمُ شیءٍ مِلكٌ لی و ما تَمَلَّكتَ ذلك ما اَمْلِكُ قُل اَن یا خَلْقی فی الظِّهورِ الآخرِةِ مِن مِلْكی اِیَّایَ فَامْلِكُونِ.**

**ثُمَّ الثّانِیُ، ما اَنْطِقُ بِهِ حَقٌ يُخْلَقُ بِهِ ما اَشاءُ اِنَّ حَقَّ فَحَقٌ وَ اِنَّ دُونَ حقٍ فَدُونِ ذَلِکَ، ذَلِکَ مَا تَنْطِقُ اِذ كُلُّ نَفْيٍ وَ اِثْباتٍ قَدْ كُوِّنَ ثُمَّ ظَهَرَ بِما تَنْطِقُ قُلْ اَنْ يا عِبَادِي فَاتَّقُونِ.**

**ثُمَّ الثَّالِثُ، اِذا نُظْهِرَنَّكَ يَوْمَ القيمَةِ بِما ابْعَثْتُ مِنْ قَبْلُ تُرْفَعُ ما نَزَّلْتُ مِنْ قَبْلُ حِينَ مَا نَاذَنُ وَ اِنَّا كُنَّا صَابِرِين.**

**ثُمَّ الرَّابِعُ، ما نُنَزِّلُ عَلَيْکَ فِي اُخِريكَ اَعظَمُ عَمَّا نَزَّلْنا عَلَيْکَ فِي اُولِيكَ فَكُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ وَ اِنَّ فَضْلَ مَا نَزَّلْنَا عَليْکَ عَلَي مَا نَزَّلْنَا عَلَيْکَ مِنْ قَبْلُ كَفَضْلِ الْفُرْقَانِ عَلَي الاِنْجِيلِ ذَلِكَ فَضْلُ مُحَمَّدٍ عَلي عيسي قُلْ اَنْ يَا عِبَادِي ظُهُورِي فِي اُخراي تَنْتَظِرُونَ.**

**ثُمَّ الخامِسُ، اِنَّ قُبُورَ الْواحِدِ تُرْفَعُ اِذا نَأْذَنُ فِي يَوْمِ ظُهُورِي اِذْ بِقَوْلي قَدْ رُفِعَ مِنْ قِبَلُ اَنْ يا عِبادِي اِلَيَّ فَتَرْجِعُونَ.**

**ثُمَّ السّادِسُ، مَا يُذْكَرُ بِهِ اسْمٌ شَيءٍ مِنْ دُونِ اللَّهِ خَلْقٌ لَهُ وَ لَمْ يَكُنْ بَيْنَهُما ثالِثاً قُلْ اِنِّي لَحَقٌ وَ اَنَّ مادُونِي قَدْ خُلِقَ بِي ثُمَّ لِي اَنْ يَا عِبَادِي ظُهُورِي فِي اُخْرَايَ تُدْرِكُونَ.**

**ثُمَّ السَّابِعُ، لَنْ يُدْرِكَنِي خَلْقِي لِيَرانِي وَ كُلَّما نَزَّلْتُ مِنْ ذِكْرِ لِقَائِي ذَلِكَ اِيَاكَ فِي اُخْريكَ وَ اُوليكَ قُلْ ذَلِكَ اَعظَمُ الجَناتِ اِنْ اَنتُم بَعْدَ الْعِرْفَانِ تُدْرِكُونَ قُلْ ماتَنْظُرُنَّ اِلَي شَيْءٍ فِي حُبِّي اِلاّ وَ اَنْ تُدْرِكُنَّ ما فِي ذَلِكَ مِنْ رِضائِي اَنْ يا عُشَّاقِي اِلي مَنْ يُظْهِرُهُ بِالْحَقِّ تَنْظُرُون.**

**ثُمَّ الثَّامِنُ، مَا قَدْ خَلَقْنَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ فِي الْبَيَانِ اَنتُمْ اِلْيَهْ تَنْظُرُونَ.**

**ثُمَّ التَّاسِعُ، ما فی­البیانِ قَد نُزِّلَ فی الهَیاكلِ الواحدِ اَنتم تِلك الآیةَ تَقرَئُون شَهِدَ اللهُ اَنَّهُ لا الهَ اِلا هُو الرَّحْمنُ ربُ الكُرسیِّ المَنیعِ. اللهُ لا إلهَ الا هُوَ المُهَیمِنُ القَیّومُ. اللهُ الَّذی لا إلهَ اِلا هُو المَلِكُ السُّلطانُ القاهِرُ الظّاهِرُ الفَردُ المُمْتَنِعُ لهُ الاَسماءُ الحُسنی یُسبِّحُ له مَن فی السَّمواتِ و الْاَرضِ و ما بَینَهُما قُل سُبْحانَ اللهِ عَمّا اَنتم تُشِیرُون. اللهُ الذی لا إله الا هُو الحَقُّ العالمُ القائمُ القادرُ له الاَسماءُ الحُسْنی یَسْجُدُ له مَن فی السَّمواتِ و الارضِ و ما بَینَهما و هُو العَزیزُ المَحبُوب.**

**ثُمَّ الْعَاشِرُ، مَا فِيهَا، فِي تِلْكَ اَلْآيَةِ اَنْتُمْ عَدَدَ كُلِّ شَيْءٍ اِذا تَجِدُنَّ الرَّوْحَ وَ الرَّيْحَانَ تَقْرَئُونَ و اِلا اَنْتُم تَصْمُتُون ثُمَّ تَتَفَكَّرُونَ شَهِدَاللهُ اَنَّهُ لا إلهَ الا هُو لهُ الخَلْقُ و الاَمْرُ یُحیِی و یُمِیتُ ثُمَّ یُمِیتُ و یُحیِی و اِنَّه هُو حَیُ لا یَمُوتُ فی قَبضَتِهِ مَلَكُوتُ كلِّ شیٍء یَخْلُقُ ما یَشاءُ بأِمرِهِ اِنَّه كانَ عَلی كلِ شیءٍ قَدِیرا.**

**ثُمَّ الْوَاحِدُ مِنْ بَعْدِ العَشْرِ، مَا نُزِّلَ فِيهَا فِي الْآيَةِ الاُوْلَي بِسْمِ اللَّهِ الاَمْنَعِ الْاَقْدَسِ اَنْتُمْ اِلَي حُرُوفِ الْوَاحِدِ تَنْظُرُونَ.**

**ثُمَّ الثَّانِي مِنْ بَعْدِ العَشْرِ، مَا فِيهَا، فِي النُقطةِ حَرْفِ الاَولِ تُدْرِكُونَ ذلِك، مَن يُظْهِرُهُ­اللَّهُ، حُرُوفُ اَلْحَيِّ عِنْدَهُ كَمِرْآتٍ عِنْدَالشَّمْسِ بِمِثْلِ ذَلِكَ اَنْتُمْ فِي كِلِّ الاَسمَاءِ وَ الصِّفاتِ تَسْتَدِلُّونَ، ذَلِكَ جَوهَرُ الْبَيَانِ يَذْكُرُ نَفْسَهُ مِنْ عِنْدِ رَبِّهِ مَا انتُم اِيَّاهُ تَذَكُرُونَ اِنَّنِي اَنَا اللَّهُ لاَ إِلَهَ الا اَنَا المَلِکُ الظّاهرُ السُّلطانُ قُل ما دُونی خَلْقی کلٌ اِیَّای یَعبُدُون قُل اللهُ اللهُ رَبِّی و اَنتُم اَن یا کلَّ شیءٍ لا تُشْرِكُنَّ بِاللهِ رَبِكُم اَحداً و لا تَدعُونَ مَع اللهِ رَبِّكم الرَّحْمنِ شَیاً.**

**ثُمَّ الثَّالِثُ مِنْ بَعْدِ العَشْرِ، لَاتَسْئَلْنی فِي اُوْلَايَ وَ لَا فِي اُخْرَايَ اِلاّ في كِتابٍ وَ لْتَعْمَلُنَّ كُلُّ واحِدٍ في مَسائِلكُم لَعَلَّكُم تَتَأَدَّبُونَ.**

**ثُمَّ الرَّابِعُ مِنْ بَعْدِ العَشْرِ، اَنْ تَحْفَظُنَّ كُلَّمَا نُزِّلَ فِي الْبَيَانِ كَطَلْعَةٍ طُرِّزَ فِي أَلْوَاحٍ مُقَطَّعَةٍ لاَ تَكْتُبُنَّ مَا يُغَيِّرُ طَرْزَهُ ثُمَّ في اَعلي­الجِلْدِ تَحْفَظُونَ وَ مَنْ يَكُنْ عِندَهُ حَرْفاً دُونَ ما يَنبَغِي لِعِزَّتِهِ يُحجَبُ عَمَلُهُ فَلا تَكُونُنَّ مِنَ الْمُحْتَجِبِينَ.**

**ثُمَّ الخامِس مِنْ بَعْدِ العَشْرِ، اِن تُؤْمِنُنَّ بِمَنْ نُظْهِرَنَّهُ يَوْمَ الْقِيمَةِ فَإِنَّكُمْ اَنْتُم بِي وَ آيَاتِي فِي كُلِّ الْعَوَالِمِ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ و اِلاّ اسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ كُنْتُمْ اِليْهِ لَتَائِبِينَ.**

**ثُمَّ السّادِسُ مِنْ بَعْدِ العَشْرِ، لاتَعْمَلَنَّ اِلّا بِمَا نَزَّلْنَاهُ عَلَيْکَ وَ لاَتَأْمُرَنَّ اِلاّ بِهِ قُل اِنَّه لَشَمْسٌ اِنْ تَجْعَلَنَّكُم وَ آثَارَكُم مِرْآتاً تَرَوْنَ فِيهَا مَا اَنْتُمْ تُحِبُّونَ اِذَاً اَنْتُمْ بِالْحَقِّ تُقَابِلُونَ.**

**ثُمَّ السَّابِعُ مِنْ بَعْدِ العَشْرِ، لاتَكتُبُنَّ آثارِي اِلاّ عَلَي اَحْسِنِ خَطٍّ عَلي ما اَنْتم عَلَيْهِ لَمُقْتَدِرُونَ وَ اِنْ يَكُنْ عِنْدَ اَحَدٍ حَرْفاً دُونَ اَعْظَمِ خَطٍ يَحْبِطُ عَمَلُهُ اِلاّ اَلصَّبَايَا حِينَ مَا يَتَأَدَّبُونَ.**

**ثُمَّ الثَّامِنُ مِنْ بَعْدِ العَشْرِ ، من يُنشِيءُ كَلِماتاً لِلّهِ قُلْ خُذْ لِنَفسِكَ عَلَي اَجْذَبِ خَطٍّ ثُمَّ تَهَبُ مَنْ تَشَاءُ فَإِنَّ ذَلِكَ قِسْطاسُ حَقٍّ مُبِينٍ.**

**ثُمَّ التَّاسِعُ مِنْ بَعْدِ العَشْرِ، اَنْ يا عِبادِي فَاصْرِفُوا فِي مُلْكِي فِيمَا نُزِّلَ عَليَّ علي ما اَنتُم عَلَيْهِ لَمُقْتَدِرُونَ اِنْ تَجِدُنَّ مَنْ يَكُنْ بَهاءُ خَطِّهِ الارْضُ و مَا علَيْها فَلْتَأْتُوهُ حَتِّي يَكْتُبُ اسْمِيَ الْمُهَيْمِنَ الْقَيُّومَ وَ كُلُّ مَا اُمِرْتُم عَلَي اَعْلَي الخَطِّ لَمْ يَكُنْ اِلاّ لِتُحْسِنُنَّ بِأَرْوَاحِ الحُرُوفِ ذلك ذُرِّيَّاتُكُمْ فَلِتَجْمَعُنَّ بَيْنَ اَلْحُسْنَيْنِ ثُمَّ اِيّايَ فَاشْكُرُونَ.**

**الواحِدُ الرّابِعُ**

**بِسْمِ اللَّهِ الاَمْنَع اَلاَقْدِسِ**

**اِنَّنِي اَنَا اللّهُ لاَ إِلَهَ اِلاّ اَنَا الاَعْظَمُ الاَعْظَمُ قَدْ خَلَقْتُكَ وَ جَعَلْتُ لَكَ مَقامَينِ هَذا مَقامٌ لَنْ يُري فِيهِ اِلاّ اَيايَ وَ مِن هذا تَنْطِقُ عَنِّي عَلي اِنَّني اَنَا اللَّهُ لاَ اِلَهَ اِلاّ رَبُّ الْعالَمِينَ وَ مِنْ هَذا تُسَبِّحُني وَ تُحَمِّدُني وَ تُوَحِّدُني وَ تُعَبِّدُني وَ لِتَكُونَنَّ لِي مِنَ السَّاجِدِينَ.**

**هَذَا وَاحِدُ الاَوْلِ مِنَ الرَّابِعِ**

**ثُمَّ فِی­الثّانِی، قُل ما يَرْجِعُ اِلَيَّ يَرْجِعُ اِلَي اللَّهِ رَبِّي وَ ما لايَرْجِعُ اِليَّ لَنْ يَرْجِعَ اِلَي اللَّهِ ثُمَّ الاَمْرُ في شُئُونِهِ تَرْجِعُون.**

**ثُمَّ فِی­الثّالِثِ، لَنْ اُعْبَدَ مِثْلَ مَا تَعْبُدُنِي بِالْبَدَاءِ وَ ذَلِكَ ذَاتُ بِدَائِكَ فَي اُخِرِيكَ وَ اُوْلِيكَ حِينَ مَا تُقَلِّبُ فِي بَطْنِ اُمِّكَ لَوْ لَمْ تَتَقَلَّبْ بِما تُقَلَّبَ ما اُيْقِنَ بِبَدائِي وَ اِنَّكَ وَاحِدٌ مَا خَلَقْتُ لَكَ مِنْ كُفْوٍ وَ لَاعِدْلٍ وَ لَاشِبْهٍ وَ لَاقَرِينٍ وَ لَامِثَالٍ كَذَلِكَ اَخْلُقُ ما اَشاءَ وَ اِنَّنِي اَنَا الْقادِرُ الْعَلام.**

**ثُمَّ فِی­الرّابِعِ، قَدْ خَلَقْتُ جَوْهَرَ كُلِّ شَيْءٍ فِي هَيْكَلِ الْاِنْسانِ وَ جَعَلْتُ كُلَّ ذَاتِ هِيكَلٍ عَبْدٌ رِقٌ لِمَن نُظْهِرَنَّهُ قُل اِنِّي اَوْلي بِكُمْ مِنْ اَنْفُسِكُمْ اِلَيْكُمْ اَنْ يا عَبِيدِي اِلي مَوْلَيكُمْ تَنْظُرُون.**

**ثُمَّ فِي الْخَامِسِ، كُلُّ الدَّوائِرِ آياتٌ رُقِيَّةٌ لِي اِنْ هُنَّ اِيّاي يَعْبُدْنَ قُلْ اِياكُنّ وَ اِيّاكُم اِلي مَن نُظهِرُهُ تَنْظُرُونَ ذَلِكَ مَحْبُوبُكُمْ كُلٌ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ تُرِيدُون.**

**ثُمَّ فِی­السّادِسِ، اِنِّي لااُسْئَلُ عَمّا اَفْعَلُ وَ كلٌ عَنْ تَوْحِيدِي وَ من نُظهِرُهُ يُسْئَلُونَ وَ جَعَلْتُ مَنْ نُظْهِرُهُ مِنْ بَعْدُ مَظْهَرَ ذلِكَ قُل اِنْ تَسْئَلُنَّهُ عَمَّا يَفْعَلُ فَكَيْفَ اَنْتُم بِي مُؤْمِنُونَ، وَ انَّه لِيَسْئَلَنَّكُمْ عَنْ كُلِّ شَيْءٍ فَلا تَكُونُنَّ الاّ بِالْحَقِّ مُجِيبُون.**

**ثُمَّ السَّابِعُ، كُلٌ مِنِّي بِكَ يَبْدَؤُنَ وَ كُلٌ بِكَ اِلَيَ لَيَرْجِعُونَ.**

**ثُمَّ الثَّامِنُ، كُلٌ بِآيَاتِكَ وَ مَا نُّزِلَ مِنْ عِنْدِكَ يُخْلَقُونَ وَ يُرْزَقُونَ ثُمَّ يُمِيتُونَ وَ يُحْيُوْنَ.**

**ثُمَّ التَّاسِعُ، مَنْ يَطْلُعُ مِنَ الْبَيَانِ بِمُلْكٍ ذَلِكَ مَظْهِر قَهْرِي قل فَاجعَلنِي اللّهُمَّ مِنْ اَقْهَرُ الْقاهِرِينَ وَ لْتَكْتُبَنَّ اسْمَكَ وَ ما تَعْمَلُ لاَجِزِينَّكَ فِي رَجْعِي عَلَي اَحْسَنِ مَا كُنْتَ مِنَ العَامِلِينَ وَ لْتُدَبِّرُنَّ لِيَوْمِ الظُّهُورِ تَدْبِيراً، لايَحْزُنُ الْحَقُّ وَ قَدْ اَمْرْنَا اَنْ يَعْمَلُّنَّ بِذَلِكَ كُلُّ الْمُومِنِينَ.**

**ثُمَّ الْعَاشِرُ، لا تَتَعَلَّمُنَّ الا بِمَا نُزِّلَ فِي الْبَيانِ اَوْ مَا يُنْشَيءُ فِيهِ مِنْ عِلْمِ الْحُرُوفِ وَ مَا يَتَفَرَّعُ عَلَي عَمَلِ الْبيَّانِ قُل اَنْ يا عِبادِي تَتَأَدَّبُونَ وَ لاَتَخْتَرِعُونَ ثُمَّ تُخَفِّفُونَ عَلَي اَنْفُسِكُمْ ثُمَّ تَتَصَنَّعُونَ.**

**ثُمَّ الْوَاحِدُ مِنْ بَعْدِ العَشْرِ، اَن لاتَتَجاوَزُنَّ عَن حُدُودِ الْبَيانِ فَتَحْزَنُونَ وَ لاَتَحْزُنُنَّ مِن نَفْسٍ فَانَّهُ لَاَعَظمُ حَدٍ لَعَلَّكُم مَن نُظهِرُهُ لاتَحزَنونَ و مَنْ يَتَجَاوَزُ لَنْ يُحْكَمَ عَلَيْهِ بِالْهُدْي وَ ما يَاتِي بِالْهُدْي اِلاّ مَنْ نُظْهِرُهُ بِالْهُدْي قُلْ اَن يا اُولي الهُدي بِهُدايَ تَهْتَدُونَ.**

**ثُمَّ الثَّانِي مِنْ بَعْدِ العَشْرِ، اَنْ يَا عِبَادِي فَلْتُنَّزِلُنَّ بِقَاعَ الارْضِ ثُمَّ مَا فِيهَا فِي الوَاحِدِ الاَوّلِ تَصْرِفُون.**

**ثُمَّ الثَّالِثُ مِنْ بَعْدِ العَشْرِ، اَنْ يا عِبادِي فَلتُرْفِعُنَّ مَقاعِدَ الْوَاحِدِ عَلِي مَا اَنْتَمْ عَلَيْهِ لَمُقْتَدِرُونَ.**

**ثُمَّ الرَّابِعُ مِنْ بَعْدِ العَشْرِ، اَنْ يا عِبادِي اِنْ تَسْتَجِيرُنَّ بِتِلْكَ الْبِقاعِ لَتَامَنُونَ عِنْدَ النَّاسِ وَ هُمْ عَلَيْكُمْ لاَ يُسَلِّطونَ ذلِك لِتَسْتَجِيرُنَّ يَوْمَ الْقِيمَةِ بِمَنْ بُعِثَ من مَرْقَدِهِ لاَ مِثلَ يَوْمَئِذٍ بِهِمْ تَسْتَجِيرُونَ وَ عَلَيْهُمْ تَفْعَلُونَ ما تَنْفَطِرُ السَّمَوَاتُ وَ الاَرْضُ وَ مَا بَيْنَهُمَا حِينَ مَا تَسْمَعُ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ لاَ تَعْلَمُونَ.**

**ثُمَّ الخامِسُ مِنْ بَعْدِ العَشْرِ، فَلاَ تَمْنَعُنَّ اَحَداً اِذا اسْتَجَارَ بِاللَّهِ ثُمَّ بِالحُروفِ الْحَيِّ حَينَ الظُّهُورِ فِي الاُخْرِي وَ قَبْلَ ذَلِكَ فِي الاُولِي تَحْكُمُونَ، وَ اِنَّ بِمِثلِ ذَلِكَ اِذَا استجارَ بأحَدٍ اَحَدٌ لَوْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِهِ خَيْرٌ عِنْداللَّهِ مِنْ اَنْ يَرُدَّهُ اَنْ يا عِبادِي فَتُجيرُونَ.**

**ثُمَّ السّادِسُ مِنْ بَعْدِ العَشْرِ، أَن يا عِبادِي الي بَيْتِي تَصْعَدُونَ ذَلِكَ بَيْتُ مَنْ يُظْهِرُهُ اللَّهُ ذلِكَ بَيْتِي فَلاَ تَشْتَرُنَّ مَا فَي حَولِهِ عَلَي قَدْرِ مَا اَنْتُمْ تَسْتَطِيعُونَ اَنْ تَرْفَعُونِ.**

**ثُمَّ السَّابِعُ مِنْ بَعْدِ العَشْرِ، مَا فِي حَوْلِ البَيْتِ وَ الْمَسْجِدِ لِلَّهِ فَلاَ تَبِيعُونَ وَ لْتَجْعَلُنَّ كُلُّكُمْ في حَدِّ مُلْكِكُم كُلَّمَا تَسْتَطِيعُونَ اَنْ تَعَلَمُونَ اخْبَارَكُمْ ثُمَّ الَّذِينَ يَتَّجِرُونَ مَا يُحِبُّونَ اَنْ يَكْتُبُونَ وَ اِنَّ مَسْجِدَ الْحَرَامِ ما يُولَدُ مَنْ يُظهِرُهُ اللَّهُ عَلَيْهِ، ذَلِكَ مَا وُلِدْتُ عَلَيْهِ، قُلْ مَقْعَدُ اَحْمَدِ، ذِكْرِي يَدْخُلُ فِيهِ اَنْتَم هُنَالِكَ لَتُصَلُّونَ و لَاتَعْرُجُنَّ اِلَي بَيْتِي و لا الْمَقَاعِدِ اِلاّ وَ اَنْتُمْ تَمْلِكُنَّ مَا فَي السَّبِيلِ مَا لاَتَحْزَنُونَ وَ مَن يَقْدِرُ اَنْ يَدخُلَ عَلَيَّ او عَلَي البَيتِ فَلا يُعفي عَنْهُ ذَلِكَ لِتَدْخُلُنَّ عَلَي مَنْ نُظْهِرُهُ فِي الْبَيْتِ لِلَّهِ رَبِّكُمْ وَ لِتَخْضَعُنَّ لَهُ ثُمَّ لِتَسْجُدُونَ.**

**ثُمَّ الثَّامِنُ مِنْ بَعْدِ العَشْرِ، اِنْ وَفَّقْتُمْ عَلَي ما اَنتُم تُحِبُّونَ مِنْ حَجِّ بَيْتِي فَلْتُوتِيُنَّ مَظَاهِرَ الْوَاحِدِ عَلَي سَرَائِرِهِمْ اَرْبَعَ مِثقَالٍ مِنَ الذَّهَبِ اِنْ هُمْ عَلَي مُنْتَهَي الْحُبِّ بِكُم يَسلُكُونَ وَ قَد عَفَوْنا عَمَّن لايَقدِرُ وَ مَن يَملِكُ وَ مَن يَخْدُمُ وَ مَن يَتَّبِعُ او يَبْتَلِي لَعَلَّهُمْ يَشكُرونَ ذَلِكَ لِتَعْرِفُنَّ رَبَّ الْبَيْتِ ثُمَّ اَنتُم مِنْ بَابِ الْبَيْتِ تَدْخُلُونَ ذَلِكَ مَنْ يُعَلِّمُكُمْ عِلْمَ باطِنِ الْباطِنِ لِلظَّاهِرِ الظَّاهِرِ ذَلِكَ اِيّايَ فِي اُخْرايَ اَنْ يا عِبادِي فَاعْرِفُونَ، ذَلِكَ لِتَعْرِجُنَّ اِلَي منْ نُظْهِرُهُ اِنْ كانَ اِيَّاهُ ثُمَّ اَنْتُمْ لِبَيْتِهِ تَصْعَدُونَ فَكَيْفَ اَنتم لِنَفْسِهِ لاَ تَصْعَدُونَ حَينَئِذٍ كُلٌّ اِلي بَيْتِي مِن قَبْلُ يَصْعَدُونَ وَ هُم عَمَّنْ جَعَلَ البَيتَ بَيتاً مُحتَجِبُون.**

**ثُمَّ التَّاسِعُ مِنْ بَعْدِ العَشْرِ، لَوْلاَ يَحْزَنَ النِّسَاءُ لَاَنْهيهُنَّ عَنْ صُعُودِهِنَّ لِمَا يَصْعَبْنَ فِي السَّبِيلِ اِلّا مَنْ يَكُنْ فِي اَرْضِ الْبَيْتِ فَإِنَّهُنَّ اذا شِئنَ يَدْخُلْنَ البَيتَ فَي الَّيلِ ثُمَّ عَلِي سَرائِرِهِنّ عِندَ مَظاهر ِالْواحدِ يَسْتَونَ وَ يَذْكُرْنَ رَبَّهُنَّ الَّذِي خَلَقَهُنَّ ثُمَّ اِلي مَساكِنِهِنَّ يَرْجِعْنَ وَ اِنْ يُراقِبْنَ حُبَّ اَزوَاجِهِنَّ وَ ذُرِّيَّاتِهِنَّ خَيْرٌ لَهُنَّ فَلا تَقْرُبْنَ مَا تَحْزَنَنَ فَإنَّكُنَّ قَد خُلِقْتُنَّ لِاَنَفُسِكُنَّ ثُمَّ لِذُرِّيَّاتِكُنَّ فَلا تَخْتَارِنَّ الاَسْفَارَ لِتَبْتَلِيْنَ وَ لْتَشْكُرْنَ اللَّهَ بِمَا یَعْفَوَنَّ وَ اللَّهُ عَلامٌ حَكِيمٌ اَنْ يَا مَظَاهِرَ الْوَاحِدِ فِي الاَلْفِ وَ البَاءِ لا تَسئَلُنَّ عَن نَفسٍ فَإِنَّها تَعْرِفُ حُكْمَهَا ثُمَّ بَيْنَ يَدَيْ مَن جَعَلَكُم حُفَّاظَ الْبَيْتِ لِتَسْجُدُونُ و اِنِّي لَاَدْخُلُنَّ الْبَيْتَ وَ اَنتُم لا تَعْرِفُونَ فَلْتُحَسِّنُنَّ بِكُلِّ مَنْ يَدْخُلُ بَيْتِي لَعَلَّكُمْ اِيَّايَ تُدْرِكُون.**

**الواحِدُ الخامِسُ**

**بِسْمِ اللَّهِ الاَمنَعِ الاَقْدَسِ**

**اِنَّني اَنَا اللَّهُ لاَ إِلَهَ اِلاّ اَنَا الاَقْدَمُ الاَقْدَمُ قَدْ نَزَّلَتُ فِي بابِ الاَوْلِ مِنَ الْواحِدِ الْخامِسِ اَنْ تَرْفَعُنَّ الْمَسْجِدَ مقْعَدَ ما وَلدتَ عَليهِ عَلي ما اَنتُم عَلَيْهِ لَمُقْتَدِرُونَ.**

**ثُمَّ الثّانِی، اَنتُمْ بِإِذْنِي تَرْفَعُنَّ مَسَاجِدَ الْحَيِّ ثُمَّ عَددَ المِصْبَاحِ فِيهَا مَا اَنتُم تُحِبُّونَ لَتُحصِنُونَ.**

**ثُمَّ الثَّالِثُ، قَدْ جَعَلْنَا الْحَوْلَ تِسْعَةَ عَشَرَ شَهْراً لَعَلَّكُمْ فِي الْوَاحِدِ تَسْلُكُونَ.**

**ثُمَّ الرَّابِعُ، اَنْتُمْ بِأسْمائِي لَتُسَمُّونَ وَ قَدْ جَعَلْناكَ بَهائِي قُلْ اَنْ يا خَلْقِي اِيّايَ فَاقْصِدُون وَ لَتُسَمِّيُنَّ بِاسْمِ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍ و فَاطِمَةَ ثُمَّ الْحَسَنَيْنِ ثُمَّ مَهدِيٍ و هادي وَ قَدْ جَعَلْنا لِكُلِّ حَرْفٍ مِنِ اسْمِكَ اسْماً قُلْ كُلٌ لِي وَ اِنِّي لِلَّهِ رَبِّي وَ ما مِنْ إِلَهٍ اِلّا اللّهُ ذَلِكَ سُلْطَانُ الْعَالَمِينَ ذَلِكَ مَحْبُوبُ الْعَالَمِينَ ذَلِكَ مَلَّاكُ الْعَالَمِينَ ذَلِكَ مَقْصُودُ الْعَالَمِينَ ذَلِكَ مَعْبُودُ الْعَالَمِينَ ذَلِكَ مَطْلُوبُ الْعَالَمِينَ ذَلِكَ اِلْهَكُمْ وَ مَلِيكُكُمْ ثُمَّ رَبُّكُمْ وَ مُلْكُكُمْ ثُمَّ سُلْطَانُكُمْ وَ مَالِكُكُمْ ثُمَّ مَوْصُوفُ الْعَالَمِينَ.**

**ثُمَّ الخامِسُ، فَلْتَأْخُذُنَّ مَنْ لَمْ يَدْخُلْ فِي الْبَيَانِ مَا يُنْسَبُ اِلَيْهِمْ ثُمَّ اِنْ آمَنُوا لَتَرُدّونَ اِلّا فِي الاَرْضِ الَّتِي اَنْتُمْ عَلَيْهَا لَا تَقْدِرُونَ.**

**ثُمَّ السّادِسُ، اِنْ يُفْتَحْ اَرْضٌ فِي البَيانِ يُؤْخَذْ عَنْهُ مَا لَمْ يَكُنْ لَهُ عِدْلٌ لِمَنْ اَمرَ بِهِ وَ يُحفَظْ نَفسُهُ اِنْ لَمْ يَتَغَيَّر ْعِندَ مَن يَتَّجِرُ وَ اِلاّ يَتَّجِرُ عَنِّي مِن بَهائِهِ، وَ يَأْخُذُ حَقَّهُ مِنْ كُلِّ اَلْفٍ يَبِيعُ وَ يَشتَرِي مِأَةً فَضْلاً مِن لَدُنَّا لِمَن نُظهِرُهُ بِالحَقِّ وَ اِنَّا كُنَّا حَاسِبِينَ ثُمَّ يُؤْخَذُ بَهَاءُ الْهَاءِ وَ يَحْفَظُ لِلْحُرُوفِ الْاُولي عِنْدَ الْمُؤْتَمَنِينَ وَ يُؤْخَذُ الْوَاوُ لِلشُّهَدَاءِ ثُمَّ يُزَوَّجُ بِهِ في البَيانِ الَّذِينَ هُم لايَستَطيعونَ ثُمَّ يَتَصَرَّفُ المُلْكَ كَيفَ يَشاءُ ثُمَّ يُؤتي كُلَّ ذِيْ حِقٍ حَقَّهُ مِنْ جُنْدِهِ وَ اِنْ زادَ مِنْ شَيْءٍ يَصْرَفُ فِي الْمَقاعِدِ الْمَرْفُوعَهِ اَوْ يُؤْتِي كُلَّ الْمُؤْمِنِينَ ذَلِكَ اَقْرَبُ فِي كِتَابِ اللَّهِ حَتِّي وَ اِنْ تَكُنْ نَفْساً فِي اَرْضٍ يُؤْتِي شيّاً مِنْها فَضْلاً مِنْ اللّهِ اِنَّه هُو الفَضّال الكَرِيم.**

**ثُمَّ السَّابِعُ، كُلِّما يَدْخُلُ فِي الدِّينِ وَ مَا يَمْلِكُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْ دُونِهِمْ يَطْهُرُ حِينَ مَا هُمْ يَمْلِكُونَ فَضْلاً عَلَيْکَ اِذَا اتَّجَرْتَ في اُخْريكَ ثُمَّ الْعالَمِينَ قُل اِذا نُسِبَ الشَّيْءٌ اِلي مَنْ آمَنَ بِالْبَيَانِ يَطْهُرُ فِي الْحِيْنِ اَنْ يا عِبَادِي فَاشْكُرُونِ وَ لْتَشْتَرُنَّ ما تُحِبُّونَ مِنْ كُلِّ اَرْضٍ لَعَلَّكُمْ شَيْءَ اللَّطِيفِ لَتَمْلِكُونَ.**

**ثُمَّ الثَّامِنُ، فَلْتَقْرَئُنَّ البَيَانَ ثُمَّ مِن ذَلِكَ الْبَحْرِ لَئَالِيَها تَأْخُذُونَ و لَاتَنْقُصُنَّ مِنْ تِسْعَةِ عَشْرِ آيَةً و اِنْ لَمْ تَتَعَلَّمُنَّ لَتَقُولُنَّ اللَّهُ اللَّهُ، رَبِّي وَ لاَ اُشْرِكُ بِاللَّهِ رَبِّي شَيئاً اِنْ لَم تَضُرُنَّ فِي يَوْمِ رَجْعِي مِنْ اَحَدٍ فَإِذَاً كُنْتَ فِي قَوْلِك لَمِنَ الصَّادِقِينَ و لَايَنْفَعُكَ هَذَا اِنْ تَسْمَعْ ذِكْرَ ظُهُورِي ثُمَّ تَكُونَنَّ مِنَ الْقَاعِدِين.**

**ثُمَّ التَّاسِعُ، فَاذْكُرْنِي بِحُرُوفِ كُلِّ شَيْءٍ بِما تَذْكُرُ مِنِ اسْمي وَ لَوْ كُنْتَ بِمَا يَخْطُرُ عَلَي قَلْبِكَ مِنِ اسْمٍ مِنَ الْمُلْتَفِتِين.**

**ثُمَّ الْعَاشِرُ، قَدْ وَهَبْتُكَ الهَياكِلَ وَ الدَّوائِرَ وَ مَنَنْتُ عَلَيْکَ بِذَلِكَ قُل كُلُّ الْبيانِ فِيهِما لَتَكْتُبُونَ عَلَي شَأنٍ تَسْتَطِيعُونَ اَن تَقْرَئُونَ.**

**ثُمَّ الْوَاحِدُ مِنْ بَعْدِ العَشْرِ، فَلْتُعْظِمُنَّ عَلَي الْمَوْلُودِ خَمْسَ مَرَّةً قَائِماً وَ اَنْتُمْ بَعْدَ كُلِّ مَرَّةٍ لَتَقُولُون تِسعَةَ عَشَرَ مَرّةً اِنّا كُلٌ بِاللَّهِ مُؤْمِنُونَ ثُمَّ اِنّا كُلٌ بِاللَّهِ مُوقِنُونَ ثُمَّ اِنّا كُلٌ بِاللَّهِ لَمُبْدِئُونَ ثُمَّ اِنّا كُلٌ بِاللَّهِ لَمُعِيدُونَ ثُمَّ اِنّا كُلٌ بِاللَّهِ راضِيون، ثُمَّ عَلَي الْمَيِّتِ سِتَّةُ مَرَّةٍ ثُمَّ تَقُولُونَ تِسْعَةَ عَشَرَ مَرَّةً اِنّا كُلٌ لِلَّهِ عابِدُونَ ثُمَّ بَعْدَ مَا عَظَّمْتُمُ اللَّهَ فِي الاُولي اِنّا كُلُّ لِلَّهِ ساجِدُونَ ثُمَّ اِنّا كُلٌ لِلَّهِ قانِتُونَ ثُمَّ اِنّا كُلٌ لِلَّهِ عَامِلُونَ ثُمَّ اِنّا كُلٌ لِلَّهِ مُخْلِصُونَ ثُمَّ اِنّا كُلٌّ لِلِّه حامِدون،وَ لَتُدفَنُنَّ في البُلّورِ اَو الحَجَرِ المُصَقَّلِ لَعَلَّكُم تَسْكُنُونَ وَ لْتَجَعلُنَّ الْخَاتَمَ فِي يَمِينِهِ يُنْقَشُ عَلَيْهِ آيَةُ الَتي اُمِرَ بِها لَعَلَّكُمْ تَسْتَأْنِسُونَ قُلِ الْمَرْءُ يُكْتَبُ لِلَّهِ مَا فِي الْسَّمَوَاتِ وَ الاَرْضِ وَ مَا بَيْنَهُمَا وَ اللَّهُ عَلَّامٌ مُقْتَدِرٌ مَنِيعٌ قُلِ الْمَرئَةُ تَأْمُرُ بِمَا نُّزِلَ فِي كِتابٍ عَظِيمٍ وَ لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَ الاَرض وَ مَا بَيْنَهُمَا وَ اللَّهُ عَلاَمٌ مُقْتَدِرٌ مَنِيعٌ.**

**ثُمَّ الثَّانِيُ مِنْ بَعْدِ العَشْرِ، اَنْتُمْ بِشَيْءٍ مِنْ تُرْبَةِ الاَوّلِ وَ الْاخِرِ مَعَ الْمَوْتِي تُدْفِنُونَ.**

**ثُمَّ الثَّالِثُ مِنْ بَعْدِ العَشْرِ، اَنتُمْ كِتابُ وَصِيَّةٍ اِليَ مِن نُظْهِرهُ تَكْتُبُونَ ذَلِكَ مَا تَكْتُبُونَ اِليَ اللَّهِ اِنْ اَنتُمْ بِهِ تُوقِنُون.**

**ثُمَّ الرَّابِعُ مِنْ بَعْدِ العَشْرِ، يُطَهِّرُكُم اسْمُ اللّهِ اِذا تَقْرَءُونَ اللَّهُ اَطْهُر سِتَّةٌ وَ سِتِّينَ مَرَّةً ثُمَّ النُّقطةُ وَ مَا يُشْرِقُ مِنْ عِنْدِهَا مِنْ آيَاتِ اللَّهِ ثُمَّ كَلِمَاتُهُ اِنْ اَنتُم بِها تُوقِنُونَ ثُمَّ مَن يَدْخُلُ فِي الدِّينِ ثُمَّ مَا يُبَدَّلُ كَيْنُونِيَّتُهُ ثُمَّ النَّارُ وَ الْهَوَاءُ وَ الْمَاءُ وَ التُّرَابُ ثُمَّ الشَّمْسُ اِذا تُجَفِّفُ اَنْ يَا عِبَادِي فَاشْكُرُون.**

**ثُمَّ الْخَامِسُ مِنْ بَعْدِ العَشْرِ، مَاءُ الْحَيَوَانِ طُهْرٌ اَنْتُمْ بِهِ تُخْلَقُونَ فَلْتُلَطِفُنَّ اَبْدانَكُم عَن ذَلِكَ لَعَلَّكُم تَتَلَذَّذُونَ.**

**ثُمَّ السّادِسُ مِن بَعدِ العَشْرِ، كُلُّ شَيءٍ لَمْ يَكُنْ لَهُ عِدلٌ لِلَّهِ ذَلِكَ لِمَنْ يُظْهِرُهُ اللَّهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ عَلَي عَدَدِ الْواحِدِ اَنْ يا عِبادِي اِلْيْهِ لَتُبْلُغُونَ وَ اِذا غَرُبَتِ الشَّمْسُ فَلْتَمْلِكُنَّ مِنِّي اَنْفُسَكُمْ ثُمَّ يَوْمَ ظُهُورِي لَتَرُدُّونَ.**

**ثُمَّ السَّابِعُ مِنْ بَعْدِ العَشْرِ، فَلْتَقُولُنَّ فِي كُلِّ يَوْمٍ تِسعَةٌ وَ تِسْعِينَ مَرَّةً اللّهُ اَعظَمُ ثُمَّ اِیَّایَ فَاتَّقُون.**

**ثُمَّ الثَّامِنُ مِنْ بَعْدِ العَشْرِ، فَلْتَأْذَنُنَّ بِالْبَيْعِ وَ الشِّرِي كُلَّ عِبَادِي اِذا عَلِمُوا الرِّضَا بَيْنَهُمْ ثُمَّ الَّذِينَ يَتَّجِرُونَ مَا هُمْ بِالْأَجَلِ يُرِيدُونَ ثُمَّ الْحِينَ يَنْقُصُونَ.**

**ثُمَّ التَّاسِعُ مِنْ بَعْدِ العَشْرِ، مَا انْتُم تَحْسَبُونَ الْمِثْقَالَ تِسْعَةَ عَشْرَ حِمصٍ مِنَ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ وَ يَجْعَلَنَّ الْمَلِكُ بِهَاءَ الاَولِ عَشْرَةَ اَلْفِ دِينَارٍ ثُمَّ الثَّانِي مِنَ اَلفِ دينارٍ وَ اِنْ يُصَّغَرْ كُلُّ وَاحِدٍ فَلا يَخْرُجُ عَنْ حَدِّ الحِمصِ وَ اَنْتُمْ بِدُونِهِما لاَتَصْرِفُونَ فِي مُلْكِكُمْ وَ لَيسَ لِمَن يُصَغِّرُهُ مِن شَيءٍ وَ لا لِمَنْ لَايَبْلُغُ عِنْدَهُ مِقْدَارُ كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا خَمْسَ مِأَةٍ وَ اَرْبَعِينَ مِثقالاً وَ لَم يَتِمَّ حَولاً، فَضْلاً مِن لَدُنَّا لَعَلَّكُمْ تَشْكُرونَ ثُمَّ بَعْدَ ذَلِكَ اِنْ وَجَدْتُمْ مَلِكاً لَنْ يَتَجاوَزَ عن حَدِّ الْبَيَانِ اِليَّه لَتَبْلُغُونَ مِن كُلِّ مِثقالِ ذَهَبٍ خَمْسَ مِأَةِ دِينَارٍ وَ مِن كُلِّ مِثقالِ فِضَّةٍ خَمْسِينَ دِينَارٍ لَعَلَّ يَومَ ظُهُورِي يَنْصُرُ دِينَ رَبِّهِ وَ لَم يَضْطَرَّ اَنْ يَأْخُذَ قَدْرَ قِيرَاطٍ مِنْ دُونِ حَقٍ فَأِذا لَكَ ضِعْفَ الْخَرَاجِ لَوْ كُنْتَ مِنَ الْمُتَّقِينَ وَ لا يَسئَلُ النَّاسَ مِنْ كِتَابِهِ لِئَلاَّ تَحْزَنَ مِنْ نَفْسٍ اِلّا و اِنَّهُم يَعْلَمُونَ بِأَنَّهُم لا يُعْطَوْنَ لِأنَّهُم يُحْسِنُونَ اَنْفُسَهُمْ بَلْ قَدْ اَمَرْتُ اَنْ تُحِيطَ كُلَّ نَفْسٍ مِنْ حينِ ما تَتَوَلَّدُ اِلي اَنْ تَقْبِضَ ما تَمْلِكُ مِن كُلِّ شَيءٍ بَهائَه لَتَكُونُنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ ما قَدْ اَذِنْتُ لَمْ يَكُنْ اِلاّ حَقَّ مَن يُظْهِرُهُ اللَّهُ قَدْ اَذِنتُ لِعَبِيدِهِ لَعَلَّهُمْ يَسْتَحْيُونَ عَنْهُ وَ هُمْ عَلَيْهِ لَا يَحْكُمُونَ وَ لَايَحْزَنُونَ وَ اِلا ذَلِكَ مِنْ حَقِّي وَ حَقِّ اسْمائِي الَّتِي لَنْ يُري فِيها اِلّا اِيَّايَ اَنْ يا خَلْقِي عَلَي حُرُوفِ الاُوْلي تُصَلُّونَ.**

**الْوَاحِدُ السَّادِسُ**

**بِسْمِ اللَّهِ الاَمنَعِ الاَقْدِسِ**

**اِنَّني اَنَا اللَّهُ لاَ إِلَهَ اِلّا اَنَا الأَغْيَثُ الْأَغْيَثُ قَدْ نَزَّلْتُ الْبَيانَ وَ جَعَلْتُهُ حُجَّةً مِن لَدُنَّا عَلَي الْعَالَمِينَ، فِيهِ مَا لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفْوٌ ذَلِكَ آيَاتُ اللَّهِ قُلْ كُلٌ عَنْهَا يَعْجُزِونَ، فِيهِ مَا لَمْ يَكُنْ لَهُ عِدْلٌ ذَلِكَ مَا اَنْتُمْ بِهِ تُدْعَونَ، فِيهِ مَا لَمْ يَكُنْ لَهُ شِبْهٌ ذَلِكَ مَا كُنَّا فِيهِ لَمُفَسِّرِينَ ذَلِكَ الْأَلِفُ بَيْنَ الْبائِين اَنْتُم بِالْبَابِ تُدْرِكُونَ، فِيهِ مَا لَمْ يَكُنْ لَهُ قَرِينٌ ذَلِكَ جَوْهَرُ الْعِلْمِ وَ الْحِكْمَةِ اَنْتُمْ بِهِ تُجِيبُونَ، فِيهِ مَا لَمْ يَكُنْ لَهُ مِثْلٌ ذَلِكَ مَا يَنْطِقُ بِهِ الْفَارسِيُّونَ وَ اَنْتُمْ فِي الْوَاحِدِ لَتَنْظِمُونَ و لاَتَكْتُبُنَّ السُّوَرَ اِلّا وَ اَنْتُمْ فِي الْآيَاتِ عَلَي عَدَدِ الْمُسْتَغاثِ لاتَتَجاوَزُونَ وَ مِنْ اَوْلِ الْعَدَدِ اِذْنٌ لَكُمْ اَنْ يا عِبادِي لَتَدَقُّونَ وَ اَذِنْتُ اَن يَكونَ مَعَ كُلِّ نَفَسٍ اَلفُ بَيتٍ مِمَّا يَشاءُ لَیَتَلَذَّذَنَّ بِهِ حِينَ ما يَتلُو وَ كَانَ مِنَ الْمُحَرِّرِينَ قُلْ اِنَّما الْبَيْتُ ثَلاَثِينَ حَرْفاً اِنْ اَنْتُم تُعَرِّبُونَ لَتَحْسَبُونَ عَلَي عَدَدِ الْمِيمِ ثُمَّ عَلَي اَحسَنِ حُسْنٍ تَكْتُبُونَ وَ تَحْفَظُونَ ذَلِكَ وَاحِدٌ الْأَوَّلُ اَنْتُمْ بِاللَّهِ تَسْكُنُون.**

**ثُمَّ الثّانِیُ، اَنتُم فِي كُلِّ ارْضٍ بَيْتَ حَرٍّ تَبْنِيُونَ وَ لْتَلْطَفُنَّ كُلَّ اَرْضِكُمْ وَ كُلَّ شَيْءٍ عَلَي أَحْسَنِ ما اَنْتُم عَلَيْهِ مُقْتَدِرُونَ لِئَلاَّ يَشْهَدَ عَيْني عَلَي كَرهٍ اَنْ يا عِبادي فَاتَّقُونِ ذَلِكَ اَقْرَبُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ اِنْ اَنْتُمْ تَعْلَمُون.**

**ثُمَّ الثَّالِثُ، فَلاَ يَسْكُنُ فِي اَرْضِ الْخَمْسِ اِلاّ عِبَادِيَ الْمُتَّقِينَ.**

**ثُمَّ الرَّابِعُ، فَلتُسْلِمُنَّ لِلَّهِ وَ اَنتُم تَقُولُونَ اَللَّهُ اَكْبَرُ ثُمَّ تُجِيبُونَ اَللَّهُ اعْظَمُ ثُمَّ المَرْأَةُ اَللَّهُ اَبْهیُ وَ مَنْ يُجِيبُ اللَّهُ اَجْمَلُ ثُمَّ اِيَّايَ تَتَّقُونَ.**

**ثُمَّ الخامِسُ، اِنَّما الْمَاءُ طُهْرٌ طَاهِرٌ مُطَهِّرٌ ، فِي الْكَأْسِ حُكْمُ الْبَحْرِ تَشْهَدُونَ.**

**ثُمَّ السّادِسُ، فَلْتُمْحُونَّ كُلَّمَا كَتَبتُم وَ لْتَستَدِلُنَّ بِالْبَيَانِ وَ مَا اَنْتَم فِي ظِلِّهِ تُنْشِونَ.**

**ثُمَّ السَّابِعُ، لَتَقْتَرِنُنَّ الْبَاءَ بِالْأَلِفِ بِمَا قَدْ نَزَّلْناهُ فِي الْكِتَابِ ثُمَّ اِيَّايَ فَاتَّقُونِ قُلْ فِي الْمَدَائِنِ خَمْسُ وَ تِسْعِين مِثْقَالاً مِنَ الذَّهَبِ ثُمَّ فِي الْقُرْي مِثْلُ ذَلِكَ فِي الْفِضَّةِ اِلي اَنْ يَنْتَهِيَ الي تِسْعَةَ عَشَرَ مِثْقَالاً بِمَا يَنْزِلُ عَدَدُ الْوَاحِدِ اِذَا وُجِدَ الرِّضَا بَيْنَهُمَا ثُمَّ عَنِ الاِنْقِطاعِ تَنْقَطِعُونَ ثُمَّ بِالاِرْتِفَاعِ تَرْتَفِعُونَ وَ لْيَمْهَرُنَّ كُلَّ وَاحِدٍ منهُما ثُمَّ كُلٌ يَقُولونَ اِنَّا كُلٌّ لِلَّهِ راضِيونَ وَ لَقَدْ جَعَلَ اللَّهُ كُلَّ جَواهِرِ الْأَرْضِ مَهْرَ مَنْ خُلِقَتْ لِمَنْ نُظْهِرُهُ ذَلِكَ مِن فَضلِ اللَّهِ عَلَيْهِ لِيَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِين.**

**ثُمَّ الثَّامِنُ، لاَتَسْتَدِلُّنَّ اِلّا بِالْآيَاتِ فَإِنَّ مَنْ لَمْ يَسْتَدِلّ بِها فَلا عِلْمٌ لَهُ فَلا تَذْكُرُنَّ مُعجِزةً دونَها لَعَلَّكُمْ يَوْمَ ظُهُورِي فِي الْحِينِ لِتُؤْمِنُونَ و لَتَقرَئُنَّ ذلك وَ لْتَجْعَلُنَّهُ مَدَّ أَعيُنِكُم لَعَلَّكُم يَومَ ظُهورِي لاَتَحتَجِبُونَ.**

**ثُمَّ التَّاسِعُ، اَنْتُمْ لِبَاسَ الْحَرِيرِ لَيْلَةَ الْعَيْشِ تَلْبَسُونَ وَ اِنْ اسْتَطَعْتُمْ دُونَهُ لاتَلْبَسُونَ وَ اَنْتُمْ اَسْبابُكُمُ الَّتِي بِهَا فِي سِرِّكُمْ لَتَعِيشُونَ مِنَ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ تَصْنَعُونَ و اِذَا مَا وَجَدْتُم ذلِكَ فِي شَأْنٍ لاَتَحْزَنُونَ فَإنَّنِي اَنَا رَبُّكُمْ لَآتِيَنَّكُمْ فِي اُخِرَيكُمْ اِذا اَنتُمْ بِي و آياتِي تُؤْمِنُون.**

**ثُمَّ الْعَاشِرُ، فَلْتَجْعَلُنَّ في اَيديكُم عَقِيقَ اَحمَرّ اَنتُم عَلَيْهِ لَتُنْقِشُونَ لِتَشْهَدُنَّ بِذلِكَ عَلَي اَنَّ مَن نُظهِرُهُ حَقٌ لارَيْبَ فيهِ وَ كُلٌ بهِ ثُمَّ لَهُ يُخْلَقُونَ قُلِ اللَّهُ حَقٌ وَ اِنَّ ما دُونَ اللَّهِ خَلقٌ وَ كُلٌ لَهُ عابِدونَ.**

**ثُمَّ الْوَاحِدُ مِنْ بَعْدِ العَشْرِ، قُل اَنْ يا مُحَمَّدُ مُعَلِّمِي فَلاتَضْرِبْني قَبْلَ اَنْ يُقضِيَ عَلَيَّ خَمسُ سَنَةٍ وَ لَوْ بِطَرْفِ عَيْنٍ فَإِنَّ قَلْبِي رَقِيقٌ رَقِيقٌ وَ بَعْدَ ذَلِكَ اَدَّبْنِي و لَاتُخْرِجْنِي عَنْ حَدِّ وَقْرِي و اِذَا اَرَدْتَ ضَرْباً فَلَا تَتَجَاوَزْ عَنِ الْخَمْسِ وَ لَا تَضْرِبْ عَلَي اللَّحْمِ اِلّا وَ اَنْ تَحُلَّ بَينَهُما سِتْراً فَإِنْ تَعَدَّيتَ تُحْرَمُ عَلَيْك زَوْجُك تِسْعَةَ عَشَرَ يَوْماً وَ اِنْ تَنْسَي وَ اِنْ لَمْ يَكُن لَكَ مِنْ قَرِينٍ فَلْتُنفِقْ بِما ضَرَبْتَهُ تِسْعَةَ عَشَرَ مِثْقَالاً مِنْ ذَهَبٍ اِنْ اَرَدْتَ اَنْ تَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ لَاتَضْرِب اِلّا خَفِيفَاً خَفِيفَاً وَ لْتَسْتَقِرُّنَّ الصَّبَايَا عَلَي سَرِيرٍ اَوْ عَرْشٍ اَوْ كُرْسِيٍّ فَإِنَّ ذَلِكَ لَمْ يُحْسَبْ مِنْ عُمُرِهِمْ وَ لْتَأْذَنُنَّ لَهُمْ بِمَا هُمْ يَفْرَحُونَ وَ لْتَعْلَمَنَّنِي خَطَّ الشِّكَسْتَةِ فَاِنَّ ذلِك ما يُحِبُّهُ اللَّهُ وَ جَعَلَهُ بابَ نَفسِهِ لِلخُطُوطِ لَعَلَّكُم تَكتُبونَ عَلي شَأنٍ تَذْهَبَنَّ بِهِ قُلُوبُكُم مِن سُكْرِهِ وَ يَجْعَلَنَّكُم مَاءً لِمَنْ نُظْهِرُهُ اِذاً يَنْظُرُ اِلَيه اَعيِنُكُم يَجْذِبْكُمْ مِثْلَ مَا كُنَّا كاتبينَ وَ قَد اقْرَنتُكَ بِمَنْ يَرِثُ لِئَلاَّ يَحزَنَ عَرْشُ رَبِّكَ في صِغَرِهِ وَ كُلٌّ بِهِ لَايُحْزَنُونَ قُل لَو شَهِدْتُ لَأَقْطَعُ عَنْكَ مَا وَهَبْتُكَ مِنْ مِلْكِي اَنْ يَا عِبَادِي فَاتَّقُونِ.**

**ثُمَّ الثَّانِيُ مِنْ بَعْدِ العَشْرِ، فَلاَ تَقْرَبِ الطَّاءَ وَ الْقَافَ وَ اِنْ تَضْطَرَّنَّ فَتَصْبِرَنَّ حَوْلاً لَعَلَّكُمْ بِالْواحِدِ تُنْجِيونَ وَ اِلاّ اِذْنٌ لَهُما وَ اَذِنّا اِذَا اَرادا اَنْ يَرْجِعا تِسعَةَ عَشَرَ مَرَّةً بَعدَ اَنْ يَصبِرَ شَهْراً لَعَلَّكُمْ فِي ظِلِّ اَبْوَابِ دُونِ الْحَقِّ لاَتَدْخُلُونَ.**

**ثُمَّ الثَّالِثُ مِنْ بَعْدِ العَشْرِ، فَلاَ تَجْعَلُنَّ اَبوابَ بَيْتِ النُّقْطَةِ فَوْقَ خَمْسٍ وَ تِسْعِينَ بَاباً وَ لاَ اَبْوَابَ بُيُوتِ الْحُرُوفِ فَوْقَ خَمْسَةِ اَن يَا عِبَادي فِي ذَلِكَ كُلَّ الْعِلْمِ تَسْتَدِلُّونَ.**

**ثُمَّ الرَّابِعُ مِنْ بَعْدِ العَشْرِ، اَنْتم يَوْمُ اللَّهِ الْأَعْظَمُ عَدَدَ كُلِّ شَيْءٍ تَقُولُونَ شَهِدَ اللَّهُ اَنَّهُ لاَ إِلَهَ اِلاَّ هُوَ العَزِيزُ المحبوبُ وَ اِنْ تَكونُنَّ في رَوْحٍ اِلي ذِكْرِ الْقُدْرَةِ تَخْتِمُونَ ثُمَّ فِي لَيْلَةٍ فِي آلاَءِ اللَّهِ تِسْعَةَ عَشَرَ عِدَّةً بَيْنَ اَيْدِيكُمْ لَتُحْصُونَ، اِلي عَدَدِ الْمُسْتَغَاثِ اِذنٌ لِمَن يَقْدِرُ وَ لاَتَحْزَنُنَّ اِذَا اَنْتُمْ لاَتَسْتَطِيعُونَ فَاِنَّ عِنْدَ اللَّهِ عَلَي الْعَرْشِ كانَ واحِداً قُلْ اِيَّايَ فَاشْكُرُونِ قُلْ ذلِكَ يَومُ النُّقطةِ ثُمَّ عَدَدُ الْحَيِّ لِلْحَيِّ ثُمَّ شُهُورُ الْحَيِّ اَنتُمْ فِي بَحْرِ الخَلْقِ تَصْعَدُونَ.**

**ثُمَّ الْخَامِسُ مِنْ بَعْدِ العَشْرِ، فَلْتَقُومُنَّ اَنْتُمْ كُلُّكُمْ اَجْمَعُون اِذا تَسْمَعُنَّ ذِكْرَ مَنْ يُظْهِرُهُ اللَّهُ بِاسْمِ الْقَائِمِ فَلْتُرَاقِبُنَّ فَرْقَ الْقَائِمِ و القيُّومِ ثُمَّ فِي سَنَة التِّسْعِ كُلَّ خَيْرٍ تُدْرِكُون.**

**ثُمَّ السَّادِسُ مِنْ بَعْدِ العَشْرِ، فَلا تُسَافِرُنَّ اِلاّ لِلَّهِ وَ اَنْتُمْ تَسْتَطِيعُونَ اِلا عِنْدَ ظُهُورِ الحَقِّ فَاِنَّ عَلَيْكُم اَنْ تُسافِرُنَّ اِليْهِ فَاِنَّكُم قَد خُلِقتُم لِذَلِكَ لَوْ اَنْتمْ بِأَرْجُلِكُمْ لَتَمْشُونَ وَ لَيْسَ عَلَيْكُمْ فَرْضاً اِلاّ زِيَارَةَ الْبَيْتِ ثُمَّ مَقْعَدِ النُّقطَةِ اِذَا اسْتَطَعْتُمْ ثُمَّ مَقَاعِدَ الْحَيِّ وَ الْمَسَاجِدَ اِنْ تَسْتَطِيعُونَ وَ اِن اَرَدْتُم التِّجَارَةَ فَلَا تَطْوَلُنَّ فِي الْبَرِّ اِلاّ حَوْلَيْنِ وَ لا فِي الْبَحْرِ اِلّا خَمْسَ حَوْلٍ وَ اِنْ جاوَز اَحَدٌ فَلْيُؤْتَيَنَّ قَرِينَهُ اثْنَيْ وَ ماتَيْنِ مِثْقالاً مِنْ ذَهَبٍ اِنْ اسْتَطاعَ وَ اِلّا من فِضَّةٍ اِلّا وَ اَنْ تَرْفَعُنَّ قَرِينَكُم مَعَكُمْ لَعَلَّكُمْ فِي الْبَيَانِ نَفْساً لَاتَحْزَنُونَ وَ مَنْ يُجِبِرُ اَحَداً فِي سَفَرٍ وَ لَوْ كَانِ قَدَماً اَوْ يَدْخُلْ فِي بَيْتِ اَحَدٍ قَبْلَ اَنْ يُوْذِنَ اَوْ يُريدُ اَن يُخرِجَهُ مِن بَيتِهِ بِغَيرِ اِذِنِهِ اَو يَطلُبُهُ مِن بَيتِهِ بِغَيرِ حَقٍّ فَيَحرُمُ عَلَيهِ زَوجَتُهُ تِسعَةَ عَشَرَ شَهْراً اَوْ اِنْ يَتَجَاوَزْ مِنِ اَمْرالِلِّهِ فِي ذلِكَ مِن اَحَدٍ فَعَلَي شُهَدَاءِ البَيانِ اَنْ يَأْخُذَ عَنْهُ خَمْسَ وَ تِسْعِينَ مِثْقالاً مِنْ ذَهَبٍ وَ مَن اَرادَ اَن يَجبُرَ عَلَي اَحَدٍ فَعَلي مَنْ عَلِمَ وَ يَقدِرُ وَ لَوْ كانَ بَعْدَ سَنَةٍ فَرْضُ اَنْ يَحْضُرْ وَ يَمنَعَهُ وَ مَن لَم يَحْضُرْ بَعْدَ اَنْ يَقْدِرَ فَيَحْرُمْ عَلَيهِ زَوجَتُهُ تِسْعَةَ عَشَرَ يَوْماً وَ لاتَحِلُّ عَلَيْهِ اِلّا وَ يُنْفِقُ تِسْعَةَ عَشَرَ مِثْقَالاً مِن ذَهَبٍ اِنْ يَقْدِرْ وَ اِلّا مِنْ فِضَّةٍ ذَلِكَ اَنْ لاَ تُظْلَمُ نَفسٌ في الْبَيَانِ وَ مَن يَرفَعُ صَوْتَهُ بِغَيْرِ حَقٌ يَخْرُجُ عَنْ حَدِّ الإِنْسانِ اَنْ يَا عِبَادِي فَاتَّقُونِ.**

**ثُمَّ السَّابِعُ مِنْ بَعْدَ العَشْرِ، مَا يَخْرُجُ مِنَ الْحَيَوَانِ فَلا تُحْذَرُنَّ اِلّا وَ اَنْتُمْ تُحِبُّونَ اَنْ تَلْطَفُونَ.**

**ثُمَّ الثَّامِنُ مِنْ بَعْدِ العَشْرِ، حُرِّمَ عَلَيْكُمْ فِي دِينِكُمُ النَّظرُ بَعْضُكُمْ اِلي كِتابِ بَعضٍ اِلّا لِمَن اُذِنَ اَوْ عَلِمَ اَنَّهُ يَرْضَي لَعَلَّكُم تَسْتَحيُونَ ثُمَّ تَتَأَدَّبُون.**

**ثُمَّ التَّاسِعُ مِنْ بَعْدِ العَشْرِ، فُرِضَ عَلَيْكُم فِي دينِكُم اَن تُجِيبُونَ مَن يُكَلِّمُكُم بِقَولٍ يَدُلُّ عَلَي لا اَوْ بَلَي وَ مِثْلُ ذَلِكَ فِي كُتُبِكُمْ اِذَا يَكْتُبُ اَحَدٌ اِلَي اَحَدٍ كِتاباً فَرْضٌ عَلَيْهِ اَنْ يَكْتُبَنَّ جَوَابَهُ بِأَثَرِهِ اِذَا اسْتَطاعَ وَ اِلّا اَثَر ِغَيْرِهِ وَ مَن يَرُدَّ كِتاباً اَوْ يُضِيعَهُ اَوْ يَقْدِرُ اَنْ يُوصِلَ الي اَحَدٍ وَ لايُوصِلُ لَم يَكُنْ عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الْعابِدِينَ.**

**الْوَاحِدُ السَّابِعُ**

**بِسْمِ اللَّهِ الاَمنعِ الاَقْدَسِ**

**اِنَّني اَنَا اللَّهُ لاَ إِلَهَ اِلاّ اَنَا الْأَعْدَلُ الْأَعْدَلُ قُلْ وَ لْتُجَدِّدُنَّ الْبَيَانَ ُثمَّ كُلَّ كُتُبِكُمْ اِذَا قُضِيَ عَدَدَ اسْمُ اللَّهِ لِمَن يَقْدِرُ وَ عَدَدَ اسمُ الرَّاءِ و الْبَاءِ لِمَنْ لاَيَقْدِرُ لَعَلَّكُمْ شُئُونَ الآخِرَةِ تُدْرِكُونَ اِذَاً يَكُنْ الثَّانِي خَيْرٌ وَ اِلاّ الْأَوَّلُ خَيْرٌ لَهُ وَ اِنْ لَم تَجِدْ مِثْلَ خَطِّهِ فَلا تُغَيِّرْهُ وَ بَعْدَ ما غُيِّرَ ،الاصلُ تُنْفِقُونَ اَو في الْماءِ الْعَذْبِ تَسْتُرُونَ وَ لْتَطْرُزُنَّ كُتُبَكُمْ مِن اَولِ الأَبجَدِ اِلي ذِكْرِ الأبَدِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ذلِكَ وَاحِدُ الأَوَّل.**

**ثُمَّ اَنتُم فِي الثَّانِي، لِلَّهِ رَبِّكُمْ تَعْمَلُونَ كُلّما تَعْمَلونَ اِنْ تَعْمَلُنَّ لِمَن نُظْهِرُهُ بِالصِّدْقِ اَنتُم لِلَّهِ عامِلُونَ وَ اِلّا لَوْ تَعْمَلُنَّ كُلَّ خَيْرٍ اَنْتُمْ في النَّارِ وَ لَمْ يَكُنْ لِلَّهِ وَ لَو اَنْتُم لِلَّهِ تَقْصِدُون.**

**ثُمَّ الثَّالِثُ، دَينَكُمْ حِينَ مَا تَسْتَطِيعُونَ لَتَرُدُّونَ وَ اَنتُم فِي كُلِّ وَاحِدٍ كِتَابَ اثْبَاتٍ لِمَن نُظْهِرُهُ بَعْضُكُم اِلي بَعْضٍ تَكْتُبُونَ لَعَلَّكُمْ يَوْمَ ظُهُورِهِ بِمَا تَكْتُبُونَ لَتَعْمَلُونَ.**

**ثُمَّ الرَّابِعُ، اَنْتُمْ فِي كُلِّ حَوْلٍ شَهْراً بِاسْمِ اللَّهِ تَخْلُصُونَ لَعَلَّكُمْ يَوْمَ ظُهُورِ الحَقِّ اِيّاهُ تُجِيبُونَ وَ لَايَخْرُجْ عَنْ افْواهِكُم اِلَّا اسْمٌ واحِدٌ وَ اِنْ نَسيتُم وَ كَلَّمْتُم بِدُونِهِ لاجُنَاحَ عَلَيْكُمْ قُلْ كُلٌ لِلَّهِ وَ كُلٌّ عَلَی اللَّهِ يَدُلُّونَ.**

**ثُمَّ الْخَامِسُ، حِينَ ظُهُورِ اللَّهِ اِذا حَضَرَ مِنْ نَفْسٍ يَنْقَطِعُ عَنْهُ الْعَمَلُ اِلاّ بِما اُمِرَ اَنْ يَا عِبَادِي فَاتَّقُونِ فَإِنَّهُ لَوْ يَجعَلُ مَا عَلَي الْأَرْضِ نَبِيّاً لَيَكُونُنَّ أَنْبِيَاءً عِنْدَ اللَّهِ وَلَكِنْ لَنْ يَجْعَلَ اِلاّ مَنْ يَشَاءُ وَ اللَّهُ عَلاَّمٌ حَكِيمٌ.**

**ثُمَّ السَّادِسُ، فَلَا تَحْمُلُنَّ اسْبابَ الْحَرْبِ بَيْنَكُمْ و لَاتَلْبَسُنَّ مَا يَخَافُ بهِ الصَّبَايا لَعَلَّكُمْ مَن نُظْهِرُهُ بِالْحَقِّ لا تَحْزَنُونَ .**

**ثُمَّ السَّابِعُ، اِذا اَدْرَكْتُم ما نُظهِرُهُ اَنتُم مِنْ فَضْلِ اللَّهِ تَسْئَلُونَ لِيَمُنَّ عَلَيْكُمْ بِاسْتِوَائِهِ عَلَي سَرائِرِكُم فَإِنَّ ذلِكَ عِزِ مُمْتَنِعٌ مَنِيعٌ اِنْ يَشْرَبْ كَأْسَ مَاءٍ عِندَكُم أعظَمُ مِنَ اَن تُشْرِبُنَّ كُلَّ نَفْسٍ ماءَ وُجُودِهِ بَلْ كُلَّ شَيْءٍ اَنْ يا عِبادِي تُدْرِكُون.**

**ثُمَّ الثَّامِنُ، فِي كُلِّ شَهْرٍ وَاحِداً فِي وَاحِدٍ مِنْ ذِكْرِ اسْمِ رَبِّكُمْ، اللّهُ أعْظَمُ تُملِئُونَ عَلَي أَحْسَنِ خَطٍ وَ اِنْ قُضِيَ عَنْكُمْ يَقْضِي وُرَّاثُكُمْ لَعَلَّكُمْ يَوْمَ ظُهُورِ اللَّهِ بِالْوَاحِدِ الْأَوَّلِ تُؤْمِنُونَ ثُمَّ لِتُكَثِّرُونَ.**

**ثُمَّ التَّاسِعُ، مَنْ يَبْعَثُ فِي ذَلِكَ الدِّينِ مِنَ الْمَلِكِ يَبْنِي بَيْتاً لِلَّهِ عَلَي أَبْوَابِ خَمْسَةِ ثُمَّ تِسْعِينَ ثُمَّ فِي تِلْقَائِهِ عَلَي تِسْعِينَ لِمَنْ نُظْهِرُهُ لِيَشْهَدَنَّ الطِّينُ مِنْ عِنْدِهِ عَلِي اِنَّ المُلْكَ لِلَّهِ لِئَنْ يَشْهَدُ بِما يَعْمَلُ قَدْرَ مَا يَشْهَدُ الطِّينُ مِنْ عِنْدِهِ اَنْ يَا عِبَادِي فَاتَّقُونِ.**

**ثُمَّ الْعَاشِرُ، فَلْتَحْرُزُنَّ ذُرِّيَّاتِكُمْ بِهيكلِ عِزٍّ فِيهِ مِنِ اسْمِ اللَّهِ عَدَدَ الْمُسْتَغَاثِ لَعَلَّكُمْ يَوْمَ الْقِيمَةِ بِذَلِكَ الاِسْمِ لَتُنْجَونَ.**

**ثُمَّ الْوَاحِدُ مِنْ بَعْدِ العَشْرِ، اَنْتُم عَلَي الْكُرْسِيِّ تَدْرُسُونَ وَ تَخْطُبُونَ اَيامَ الْعِزِّ وَ الْحُزْنِ ثُمَّ اِيَّايَ فَاتَّقُونِ.**

**ثُمَّ الثَّانِي مِنْ بَعْدِ العَشْرِ، اِنْ عَمِلْتُمْ لِمَن نُظْهِرُهُ فَلاَ تُبْطِلُنَّ أعْمَالَكُم بِأَن تُشْرِكُنَّ بِاللَّهِ وَ اَنْتُم لا تَعْمَلُونَ.**

**ثُمَّ الثَّالِثُ مِنْ بَعْدِ العَشْرِ، اِنْ تَمْلِكُنَّ مِنْ نَفْسِ اللَّهِ تِسْعَةَ عَشَرَ آيَةً بِأَثَرِه خَيْرٌ لَكُمْ مِنْ كُلِّ فَضْلٍ اِنْ اَنتُم قَدْرَ آيَاتِ اللَّهِ تَعْلَمُونَ مَا خَلَقَ اللَّهُ شَيّاً أَعَزَّ مِنْ هَذَا اِنْ اَنتُم اِلي سِرِّ الْأَمْرِ تَنْظُرُونَ.**

**ثُمَّ الرَّابِعُ مِنْ بَعْدِ العَشْرِ، حُرِّمَ عَلَيْكُمْ فِي دينِكُمْ أَنْ تَتُوبُونَ عِنْدَ أَحَدٍ اِلّا عِنْدَ مَنْ نُظْهِرُهُ اَو مَا اَذِنَ وَلكِنَّكُم تَسْتَغْفِرُونَ اللَّهَ رَبَّكُم الْسُّلطانَ ثُمَّ اِليه لَتَتُوبُونَ.**

**ثُمَّ الخامِسُ مِنْ بَعْدِ العَشْرِ، اَنتُم عِنْدَ بَابِ مَدِينَةِ مَنْ يُظِهِرُهُ اللَّهُ تَسْجُدُونَ مِثْلَ ذَلِكَ ما قَدْ ظَهَرَ لَعَلَّكُمْ اِيَّايَ تَتَّقُونَ اِنْ لَمْ تَخَافُونَ.**

**ثُمَّ السّادِسُ مِنْ بَعْدِ العَشْرِ، نُزِّلَ عَلَي مَلِكِ يَوْمِ الظُّهُورِ اَنْ يَكْتُبَ ما يُنَزَّلُ مِن عِندِ النُّقطَةِ وَ يَعرَضُ عَلَي العُلَماءِ لِيَظْهَرَ عَجزُهُم عَلَي مَن عَلي الأَرضِ وَ لايَجعَلَ عَلَي أَرْضِهِ مَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِه وَ مِثْلُ ذَلِكَ قَبْلَ أَنْ يَظْهَرَ فَي البَيانِ اِلّا الَّذِينَ هُمْ يَتَّجِرُونَ فِي مُلْكِهِمْ قُلْ أَنْ يا عِبادي اِيَّايَ فَاتَّقُونِ.**

**ثُمَّ السَّابِعُ مِنْ بَعْدِ العَشْرِ، فَلْتَقُولُنَّ فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ في تِلْقَاءِ الشَّمْسِ تِلْكَ الْآيَةَ لَعَلَّكُمْ يَوْمَ الْقِيمَةِ بَيْنَ يَدَيْ شَمْسِ الْحَقِيقَةِ لَتَقُولُونَ اِنَّما الْبَهَاءُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ عَلَيْکِ يا ايَّتُها الشَّمْسُ الطَّالِعَةُ فَاشْهَدي عَلَي مَا قَدْ شَهِدَ اللَّهُ عَلَي نَفْسِه اَنَّه لاَ إِلَهَ الاَّ هُوَ الْعَزِيزُ الْمَحْبُوبُ.**

**ثُمَّ الثَّامِنُ مِنْ بَعْدِ العَشْرِ، مَن يَحبِسْ أَحَداً يَحرُمْ عَلَيهِ اَزْواجُهُ وَ اِن يَقْرُبْ كُتِبَ عَلَيْهِ تِسعَةَ عَشَرَ مِثْقَالاً مِنْ ذَهَبٍ فِي كُلِّ شَهرٍ وَ اِن يَنعَقِدْ مِن ماءٍ وَجَبَ عَلَي الشُّهَدَاءِ نَفيُهُ وَ لَمْ يُقْبَلْ عَنْه مِنْ اِيمانٍ اَنْ يا عِبَادي فَاتَّقونِ وَ مَنْ يَحْزَنْ نَفساً مُتَعَمِّداً بِشئٍ كُتِبَ عَلَيهِ تِسعَةَ عَشَرَ مِثْقالاً مِنْ ذَهَبٍ دِيتَةً اِنْ يَقْدَرْ وَ اِلاّ مِن فَضَّهٍ اِلّا اِذا اُذِنَ وَ مَن نَسِيَ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ رَبَّهُ تِسْعَةَ عَشرَ مَرّةً قُلْ اَنْ يَا عِبَادي فَاتَّقُونِ.**

**ثُمَّ التَّاسِعُ مِنْ بَعْدِ العَشْرِ، رُفِعَ عَنكُمُ الصَّلَوةُ كُلُّهُنَّ اِلاّ مِن زَوَالٍ اِلْيَ زَوَالٍ تِسْعَةَ عَشَرَ رَكْعَةً وَاحِداً وَاحِداً بِقيامٍ وَ قُنُوتٍ و قُعودٍ لَعَلَّكُمْ يَوْمَ الْقِيمَةِ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ تَقُومُونَ ثُمَّ تَسْجُدونَ ثُمَّ تَقْنُتُونَ وَ تَقْعُدُونَ وَ كَانَتْ فِي افئِدَتِكُمْ مِنْ حُرُوف الواحِدِ آيَةٌ لِلَّهِ رَبِّكُمْ لَعَلَّكُمْ بِذَلِكَ تُنْجَونَ ثُمَّ اِيَّايَ فَاتَّقُونِ وَ لِلَّهِ تَسْجُدُونَ.**

**الْوَاحِدُ الثَّامِنُ**

**بِسْمِ اللَّهِ الاَمنعِ الاَقْدَسِ**

**اِنَّنِي اَنَا اللَّهُ لاَ إِلَهَ اِلّا اَنَا الْأَظْهَرُ الْأَظْهَرُ أَنِ انْظُرْ فِي الكِتابِ مَا كُنَّا عَلَيهِ لَشاهِدَين اِنَّ كُلَّ عَمَلٍ ما نُظهِرَنَّه لَأَعْظَمُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ كُلِّ مَا أَنْتُمْ لَتُسَبِّحُونَ قُل اِنَّه كَمِثْلِ شَمْسِ لَنْ يَقْتَرِنَ بِالْكَواكِبِ اَنْ يا عِبادي اِيَّاهُ تَتَّقُونَ ذَلِكَ واحِدٌ الْأَوَّل.**

**ثُمَّ الثّانِی، قُلْ اِنَّكُمْ اَنْتُمْ اِذَا اسْتَطَعْتُمْ تِسْعَةَ عَشَرَ وَرَقاً مِنَ الْقِرْطَاسِ الْأَعْلي ثُمَّ عَدَدَ الْوَاحِدِ مِنَ الْعَقِيقِ فِي الْخَاتَمِ لِأَنْفُسِكُمْ اِذا اسْتَطَعْتُمْ لَتَعُدُّونَ، قُلْ لايُورَثُ عَنِ الْمَيِّتِ اِلّا اَبيهِ و اُمِّه وَ ذُرِّيَّاتِه وَ زَوجَتِه وَ أَخِيه وَ أُخْتِه وَ مَنْ عَلَمَّهُ بَعدَ ما يُصْرَفُ لِنَفْسِه مِنْ مَالِه ما يَعِزُّ بِه مِنْ بَعْدَ مَوْتِه وَ اَنتُم اِذَا سَمِعْتُمْ مَوْتَ نَفْسٍ لِلَّهِ تَحْضُرُونَ ثُمَّ عَنْ مَجَالِسِكُمْ لاَتَقُومُونَ.**

**ثُمَّ الثَّالِثُ، اَنتُم يَوْمَ الْقِيَمَةِ اِذا سَمِعْتُمْ حُكْمَ كُلِّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَ ذِكْرِ اسْمِ رَبِّكَ ذي السَّلْطَنَةِ وَ الاِقْتِدَارِ تَحْضُرُنَّ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ ثُمَّ بين اَيدِي الْحَيِّ ثُمَّ تَسْتَغْفِرُونَ اللَّهَ رَبَّكُمُ الرَّحْمَنَ ثُمَّ اِلي اللّه تَتُوبُونَ و اِنْ لَمْ تَسْتَطِيعُنَّ فَلْتُسْئَلُنَّ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ فِي كتُبِكُم وَ اِنْ تَرَوْنَ كَلِمَةَ عَفْوٍ مِنَ اللَّهِ خَيْرٌ مِن كُلِّ فَضلٍ اِنْ اَنتُم تَعْلَمُونَ..**

**ثُمَّ الرَّابِعُ، كُلُّ خَيْرٍ اَنتُم لَتُحْصُونَ أَعْلاهُ لِمَنْ نُظهِرُهُ ثُمَّ اَدْناهُ لِمَنْ يُؤْمِنُ بِهِ ثُمَّ أَوْسَطُهُ لِمَنْ يَدُلُّ عَلَي النُّقْطَةِ اَنتُم اِلي حُرُوفِ الْحَقِّ تَنْظُرُونَ.**

**ثُمَّ الخامِسُ، أَنْتُمْ اِذَا اسْتَطَعْتُمْ ثَلَاثَ اَلْمَاسٍ وَ أَرْبَعَ لَعْلٍ وَ سِتَّ زُمُرُّدٍ وَ سِتَّ يَاقوتٍ يَوْمَ الظُّهورِ اِلي حُرُوفِ الْواحِدِ بِالاَمْرِ تُوصِلُونَ وَ لْتَجْعَلُنَّ بَهاءَ كُلٍّ كَبْهاءِ وَاحِدِ الأوَّلِ لَعَلَّكُمْ بِاللَّهِ تُوقِنُون.**

**ثُمَّ السّادِسُ، أَنْتُمْ فَلْتَلْطُفُنَّ أَبْدَانَكُمْ فِي كُلِّ أَرْبَعَةِ يَوْمٍ عَنْ كُلِّ مَا أَنْتُمْ تَسْتَطِيعونَ لَتَلْطُفُونَ وَ لَتَنْظُرُنَّ في الْمِرْآتِ بِاللَّيْلِ وَ النَّهارِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ.**

**ثُمَّ السَّابِعُ، أَنْتُمْ فَلْتُصَلِّيُنَّ فِي الْعَبَاءِ وَ هُنَّ في لِبَاسِهِنَّ وَ لاَ جُنَاحَ عَلَيْهِنَّ فِي ظُهُورِ شَعَرَاتِهِنَّ وَ أَبْدَانِهِنَّ عِندَ اَزواجِهِنَّ حِينَ مَا يُصَلِّينَ وَ أَنتُم تَأخُذُنَّ شَعْرَ وُجُوهِكُم لِیَقْوَي وَ تَجَمَّلُنَّ بِما تُحِبُّنَّ فِي اَبْدَانِكُمْ لَعَلَّكُمْ فِي اَيَّامِ اللَّهِ تَشْكُرُونَ قُلْ اِنَّمَا الْقِبْلَةُ مَنْ نُظْهِرُهُ مَتي يَنْقَلِبْ تَنْقَلِبْ اِلي اَنْ يَسْتَقِرَّ ثُمَّ مِن قَبْلُ مِثلِ مِنْ بَعْدُ تَعْلَمُونَ قُلْ اَينَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ اَنتُم اِلي اللَّهِ تَنْظُرُونَ.**

**ثُمَّ الثَّامِنُ، مَن يُدْرِكُ يَومَ القِيمَةِ فَلْيَكتُبْ مَا يَكْسِبُ مِن خَيْرٍ وَ دُونِهِ لَعَلَّكُمْ اِلي قِيَمَةِ الاُخريَ تَعْلَمُونَ.**

**ثُمَّ التَّاسِعُ، مَنْ رُبِّيَ في طائِفَةٍ حَلَّ لَهُ النَّظَرُ وَ الكَلامُ بَعْضُهُنَّ اِلي بَعْضٍ وَ بَعْضُهُمْ اِلي بَعْضِهِنَّ اَن يَا عِبَادِي فَاتَّقُونِ ثُمَّ لَتَتَّقُونَ وَ اِنَّ دونَ ذَلِكَ عَلي مَا يُثْمِرُ بَيْنَهُمَا قُلْ فَوْقَ ثَمَانِيَةٍ وَ عِشْرِين كَلِمَةً تَتَّقُونَ اِلّا وَ انْتُمْ لَاتَسْتَغْنُونَ.**

**ثُمَّ الْعَاشِرُ، اَنْتُمْ بِالْخِلاَلِ وَ السِّوَاكِ بَعْدَ مَا تَفْرُغُونَ مِنْ رِزْقِكُم اَفْوَاهَكُمْ تُلَطِّفُونَ ثُمَّ لَتَرْقُدُونَ ثُمَّ وُجُوهَكُمْ وَ اَيدِيَكُم مِنْ حَدِّ الْكَفِّ تَغْسِلُونَ اِنْ تُريدُونَ اَنْ تُصَلُّونَ ثُمَّ بِمِنْدِيلٍ تُلَطِّفُنَّ وُجُوهَكُمْ وَ اَيْدِيَكُمْ وَ اِنَّ في بَيتِ الطُّهْرِ تَحْفَظُنَّ ما يَشَمُّ كُلُّ رِيحٍ بِمِنْديلٍ لَعَلَّكُمْ دُونَ مَا تُحِبُّونَ لاَتَشْهَدُونَ وَ لَتُوَضَّئُنَّ علی هَيْكَلِ الواحِدِ بِمَاءٍ طَيِّبٍ مِثْلَ وَرْدٍ لَعَلَّكُمْ بَيْنَ يَدَي يَوْمَ القِيَمَةِ بِمَاءِ الْوَرْدِ وَ العِطرِ تَدْخُلُونَ وَ اَنَّ رِيحَكُمْ لَنْ يُغَيِّرَ عَمَلَكُم و اَنتُم اِن تَقْرَئُنَّ البِسْمَلَةَ خَمْسَةَ مَرَّةٍ لَيَكْفِيَكُمْ عَن وُضُوئِكُم اِذَا اَنْتُمُ الْمَاءَ لاتَجِدُونَ أَو يَصْعَبُ بِأَمرٍ عَلَيكُم لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ قُلْ فِي كُلِّ ظُهُورٍ يُبَدَّلُ كَينُونِياتُ النَّارِ بِالنُّورِ وَ كَيْفَ وَ اَعْمالكُمْ مِنْ عِنْدِكُمْ اَنتُم اِلي نُقطَةِ الأَمْرِ تَنْظُرُونَ وَ قَدْ عُفِيَ عَنْكُمْ مَا تَشْهَدُونَ فِي الرُّؤْيَا اَو اَنتُم بِأَنْفُسِكُمْ عَنِ اَنْفُسِكُم تَسْتَمْنِيُونَ وَ لَكِنَّكُمْ تَعْرِفُنَّ قَدْرَ ذَلِكَ الْمَاءِ فَإِنَّهُ يَكُنْ سَبَبُ خَلْقِ نَفْسٍ يَعْبُدُ اللَّهَ اَنتُم فِي مَكْمَنِ عِزٍ لَتَحْفَظُونَ لَعَلَّكُمْ مِنْ ثَمَراتِ اَنْفُسِكُمْ دِينَ اللَّهِ تَنْصُرُونَ وَ اَنتُم اِذا وَجَدْتُمْ ذَلِكَ الْمَاءَ بِاخْتِيَارِكُم تَوَضَّئُونَ ثُمَّ لَتَسجُدُونَ وَ لَتَقُولُنَّ تِسعَةَ عَشَرَ مَرَّةً سُبْحانَكَ اللّهُمَّ اَنَ لَا إِلَهَ اِلّا اَنْتَ سُبْحانَكَ اِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ وَ اِنْ تَغِيبُنَّ في الْماءِ يُقْضَيَ عَنْكُمْ ذَلِكَ بَعْدَ اِنْ تَوَضَّئْتُمْ وَ مِثْلُ ذَلِكَ اِنْ تَغْسِلُنَّ رَأْسَكُمْ وَ بَطْنَكُمْ وَ اَيْدِيَكُمْ وَ اَرْجُلَكُمْ وَ اَنْتُمْ فِي حِينِ الْعَمَلِ تَحْمَدُونَ وَ اِنَّما النِّساءُ حِينَ مَا يَجِدْنَ الدَّمَ لَيْسَ عَلَيْهِنَّ صَلَوةٌ وَ لَاَ صَوْمٌ اِلّا وَ اَنْ يَتَوَضَّأْنَ ثُمَّ يُسَبِّحْنَ خَمْسَ وَ تِسْعِينَ مَرَّةً مِنْ زَوَالِ الي زَوال يَقُولُنَّ سُبْحَانَ اللَّهِ ذِي الطَّلْعَةِ وَ الْجَمَالِ وَ اَنْتُم وَ هُنَّ فِي الْأَسْفَارِ بَعْدَ مَا تَنْزِلُنَّ وَ تَستَرِحُنَّ مَكَانَ كُلِّ صَلَوةٍ تَسْجُدُنَّ مَرَّةً وَاحِدَةً ثُمَّ فِيها لَتُسَبِّحُونَ ثُمَّ تَقْعُدُنَّ عَلَي هَيكلِ التَّوحيدِ وَ ثَمَانِيَةِ عَشَرَ مَرَّةً تُسَبِّحُونَ اللّهَ ثُمَّ تَقُومُونَ كُلُّ ذَلِكَ لَعَلَّكُمْ فِي دِينِ اللَّهِ تَشْكُرونَ.**

**ثُمَّ الحادِی مِنْ بَعْدِ العَشْرِ، اَنتُم تُغَسِّلُنَّ امَوَاتِكُم اِذا اسْتَطَعتُم خَمْسَ مَرَّةٍ بِمَاءٍ طُهُرٍ ثُمَّ فِي خَمْسِ حَرِيرٍ اَوْ قُطْنٍ تُكَفَّنُونَ بَعْدَ مَا تَجْعَلُنَّ الْخَاتَمَ فِي يَدِهِ مَوْهِبَةً مِنَ اللَّهِ لِلاَحْياءِ وَ هُمْ، لَعَلَّكُمْ بِمَنْ نُظْهِرُهُ يَوْمَ الْقِيمَةِ تُؤْمِنُونَ وَ اِنَّ في مُنْتَهِي الْحَرِّ بِماءٍ تُحِبُّونَ لِأَنْفُسِكُمْ اَمْواتَكُمْ بِهِ تَغْسِلُونَ بِأَيْدِي اَتْقِيائِكُمْ فِي الْبَرْدِ بِماءِ الْحَرِّ وَ بِمَا بَيْنَهُمَا بِما تُحِبُّونَ لِأَنفُسِكُم اَنتُم ماءَ وَرْدٍ اَو شِبهَهُ كُلَّ بَدَنِ المَيِّتِ اِنْ تَستَطِيعُنَّ لَتُوصِلُونَ ثُمَّ بِمُنْتَهي السُّكُونِ و الحُبِّ تَنْقَلِبُونَهُ ثُمَّ فِي كُلِّ تِسْعَةَ عَشَرَ يَوْماً اَنْتُم اَمواتَكُم لِتَزُورُونَ اَوْ اَقْرَبَ مِنْ ذَلِكَ في كُلِّ يَوْمٍ اِذا خَفَّ عَلَيْكُمْ و اَنْتُم اِذَا اِسْتَطَعْتُمْ تِسْعَةَ عَشَرَ يَوْماً وَ لَيْلَةً عَن قُرْبِهِ اَحَداً لاَتَبْعُدُونَ لِيَتْلُوَ آيَاتِ اللَّهِ وَ اَنْتُم الْمِصْبَاحَ عِنْدَهُ تُوقِدُونَ.**

**ثُمَّ الثَّانِي مِنْ بَعْدِ العَشْرِ، قَدْ شَهِدْتُ حِينَ الضَّرْبِ كُلَّ الحُزنِ فَلا تَحْزَنْ فَإنَّ هُنالِكَ كُلُّ شَيْءٍ يُسَبِّحُنِي بِكَ وَ مَنِ اكْتَسَبُوا لَوْ عَلِمُوا لَكَ وَ عَلَيْکَ مَا اكْتَسَبُوا وَ سَيَرْجِعُونَ ثُمَّ يَسْتَغْفِرُونَ قُلْ مَنْ يَكُنْ عَلَي تِلْكَ الْأَرْضِ اِلي ما في حَوْلِها سِتَّةَ وَ سِتِّينَ فَرسَخاً اِنْ قَضي مِن عُمْرِهِ تِسعَةَ وَ عِشْرِينَ عَلَيْهِم اَنْ يَحْضُرُوا مَحَلَّ الضَّرْبِ فِي كُلِّ سَنَةٍ مَرَّةً ثُمَّ تِسْعَةَ عَشَرَ يَوْماً هُنَالِكَ لَيَخْلُصُونَ وَ عَلَي مَحَلِّ الضَّرْبِ رَكعَةَ صَلوةٍ لَيُصَلُّونَ وَ مَنْ لَم يَسْتَطِعْ في بَيتِهِ تِسْعَةَ عَشَرَ يَوْماً يُخْلَصْ لِلَّهِ رَبِّهِ وَ مَنْ لَمْ يَكُنْ في ذلِك الْحَدِّ يُعْفَي عَنهُ بِفَضْلي وَ اِنْ اَحْكَمْ عَلَي مَنْ عَلِي الأَرْضِ مَنْ يَقْدِرُ اَنْ يَرُدَّ اَنْ يا عِبادِي تَتَّقُونَ.**

**ثُمَّ الثَّالِثُ مِنْ بَعْدِ العَشْرِ، أَنْتُمْ عَلَي النُّقْطَةِ فِي أُولَيهَا وَ اُخْرَيهَا خَمْسَ وَ تِسْعِينَ مرّةً في صَلاتِها لَتُعَظِّمُونَ وَ لَتُصَلِّيُنَّ كُلُّكُم مَرَّةً وَاحِدَةً وَ لَكِنَّكُمْ فُرَادَي تَقْصِدُونَ.**

**ثُمَّ الرَّابِعُ مِنْ بَعْدِ العَشْرِ، أَنْتُمْ أَنْ تَعْلَمُنَّ الْبَيانَ فَمِنْ آيَاتِهِ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ مَا تُحِبُّونَ لِتَقْرَئُونَ وَ إِلَّا فَلْتَذْكُرُنَّ اللَّهَ سَبْعَمِأَةِ مَرَّةً إِنْ أَنْتُمْ فِي رَوْحِ وَ إِلَّا مَا أَنْتُمْ تَتَرَوَّحُونَ.**

**ثُمَّ الخامِسُ مِنْ بَعْدِ العَشْرِ، فُرِضَ عَلَي كُلِّ نَفسٍ أَن يَستَبقِيَ مِن نَفسِهِ مِن نَفْسٍ فَلْتَقْتَرِنُنَّ بَيْنَهما بَعْدَ مَا قَضَي إِحْدَي عَشَرَ سَنَةً وَ مَنْ يَقْدِرْ وَ لاَ يَقْتَرِنْ يَحْبَطُ عَمَلُهُ وَ ِإِنْ يَمْنَعْ أَحَدُهُمَا الآخَرَ عَنِ الثَّمَرَةِ يَخْتارُنَّ اِلَي اَنْ يُظْهِرَ وَ لا يَحِلُّ اِلاِقْتِرانُ اِنْ لَمْ يَكُنْ فِي البَيانِ و إِنْ يَدْخُلْ مِنْ احِدٍ يَحرَمْ عَلَي الآخَرِ ما يَمْلِكُ مِن عِندِهِ إِلَّا وَ اَنْ يَرجِعَ ذلِكَ بَعْدَ اَنْ يُرْفَعَ اَمْرُ مَنْ نُظْهِرُهُ بِالْحَقِّ اَوْ ما قَد ظَهَرَ بِالْعَدْلِ وَ قَبْلَ ذَلِكَ فَلْتَقْرَبُنَّ لَعَلَّكُمْ بِذَلِكَ أَمْرَ اللَّهِ تَرفَعُونَ**

**ثُمَّ السّادِسُ مِنْ بَعْدِ العَشْرِ، إِنَّ هَذَا مِنْ عَدْلِ اللَّهِ مِنْ كُلِّ بَهَاءِ مِأَةُ مِثْقَالٍ مِنْ ذَهَبٍ مِنْ كُلِّ شیءٍ بَهاءُ عِشْرِينَ مِثْقَالاً لِلَّهِ اِذا قُضِيَ عَلَيهِ حَولٌ وَ لَمْ يَنقُصْ عَن اصِلِهِ تُبَلِّغَنَّهُ اِلي مَن نُظْهِرُهُ لِيُؤتِيَنَّ كُلَّ وَاحِدٍ مِنْ حُرُوفِ الاَوَلِ مِثْقَالاً اِلَّا الْوَاحِدِ الاَوّلِ فَإِنَّ لَهُ مِثْقَالَيْنِ وَ اِنَّ قَبْلَ مَا يَظْهَرُ فِي مَنْ ظَهَرَ فِي حَيوتِهِمْ وَ اِنَّ بَعْدَ عُرُوجِهِمْ يَرْجِعُ اِلي ذُرِّيَّاتِهِمْ اِنْ تَكُن لَهُمْ وَ اِلَّا ما يُقَدَّرُ مِنْ عِنْدِاللَّهِ كُلٌ يَعْمَلُونَ ذلِك اِنْ يَمْلِكْ مِنْ نَفْسِهِ وَ زَادَ عَلَي رِزقِهِ وَ اِنْ يَحْسِبْ بَعدَ المَوتِ كُلَّ ما مَلَكَ ثُمَّ يَأمُرُ بِهِ بِما يَعدِلُ كُلُّ حَوْلٍ يُقْبَلُ عَنْهُ اِلَّا حِينَ الظُّهُورِ فَإِنَّكُمْ اَنتُمْ لاَتَمْهَلُونَ.**

**ثُمَّ السَّابِعُ مِنْ بَعْدِ العَشْرِ، اِذا بَلَغَ بَهاءُ مِثقالِ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ عِنْدَ كُلِّ نَفسٍ عَدَدَ الحُرُوفِ ثُمَّ الْهائِينَ نُزِّلَ فِيهِ سُدُسُ لِلَّهِ وَ قَدْ عُفِيَ عَمَّنْ يَمْلِكُ اِلَّا عَدَدَ لِلّهِ لِيُؤْتِيَنَّ الْفُقَرَاءَ مِنْ رَبِّهِمْ وَ مَن يَضطَرَّ في امْرِهِ وَ مَن يَسْتَقْرِضْ او يُضْمَنْ او يُمْنَعْ عَن كَسْبِهِ او يَحْتاجُ في السَّبِيلِ وَ هُمْ اَنْفُسُهُمْ بِأَنْفُسِهِمْ يُحْسِنُونَ قُلْ اِنَّما الاَقْرَبُ ذُرِّيَّاتُهُم وَ ما وَجَبَ عَلَيْهِ اَمْرُهُمْ ثُمَّ اُولِي قَرابَتِهِمْ اَنْ يا اُولِي الغَناءِ اَنْتُمْ وُكَلاءٌ مِنْ عِنْدِاللَّهِ فَلْتَنْظُرُنَّ فِي مُلْكِ اللَّهِ ثُمَّ الْمَسَاكِينَ مِنْ رَبِّهِمْ لَتُغْنُونَ وَ لا يَحِلُّ السُّؤَالُ فِي الاَسْوَاقِ وَ مَنْ سُئِلَ حُرِّمَ عَلَيْهِ الْعَطَاءُ وَ اِنَّ عَلي كُلٍّ اَنْ يَكْسِبَ بِأَمْرٍ و مَنْ لايَقْدِرْ أَنْتُمْ يا مَظَاهِرَ الْغَنَاءِ مِنِّي اِليْهِم لَتُبَلِّغُونَ وَ قَدْ فُرِضَ عَلَيْكُمُ الْعِلْمُ بِما فِي دِينِكُمْ لِئَلاَّ تَضْطَرَّ نَفسٌ بَشِئ اَنْ يَا عِبَادِي فَاتَّقُونِ وَ اِنَّ مِن ذلِكَ عَدَدُ لِلَّه مِنْ كِلتَيهِما لِلَّهِ اِذَا يَكْمُلُ فِي كُلِّ حَوْلٍ وَ فَوْقَ ذَلِكَ اِذَا يَعْدِلُ ذَلِكَ تَأْخُذُهُ النُّقْطَةُ فِي اُولَيهَا وَ اُخْرَيهَا وَ اَنْتُمْ مَا بَيْنَهُمَا اِلَي تِسْعَةَ عَشَرَ مَنْ اُولِي طاعَتَهِما اِذَا اَمَرَ لِتُبَلِّغُونَ كُلَّ وَاحِدٍ عَدَدَ الْهاءِ بِمَا يُقَدَّرُ مِنْ عِنْدِهِ لِأُولِي قَرَابَتِهِ وَ عَلَيْهِمْ مِنْ انْفُسِهِمْ لِاَنْفُسِهِمْ اِنْ هُمْ كَانُوا مُؤْقِنِينَ.**

**ثُمَّ الثَّامِنُ مِنْ بَعْدِ العَشْرِ، اَنْتُم في كُلِّ حَوْلٍ شَهرَ العلاء لِلَّهِ تَصُومُونَ وَ قَبْلَ اَن يَكْمُلَ الْمَرْءُ وَ المَرئَةُ اَحَدَ عَشَرَ سَنَةً مِنْ حِينِ مَا تَنْعَقَدُ نُطْفَتُهُ اِنْ يُرِيدُونَ اَنَّ حِينَ الزَّوَالِ لَيَصُومُونَ وَ بَعْدَ ما يَبْلُغُ اِلي اِثْنَيْ وَ ارْبَعِينَ سَنَةً يُعْفِي عَنْهُ وَ مَا بَيْنَهُمَا مِنَ الطُّلُوعِ اِلِي الْغُرُوبِ لَتَصُومُونَ لَعَلَّكُمْ يَوْمَ الظُّهُورِ فِي اَبْوابِ النَّارِ لَاتَدْخُلُونَ وَ اَنْتُمْ اِنْ تَسْتَطِيعُنَّ مِنْ قَبْلِ الطُّلُوعِ وَ بَعْدَ الْغُرُوبِ لَتُضَيِّفُونَ وَ اَنَّ فِيهِ تُؤْمِنُونَ بِمَن نُظْهِرُهُ وَ اَنْتُمْ عَلَيْهِ لاَتَحْكُمُونَ وَ لَاتَأْكُلُونَ وَ لاَتَشْرَبُونَ وَ لاَ تَقْتَرِنُونَ ثُمَّ بِآيَاتِ اللَّهِ تَتَلَذَّذُونَ وَ لَاتُغَيِّرُنَّ افْوَاهَكُمْ حِينَ مَا تَقْرَئُونَ.**

**ثُمَّ التَّاسِعُ مِنْ بَعْدِ العَشْرِ، أَنْتُمْ اِذا تَسْمَعُنَّ ذِكْرَ النُقطةِ لَتُصَلُّونَ عَلَيْهِ ثُمَّ عَلي حُرُوفِ الْحَيِّ لَعَلَّكُمْ يَومَ الظُّهُورِ بِهِمْ تَهْتَدُونَ وَ اِذا يُعَدَّدُ الذِّكْرُ يَكْفِيكم مَرَّةً وَاحِدَةً وَ اَنتُم لَيْلَةُ الجُمُعَةِ ثُمَّ يَوْمُها تَقُولُونَ سُبْحانَكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي ذاتِ حُروفِ السَّبْعِ ثُمَّ حُروفِ الحَقِّ بِالعِزَّةِ وَ الْجَلاَلِ ذَلِكَ لَعَلَّكُمْ يَوْمَ القيمَةِ بِما تَقُولونَ لَتُوقِنُونَ لاَ مِثْلُ يَوْمَئِذٍ تُصَلُّونَ عَلَي مُحَمَّدٍ ثُمَّ حُرُوفِ الْحَيِّ وَ اَنتُمْ عَنْ ظُهُورِهِمْ فِي اُخِرَيهُمْ مُحْتَجِبُونَ لَولا تُصَلُّونَ عَلَيْهِمْ وَ لاَتَحْزنُوهُمْ لَيَرْضَوْنَ عَنْكُمْ ولَكِنَّكُمْ لاَتَسْتَحْيُونَ وَ تَكْسِبُونَ مَا تَكْسِبُونَ وَ مَنْ يُصَلِّ عَلَي مَنْ نُظْهِرُهُ يُصَلِّي اللَّهُ عَلَيْهِ اَلْفَ مَرَّةٍ وَ مِثْلُ ذَلِكَ اِنْ اَنتُم عَلَي حُرُوفِ الْحَيِّ لَتُصَلُّونَ.**

**الوَاحِدُ التَّاسِع**

**بِسْمِ اللَّهِ الاَمْنَعِ الاَقْدَسِ**

**اِنَّنِي اَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ اِلاّ اَنَا الاَسْلَطُ الاَسْلَطُ وَ اِنَّ لِي مُلْكُ السَّمَواتِ وَ الاَرْضِ وَ ما بَيْنَهُما وَ ما كانَ لِي يَرْجِعُ اِلَيْكَ في اُخْرَيكَ وَ اُولَيكَ قُلْ عِزُّ كُلِّ اِرْضٍ لِمَنْ نُظْهِرُهُ اَنْتُمْ يَوْمَ ظُهُورِهِ اِلَيهِ لَتَرُدُّوَنَ وَ لَوْ كانَ بَيْتُ اَنْفُسكِمْ فَإِنَّكُمْ اِنْ صَبَرْتُمْ يَجْعَلْ لَكُمْ ناراً اَنْ يا عِبادِي فَاتَّقُونِ وَ اِنَّ بُيُوتَ الْمُلُوكِ لَهُ وَ اِنْ يُصَلِّي اَحَدٌ فِيها فَعَلَيْهِ اَنْ يُصَدِّقَ اِلِيَ الْمَساكِينِ مِثْقالَ فِضَّةٍ اِلَّا وَ اَنْتُمْ مِنْ شُهَدَاءِ الْبَيَانِ فِي غُرُوبِ الشَّمْسِ تَأذَنُون يَسْكُنُ فِيهَا مَنْ يُؤَذِّنُ حِينَئِذٍ اَوْ يَوْمَئِذٍ قُلِ اَنْتُمْ في مَجَالِسِ الْعِزِّ مَكَانَ تِسعةَ عَشرَ نَفْسٍ تَخُلُّونَ لَعَلَّكُمْ يَوْمَ الظُّهُورِ عَلَيْهِمْ لاَ تُقَدِّمُونَ ذلك اِذا وَسَعٌ وَ اِلَّا وَاحِداً يَكْفِيكُمْ لَعَلَّكُمْ بِذَلِكَ يَوْمَ الظُّهُورِ لَتُنجُونَ، لا مِثْلَ يَوْمَئِذٍ تَقُومُونَ عِنْدَ ذِكْرِي وَ اَنْتُمْ عَلَيَّ تَحْكُمُونَ وَ لاَ تَسْتَحْيُونَ ذلِكَ واحدُ الاولِ.**

**ثُمَّ اَنْتُم فِی الثّانِی، اَنْ يا اُولِي الطِّبِّ اِتَّقُوا اللَّهَ ثُمَّ اَنْتُم بِالْآلاَءِ وَ النَّعْمَاءِ الَّتِي خُلِقَتْ لِلَّهِ تُداوُنَ وَ اَنْتُم الْمَرْضِيَّ اَنْ يا عبادي لَتَزُورُونَ وَ اِنْ يَكُنْ عِندَ احَدٍ خَطٌ لَمْ يَكُنْ لَهُ عِدْلٌ فَلْيَكْتُبْ اَلفَ بَيْتٍ وَلْيُوصِيَنَّ بِهِ فَإِنَّا كُنَّا اِليْهِ لِنَاظِرِينَ.**

**ثُمَّ الثَّالِثُ، لِلَّهِ مِنْ كُلِّ مَلِكٍ بيتُ مرآتٍ لِنَفسِهِ يَكتُبُ بَيْنَ يَدَيهِ ما يَدُلُّ عَلَي لَوْ تَظْهَرُ آيَةُ رَبِّهِ وَ لَمْ يَنْصُرَنَّهُ لَيَنتَقِمُ اللَّهُ عَنهُ بِكُلِّ مَا يُمْكِنُ مِنْ عِندِهِ وَ اِنْ يَنْصُرَنَّهُ لَيُوصِلَنَّ اللَّهُ اِليْهِ كُلَّ خَيْرٍ قُل اِنَّكَ خُلِقْتَ لِذلِكَ وَ لاَبُدَّ اَنْ تَمَّتْ فَاَبْقِ ذِكْرَكَ اِلَي يَوْمَ الْقِيمَةِ بَيْنَ الْعَالَمِينَ.**

**ثُمَّ الرَّابِعُ، اَنْتُمْ فِي حِينِ رَوحِكُمْ فِي سِرِّكُم بِذِكْرِ اللَّهِ تَتَلَذَّذُونَ وَلكِنَّكُم اِن تَتَلَذَّذونَ بِما يَنْطِقُ مَن نُظْهِرُهُ لَاَعْظَمَ عِنْدَ اللَّهِ اِذْ مَا انْتُمْ بِهِ تَتَلَذَّذُونَ قَدْ عَلَتْ فِي اَفْئِدَتِكُمْ بِآياتِهِ مِنْ قَبْلِ ظُهُورِهِ بِلِسانِي قُلْ اَنْ يا كُلَّ شَيْءٍ فِيهِ تَتَّقُونَ.**

**ثُمَّ الخامِسُ، كُتِبَ عَلِي كُلِّ نَفْسٍ اَنْ تَخْدُمَ النُّقْطَةَ تِسْعَةَ عَشَرَ يَوْماً فِي ظُهُورِهَا وَ يُرْفَعُ عَنْكُمْ اِذَا عَفي قُلْ ذلِكَ خَيرُ الاَعمالِ اِنْ اَنتُم تَستَطِيعُونَ اَن تُدرِكُونَ.**

**ثُمَّ السّادِسُ،اَنْتُمْ قُدَّامَ طَائِفَةٍ تَظْهَرُ فِيهَا النُّقْطَةُ لَاتُقَدِّمُونَ اِنْ هُمْ كَانُوا مُؤْمِنِينَ قُلِ اُولَئِكَ خَيْرُ مَنْ عَلَي الاَرْضِ وَ لَوْ عَلِمَ اللَّهُ خَيْراً مِنْهُمْ فِي الايمانِ لِيُظْهِرَهُ مِنْهُمْ اَنْتُمْ اِلي اَبِيهْ وَ اُمِّه وَ مَا كَانَ مَعَهُ وَ مَنْ آمَنَ بِهِ مِنْ اُولي قَرَابَتِهِ مِنْ اللَّهِ تُسَلِّمُونَ اِنْ اَنْتُمْ تُحْسِنُنَّ بِكُلِّ نَفْسٍ لَعَلَّكُمْ تُدْرِكُونَ هذا قَبْلَ اَنْ يَظْهَرَ وَ بَعْدَ ذَلِكَ اَنْتُمْ سَتُدْرِكُونَ وَ تَعْلَمُونَ، عَلَيْکَ اَنْ يَا بهاءَاللَّهِ ثُمَّ اُولِي قَرَابَتِكَ ذِكْرُ اللَّهِ وَ ثَناءُ كُلِّ شَيءٍ في كُلِّ حِينٍ وَ قَبلَ حِينٍ وَ بَعدَ حِينٍ.**

**ثُمَّ السَّابِعُ، اَنتُمْ عَمَّنْ لَم يَكُن لي تَحْذَرُونَ ولا تَبِيعُنَّ وَلَا تَشْتَرُنَّ مَا لا يُحِبُّهُ اللَّهُ فَانَّه حُرِّمَ عَلَيْكُمْ وَ لاَ تَسْتَعْمَلُنَّ ذَلِك اَنتُم فِي ذَلِكَ الدِّينِ عَنْ كُلِّ كُرْهٍ تَستَطيونَ لَتَبْعَدُونَ.**

**ثُمَّ الثَّامِنُ، أَنْتُمْ الدَّوَاءَ ثُمَّ الْمُسْكِرَاتِ وَ فَوْقَهَا لَا تَمْلِكُونَ وَ لَا تَبِيعُونَ وَ لَاَتَشْتَرُونَ وَ لاَ تَسْتَعْلِمُونَ اِلَّا بِمَا اَنْتُمْ تُحِبُّونَ اَنْ تَصْنَعُونَ.**

**ثُمَّ التَّاسِعُ، اَنتُم بِالْجَمَاعَةِ لاَ تُصَلُّونَ وَ لَكِنَّكُمْ تَحْضُرُنَّ الْمَسَاجِدَ وَ اَنتُم عَلِي الْكُرْسِيِّ بِمَا يُحِبُّهُ اللَّهُ تَذَكَّرُونَ وَ تُوَعِّظُونَ اِلَّا في صَلَوةِ الْمَيِّتِ فَإِنَّكُمْ حِينَ الاِجْتِمَاعِ تُصَلُّونَ وَلَكِنْ فُرَادِي تَقْصِدُونَ وَ لَتَجْعَلُنَّ مَحَلَّ عِزٍّ في بَيتِكُم مَسْجِدَكُم وَ اِنْ تَحْضُرُنَّ المَسَاجِدَ خَيْرٌ لَكُمْ لَعَلَّكُمْ يَوْمَ ظُهُورِ اللَّهِ فِي اَمْرِ اللَّهِ لَتَسْرَعُونَ.**

**ثُمَّ الْعَاشِرُ، اَنْتُمْ اِذا اِسْتَطَعْتُمْ كُلَّ آثَارِ النُّقْطَةِ تَمْلِكُونَ وَ لَوْ كان چاپا فإِنَّ الرِّزْقَ يَنْزِلُ عَلَي مَنْ يَمْلِكُهُ مِثْلَ الْغَيْثِ قُلْ اَنْ يَا عِبَادِي خَيْرُ التِّجَارَةِ هَذَا اِنْ اَنْتُم بِمَنْ نُظْهِرُهُ تُؤْمِنُونَ اَنتُم اَنْفُسَكُمْ لِتَطْهُرُونَ مِنْ دُونِ الْحُرُوفِ الْعِلِّيِّينَ لَعَلَّكُمْ فِي حَقَايِقِهَا لَاتَدْخُلُونَ وَ لَتُدَقِّقُنَّ اَنْ لَا تَكُونُنَّ مِنْهُمْ وَ مَن يَقْدِرُ اَنْ لا يَذْكُرَ اِلَّا الْخَيْرَ خَيْرٌ لَهُ وَلَكِنَّكُمْ اِلي مَا نَزَّلَ اللَّهُ تَنْظُرُونَ وَ قَدْ نُزِّلَ فِيهِ مَا نُزِّلَ اِلَي حِينَئِذٍ ثُمَّ الاَلْفُ وَ الْيَاءُ مِنْ نَفْسِي ثُمَّ اِذا ما شاءَ مِنْ بَعْدُ فِيمَا يَعْدِلُ عَدَدَ كُلِّ شَيْءٍ لَوْ شَاءَ اللَّهُ لَتَشْهَدُونَ.**

**ثُمَّ الحادِی مِنْ بَعْدِ العَشْرِ، لَاتَبِيعُونَ عَنَاصِرَ الرُّبَاعِ وَ لَاتَشْتَرُونَ.**

**ثُمَّ الثَّانِي مِنْ بَعْدِ العَشْرِ، لَايُبْطِلُ صَلَاتَكُمْ شُعُورُ الْحَيَوَانِ وَ لا مَا لاَيُنْفَخُ فِيهِ الرُّوحُ انْتُمْ فِي دِينِ اللَّهِ تَشْكُرُونَ.**

**ثُمَّ الثَّالِثُ مِنْ بَعْدِ العَشْرِ، اَنْتُمْ اَبَداً كِتَاباً لاَ تَخْرِقُونَ.**

**ثُمَّ الرَّابِعُ مِنْ بَعْدِ العَشْرِ، اَنتُم كُلِّ اسْبَابِكُم بَعْدَ اَن تَكْمُلَ تِسْعَةَ عَشَرَ سَنَةً اِنْ تَسْتَطِيعُونَ لَتُجَدِّدُونَ.**

**ثُمَّ الخامِسُ مِنْ بَعْدِ العَشْرِ، فَلْتَكتُبُنَّ ذِكْرَ البَيانِ عَلَي كُلِّ صَنايِعِكُمْ لَعَلَّكُمْ في ظُهورِ حَقِيقَتِهِ إِنْ تَبْقَوْنَ فِي دِينِكُمْ بِغَيْرِ حَقٍ بَيْنَ يَدَيْ شَجَرَةَ الاُولي لاَ تَذْكُرُونَ.**

**ثُمَّ السّادِسُ مِنْ بَعْدِ العَشْرِ، لاَ تَضْرِبُنَّ أَحَداً أَبَداً.**

**ثُمَّ السَّابِعُ مِنْ بَعْدِ العَشْرِ، فَلْتُضيِفُنَّ في تِسْعَةَ عَشَرَ يَوْماً تِسْعَةَ عَشَرَ نَفْساً وَ لَوْ اَنْتُم مَاءالوَاحِدِ لَتُؤْتُونَ وَ اِنْ لا تَسْتَطِيعُنَّ اِلَي عَدَدِ الْوَاحِدِ لَتُبَلِّغُونَ.**

**ثُمَّ الثَّامِنُ مِنْ بَعْدِ العَشْرِ، اَنْتُمْ لاَتَخْرِقُونَ لِبَاسَكُمْ وَ لَا تَضْرِبُونَ عَلَي اَبْدَانِكُمْ حِينَ مَا يَمُوتُ مِنْكُمْ مِن اَحدٍ ابداً اَبداً.**

**ثُمَّ التَّاسِعُ مِنْ بَعْدِ العَشْرِ، اَنْتُم حِينَ تُزَكُّونَ حُوتَ الْبَحْرِ وَ النَّهْرِ لَتَقُولُونَ بِسْمِ اللَّهِ الْمُهَيْمِنِ الْقَيُّومِ، ثُمَّ كُلَّمَا كَانَ عَلَيْهِ الْفَلْسُ تَأْكُلُون.**

**الواحِدُ الْعاشِرُ**

**بِسْمِ اللَّهِ الاَمْنَعِ الاَقْدِسِ**

**اِنَّنِي اَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ اِلَّا اَنَا الاَكْمَلُ الاَكْمَلُ قَدْ نَزَّلتُ فِي الْوَاحِدِ الْعاشِرِ أَنِ اشْهَدُوا اَنَّهُ لَا إِلَهَ اِلَّا اَنَا المُهَيْمِنُ الْقَيُّومُ قُلِ الاولُ فَلا تَحْتَرِزُنَّ عَنِ الكَلبِ وَ غَيْرِهِ اِنْ يَمَسَّكُم شَعْرُ رَطْبٍ مِنْهُ اِلَّا وَ اَنْتُم تُحِبُّونَ اَنْ تُنَظِّفُونَ.**

**قُلْ فِی الثّانِی، اِنَّ اللَّهَ قَدْ اَذِنَ لِلَّذِينَ هُمْ آمَنُوا فِي الْبَيَانِ مِنَ الْحُرُوفِ وَ الْحرُوفَاتِ اَنْ يَنْظُرُونَ اِلَيَهِنَّ وَ هُنَّ اَنْ يَنْظُرْنَ اِلَيْهِمْ اِذَا شاؤا اَوْ يَشْأَنَ مِن غَيْرِ اَنْ يَشْهَدُوا اَوْ يَشْهَدْنَ مَا لَايُحِبُّ اللَّهُ في نَظرَتِهِم وَ نَظرتِهِنَّ وَ اللَّهُ يُرِيدُ اَنْ يَخْلُقَ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُنَّ ما اَنْتُم بِهِ في الرِّضْوانِ تَتَحابَبُونَ.**

**وَ اِنَّ فی الثّالِثِ، مَا اَنْتُم مِنْ مُلْكِ اللَّهِ تُورثُونَ فَلْتَنْقَسِمُنَّ بِما قَدْ قَسَمْنا بَيْنَكُمْ لَعَلَّكُمْ اَنْتُمْ بِمَا قَدْ اَرَدْنَا فِي اَعْدَادِهَا يَوْمَ ظُهُورِاللَّهِ اَنْفُسَكُمْ فِيهَا تُدْخُلُونَ لَتُؤْمِنُنَّ بِمَن يُظْهِرُهُ اللَّهُ ثُمَّ بِآيَاتِهِ تُوقِنُونَ قُلْ اِنَّ ذُرِّيَّاتِكُم تُورَثُ مِن كِتابِ الطّاءِ اَنْتُمْ بَيْنَهُنَّ بِالْعَدْلِ لَتَقْسِمُونَ قُلْ مَا كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ عَدَدَ الْمَقْتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ قُلْ مَا كَتَبَ اللَّهُ عَلَي اَزْوَاجِكُمْ مِنْ كِتَابِ الْحَاءِ عَلَي عَدَدِ التَّاءِ وَ الْفَاءِ اَنْتُمْ بَيْنَهُنَّ بِالْعَدْلِ لَتَقْسِمُونَ قُلْ مَا كَتَبَ اللَّهُ فِي الْكِتَابِ مِنْ كِتَابِ الزَّاءِ لِأَبِيكُمْ عَدَدَ التَّاءِ وَ الْكَافِ اَنْتُمْ بِمَا قَدْ كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ تَحْكُمُونَ قُلْ مَا يُورَثُ اُمَّهاتُكُمْ مِنْ كِتابِ الْواوِ عَدَدَ الرَّفِيعِ فِي الْكِتَابِ اَنْتُمْ بِمَا قَدْ قَدَّرَ اللَّهُ لَتَقْدِرُونَ و اَنَّ مَا قَدْ كَتَبَ اللَّهُ لِإِخْوَانِكُمْ عَدَدَ الشّينِ مِنْ كِتَابِ الْهَاءِ اَنْتُمْ بِمَا قَدْ كَتَبَ اللَّهُ لِتَبْلُغُونَ وَ اِنَّ مَا قَدْ كَتَبَ اللَّهُ لِاَخَواتِكُمْ عَدَدَ الرَّاءِ وَ الْمِيمِ مِنْ كِتَابِ الدَّالِ اَنْتُمْ بِمَا قَدْ كَتَبَ اللَّهُ لَهُنَّ لَتَعْدِلُونَ و اِنَّ ما قَدْ كَتَبَ اللَّهُ لِلَّذِينَ يُعِلُّمونَكُمْ عِلْمَ الْبَيَانِ مِنْ كِتَابِ الْجِيمِ عَدَدَ الْقَافِ وَ الْفَاءِ بَيْنَهُمْ بِالْعَدْلِ لَتَقدِرُونَ قُلْ قَدْ قَسَمَ اللَّهُ إِرْثَكُمْ عَلَي دَرَجَاتٍ رُبَاعٍ بَعْدَ الثُّلُثِ بِمَا قَدْ قُدِّرَ فِي الْحُرُوفِ تِلْكَ الدَّرَجاتِ قَبْلَ رُباعِ ثُلُثٍ ذَلِكَ مِن مَخْزُونِ الْعِلْمِ فِي كِتَابِ اللَّهِ لَنْ يُغَيِّرَ وَ لَنْ يُبَدَّلَ اَنْتُمْ في هَيَاكِلِكُمْ تَنْظُرُونَ ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَمَةِ بِمَا قَدْ تَجَلَّي اللَّهُ لِكُلِّ الحُروفِ بِالعَدَدِ الهاءِ بِمَنْ يُظْهِرُهُ اللَّهُ تُؤْمِنُونَ وَ تُوقِنُون.**

**قُلْ اِنَّما الرّابِعُ، جَوْهَرُ الدِّينِ فِي بَدْئِكُمْ وَ عَوْدِكُمْ اِنْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ الَّذِي لَا إلهَ الَّا هُوَ ثُمَّ بِمَنْ يُظْهِرُهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ فِي عَوْدِكُم ثُمَّ بِمَا يُنَزِّلُ اللَّهُ عَلَيْهِ مِن كِتابٍ ثُمَّ بِمَنْ أَظْهَرَهُ اللَّهُ بِاسْمِ عَلِيٍّ قَبْلَ مُحَمَّدٍ ثُمَّ بِمَا نَزَّلَ اللَّهُ عَلَيْهِ مِنَ الْبَيَانِ حَيْثُ كُلٌّ عَنْهُ عاجِزُونَ اِنْ اَدْرَكْتُمْ عَودَكُمْ اِلَي مَن يُظْهِرُهُ اللّهُ فَإذاً اَنْتُم بَدئِكُم تُدْرِكُونَ.**

**قُلْ اِنَّما الخامِسُ، كُلُّ شَيءٍ يُطْلَقُ عَلَيهِ اسْمُ شَيْءٍ قَدْ اُدْخِلَ فِي بَحْرِ الْحِلِّ وَ الطُّهرٌ لِنَفْسِهِ بِنَفْسِهِ اِلَّا مَنْ لايُؤْمِنُ بِالْبَيانِ و مَا اَنْتَم فِي الْكِتَابِ عَنْهُ لَتَنْهَوْنَ فَإِنَّ ذَلِكَ ما اَنتُم كَلِّفْتُمْ بِهِ لَا يَتَغَيَّرُ مَا هُوَ عَلَيهِ فِي نَفْسِهِ وَ اَنْتُمْ عَمَّا قَد اَمرَكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَتُسْئَلُونَ فَلْتَجْتِنَبُنَّ عَنْ كُلِّ مَا اَنْتُمْ عَنْهُ تَكْرَهُونَ.**

 **قُلْ اِنَّما السّادِسُ، قَدْ حُرِّمَ عَلَيْكُمْ فِي البَيانِ الأَذي وَ لَوْ كَانَ بِضَرْبِ يَدٍ عَلَي كَتْفٍ أَنْ يَا عِبَادَ اللَّهِ تَتَّقُونَ وَ اِنَّ حَينَ ما تُحِبُّونَ اَن تَتَحاجُّونَ بِالدَّلَائِلِ وَ البُرْهانِ عَلَي اَكْمَلِ الْحَياءِ لَتَكتُبُونَ دَلائِلَكُم ثُمَّ عَلَي مُنْتَهَي الأَدَبِ لَتَقُولُونَ فَإِنَّكُمْ تُلاَقُونَ اللَّهَ رَبَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ بِمَا تُلاَقُونَ مَنْ يُظْهِرُهُ اللَّهُ وَ مَنْ يَكُنْ بَاباً لَهُ لِلعالَمِينَ لَعَلَّكُمْ لَا تُلاَقُونَ اللَّهَ رَبَّكُمْ وَ تَكْسِبُونَ عَمَلاً يَحْزَنُ بِهِ اللَّهُ رَبُّكُمْ بِمَا يَحْزَنُ مَنْ يُظْهِرُهُ اللَّهُ وَ اَنْتُم لَا تَلْتَفِتُونَ وَ لَا تَتَذَكَّرُونَ.**

**قُلْ اِنَّما السّابِعُ، فَلْتُبِلغُنَّ اِلي مَن يُظْهِرُهُ اللّهُ كُلُّ نَفْسٍ مِنكم بَلُّورَ عِطْرٍ مُمْتَنِعٍ رَفِيعٍ مِنْ عِنْدِ نُقْطَةِ الْبَيَانِ ثُمَّ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ تَسْجُدُونَ بِأَيْدِيكُمْ لَا بِأَيْدِي دُونِكُمْ اِلّا وَ اَنْتُمْ لَا تَسْتَطِيعُونَ.**

 **قُلْ اِنَّما الثَّامِنُ، فَلا تَسْجُدُنَّ اِلّا عَلَي الْبَلُّوْرِ فِيهَا مِنْ ذَرَّاتِ طِينِ الاَوَلِ وَ الآخِرِ ذِكْراً مِنَ اللّهِ فِى الكِتابِ لَعَلَّكُمْ شَيءَ غَيْرِ مَحْبُوبٍ لَا تَشْهَدُونَ.**

**وَ اِنَّ فِی التّاسِعِ، فَلْيَمْلِكُنَّ كُلُّ نَفْسٍ مِنْ اَسبابِ بَلُّوْرٍ مُمْتَنِعٍ رَفِيعٍ عَدَدَ الْوَاحِدِ عَلَي قَدرَ ما يَتَمَكَّنُ وَ اِنْ يَسْتَطِيعْ وَ لَمْ يَمْلِكْ كُتِبَ عَلَيْهِ أَنْ يُنْفِقَنَّ تِسْعَةَ عَشَرَ مِثْقَالاً من الذَّهبِ حَدّاً فِي كِتابِ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ.**

**وَ اِنَّ فِی العاشِر، فَلا يَصْبِرُنَّ الحُرُوفُ بَعْدَ ما تَقْبِضُ حُرُوفَاتِهِنَّ الّا تِسْعِينَ يَوْماً وَ لَا الْحُرُوفَاتِ بَعْدَ مَا يَقْبِضُ حُرُوفَهُنَّ اِلّا خَمْسُ وَ تِسعينَ يوماً حَدّاً في كِتابِ اللّهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ لَتَشْهَدُنَّ اَنَّ الْمُلْكَ لِلَّهِ وَ كُلٌ اِليه لَيَرْجِعُونَ وَ اِنْ صَبَرُوا فَوْقَ مَا قَدْ كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِم اَو هُنَّ فَوْق مَا قَدْ كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِنَّ بَعْدَ مَا يَسْتَطِعْنَ وَ يَقْدِرْنَ اَوْ يَسْتَطِيعُونَ وَ يَقْدِرُونَ عَلَيْهِمْ اَنْ يُنفِقُونَ تِسعينَ مِثقالاً مِنْ ذَهَبٍ وَ عَلَيْهِنَّ اَنْ يُنْفِقْنَ خَمْسَ وَ تِسْعِينَ مِثْقَالاً مِنْ ذَهَبٍ اِنْ يَسْتَطِعْنَ اَوْ يَسْتَطِيعُونَ وَ اِلَّا يُعْفي عَنْهُمْ وَ عَنْهُنَّ وَ اللَّهُ ما اَرادَ لِأَحَدٍ اِلَّا الْحُبَّ وَ الرِّضَاءَ لَعَلَّكُمْ اَنْتُمْ فِي رِضْوَانِ الْبَيَانِ لَتَشْكُرُونَ.**

**و اِنَّ الحادِی وَ العَشْرِ، اِنَّ الَّذِينَ يُنْشِئُونَ الْكِتَابَ يَكْتُبُونَ فِي اَوَّلِهِ لَا إِلَهَ اِلَّا اللَّهُ ثُمَّ في آخِرِهِ لَا حُجّةَ اِلَّا عَلِيُّ قَبلَ مُحَمَّدٍ لَعَلَّكُمْ اَنْتُمْ تَستَدلُّونَ يَومَ مَنْ يُظهِرُهُ اللُّه بِمِثلِ ذلك ثُمَّ بِهِ تَهْتَدُونَ.**

**و اِنَّ الثّانِی مِنْ بَعْدِ العَشَرِ، ذُرِّيَّاتُكُم لَم يَكُنْ عَلَيْهِنَّ مِن حُدُودِ مَوْتِكُمْ قَبْلَ اَنْ يُنْفَخَ فِيهِنَّ الرُّوحُ وَ بَعْدَ مَا يُنْفَخُ اِنْ يَنْزِلْنَ اَحْيَاءً فَأَنتُم حُدُودَ حَيَوتِكُمْ فِيهِنَّ لَتُرَاقِبُونَ وَ اِنْ يَنْزِلْنَ اَمْواتاً تُرْفَعُ عَنْكُمْ حُدُودُكُمْ وَ صَلَوتُكُمْ عَلَيْهِنَّ وَ لَا تَقْرَبُوهُنَّ آبَائِهَنَّ وَ لا اُمَّهاتَهُنَّ لِئَلَّا يَحْزَنَا اِلَّا وَ اِنْ لَمْ يَكُنْ غَيْرُهُما رَحْمَةً مِنَ اللَّهِ وَ فَضْلاً فِي الْكِتَابِ لَعَلَّكُمْ فِي اَيَّامِ اللَّهِ تَصْبِرُونَ.**

**و اِنَّ الثّالِثَ مِنْ بَعْدِ العَشَرِ، اِذْنٌ فِي الْبَيَانِ اَنْ تَجْعَلُنَّ اَنْفُسَكُم وَاحِداً واحِداً بِأَن تَخْتَارُنَّ لِأَنْفُسِكُمْ عَدَدَ الحَيِّ لَعلَّكُمْ يَوْمَ القِيَمةِ بِذلكَ الشَّأْنِ عَلَي اللَّهِ رَبِّكُمْ تُعْرِضُونَ قُلِ اِنَّ النُّقْطَةَ آيَةُ شَجَرَةِ الاُوْلَي ثُمَّ الْحَيّ آياتُ حَي الأوَّلِ اَنْتُم فَلْتُرَاقِبُنَّ اَنْفُسَكُمْ فِي ذَلِكَ الشَّأْنِ لَعَلَّكُمْ اَنْتُم يَوْمَ القِيَمَةِ عَمَّن يُظْهِرُهُ اللَّهُ ثُمَّ حَيِّ الأوَّلِ لاَتَحْتَجِبُونَ فَإنَّ مَن يُظْهِرُهُ اللَّهُ لَو يَظْهَرُ في مَقَامِ النُّقطَةِ او الْحَيِّ فَإِنَّهُ لَحَقٌ مِن عِندِ اللَّهِ وَ لاَ رَيْبَ فِيهِ اِنَّا كُلٌّ بِهِ مُؤْمِنُونَ وَ اِنَّ حيَّ الأَوَّلِ اِنْ يُظْهَرُونَ فِي مَقَامِ الْحَيِّ اَوْ النُّقْطَةِ فَأَنَّهُمْ اَسْمَاءُ الأَوُلِي اِنَّا كُلٌّ بِهِ مُؤْمِنُونَ.**

**و اِنَّما الرَّابِعُ مِنْ بَعْدِ العَشَرِ، كَتَبَ اللَّهُ عَلَي آبائِكُمْ وَ اُمَّهاتِكُم اَنْ يَرزُقانِكُم مِن اَوّلِ خَلْقِكُمْ اِلي تِسْعَةَ عَشَرَ سَنَةً تَامَّةً وَ عَلَيْكُمْ اَنْ تَرْزُقونَهُما اِلي آخِرِ عُمُرِهِما اِنْ لَمْ يَكُونا مِنَ الْمُسْتَطِيعِينَ وَ عَلَيْهِما اَنْ يَرْزُقانِكُمْ اِنْ يَسْتَطِيعانِ وَ اِنَّكُمْ اَنتُم مَا كُنْتُمْ عَلَي الْأَرْضِ لَمسْتَطِيعِينْ ذلك اَن يَكُونَنَّ كُلٌّ عَلِي حُدُودِ دِينِهِمْ و اِنْ يَحْتَجِبْ اَحَدٌ مِنهُم فَأَنتُم عَنْهُ لَتَعْفُوُنَ وَ مَنْ يَحْتَجِبْ عَنْ حُدُودِ اللَّهِ فِي ذَلِكَ فَلْيَلْزِمْنَّهُ في كُلِّ حَوْلٍ اَن يُنفِقَنَّ تِسْعَةَ عَشَرَ مِثْقَالاً مِنْ ذَهبٍ في سَبيلِ اللّهِ حدّاً في كتابِ اللّهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ.**

**و اِنَّما الخامِسُ مِنْ بَعْدِ العَشْرِ، لا تَركَبُنَّ البَقَرَ وَ لَاتَحْمِلُنَّ عَلَيْهِ مِن شَيءٍ اِنْ اَنتُم بِاللَّهِ وَ آيَاتِهِ مُؤْمِنونَ وَ لَاتَشْرَبُنَّ لَبَنَ الحَمِيرِ وَ لَاتَحْمِلُنَّ عَلَيْهِ وَ لَا عَلَي حَيْوَانٍ غَيْرِهِ اِلَّا عَلَي دُونِ طاقَتِهِ ما قَد كَتَبَ اللَّهُ عَلَيكُم لَعَلَّكُم تَتَّقُونَ وَ لاتَرْكَبُنَّ الْحَيَوانَ اِلَّا وَ اَنْتُمْ بِاللِّجَامِ وَ الرِّكَابِ لَتَرْكَبُونَ وَ لَا تَرْكَبُنَّ مَا لا تَستَطِيعُنَّ اَنْ تَحْفَظْنَ اَنْفُسَكُمْ عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ قَدْ أنْهَيكُم عَنْ ذَلِكَ نَهْياً عَظِيماً وَ لاتَضْرِبُنَّ بَيْضَةً عَلَي شَيْءٍ يُضِعُ مَا فِيهِ قَبْلَ اَنْ يُطْبَخَ هَذَا مَا قَدْ جَعَلَ اللَّهُ رِزْقَ نُقْطَةِ الْأُولَي فِي اَيامِ الْقِيَمَةِ وَ مَنْ عِندَهُ لَعَلَّكُم تَشْكُرُونَ وَ اِنَّ ما يَظْهَرُ فِي الْبَيْضَةِ مِنَ الدَّمِ عُفِيَ عَنْكُم وَ اِنَّهَ لَطُهْرٌ فَلَا تَأْكُلُوهُ لَعَلَّكُمْ شَيْءَ مَكْرُوهٍ لَاتَشْهَدُونَ وَ لَاتَرْكَبُنَّ الْفُلْكَ اِلَّا و اَنْتُم عَلَي قَدْرِ قَدْرِكُم تَمْلِكُونَ وَ لَاتُجَادِلُنَّ فيهِ وَ لَا تُنَازِعُنَّ وَ اَنْتُمْ عَلَي مُنْتَهَي الرَّوْحِ وَ الرَّيْحَانِ بَعْضُكُمْ بِبَعْضٍ تَسْلُكُونَ كُتِبَ عَلِي الَّذِينَهُمْ اُولِي الاَمْرِ فِي الْفُلْكِ اَنْ يُقَدِّمُونَ عَلَي اَنْفُسِهِمْ مَن فِيهِ مِنَ الَّذِينَهُمْ رَاكِبُونَ حِينَ مَا يَضْطَرِبُنَّ مَنْ فِي الْفُلْكِ وَ اَنْتُم حِينَئِذٍ لَاتَقُومُونَ و لَتَجْعَلُنَّ مَكانَ طُهْرِكُم فِي مَقْعَدٍ لَمْ يَكُنْ عَلَي مَقْعَدٍ يَخَافُ مَنْ يَدْخُلُ فِيهِ وَ اَنْتُمْ مِثْلَ مَا تَصْنَعُونَ فِي الدُّبُوسَةِ في مَقَاعِدٍ اُخْري تَصْنَعُونَ وَ لَاتُرَاقِبُنَّ طُهْرَكُمْ فِي الْفُلْكِ اِلَّا عَلَي قَدْرِ ما اَنْتُم عَلَيْهِ لَتَسْتَطِيعُونَ وَ رُفِعَ عَنِ الَّذِينَ هُمْ وَرَاءَ الْبَحْرِ مَا قَدْ كَتَبَ اللَّهُ لَهُمْ مِنْ سَفَرٍ وَاجِبٍ اِنْ هُمْ سَفَرَ الْبَرِّ لَا يَمْلِكُونَ وَ اِذْنٌ لَهُمْ اَنْ يَتَّخِذُونَ لِأَنفُسِهِمْ اَولِياءً عَنْهُمْ لِيَحُجُّونَ وَ لَيَبْلِغُونَ اِليهِمِ مَا يَصْرِفُونَ مِنْ مَكانِهِمْ اِلَي مَا هُمْ اِليه لِيَرْجِعُونَ اِنْ هُم عَلَي ذَلِكَ لَمُسْتَطِيعُونَ وَ اِلَّا عُفِيَ عَنْهُمْ وَ عَمَّا كُلٌ يَكْسِبُونَ.**

**و اِنَّما السّادِسُ مِنْ بَعْدِ العَشْرِ، كُتِبَ عَلي كُلِّ مَلِكِ ارْضٍ فِي كُلِّ حَوْلٍ مِأَةً وَ ارْبَعِينَ مِثْقَالاً مِنْ ذَهَبٍ ثُمَّ عَلَي الْوَزِيرِ الْأَعْظَمِ مِاَتِيْنِ وَ تِسْعينَ مِثقالاً ثُمَّ عَلَي الْحَاكِمِ الاَعْظَمِ مِاةً وَ سِتِّينَ مِثْقَالاً ثُمَّ عَلَيٍ الْعَالِمِ الاَعْظَمِ مِاَتِيْنِ وَ ثَمَانِينَ مِثْقَالاً اَنْ يُخْزِنُونَ لِمَن يُظْهِرُهُ اللَّهُ ثُمَّ بِأَيْدِيهِمْ حِينَ ظُهُورِهِ اِليَه لَيْبَلِغُونَ اِذْ مااحْزَنُوا فِي تِلْكَ الْقِيَامَةِ مَظْهَرَ رَبِّهِمْ هَوْلاَءَ، لَعَلَّ الَّذِينَ يُخْلَقُونَ فِي الْبَيَانِ فِي مَقَاعِدِهِمْ جَزَاءَ مَا كَسَبُوا مِنْ قِبَلِهِم بِالْحَقِّ يَكْسِبُونَ اَنْ يا هؤلاء اِنْ لَمْ تُؤْمِنُنَّ بِمَن يُظْهِرُهُ اللَّهُ اِيَّاهُ لاَتَحْزَنُونَ فَإِنَّ فِي تِلْكَ الْقِيَمَةِ هَؤُلاَءِ لَوْ آمَنُوا بِالنُّقْطَةِ الاُوْلِي لَمْ يَحْزَنْ اَحَدٌ فِي الْبَيَانِ وَ كُلٌّ اِلِي قِيَمَةِ الإُخري بِالرَّوْحِ وَ الرَّيْحَانِ يَسْلُكُونَ وَلَكِنَّهُمْ قَدِ احْتَجَبُوا حَتِّي اسْتَمْلَكُوا مَا لَايُحِبُّ اللَّهُ فِي الْبَيانِ وَ اَنْتّم بِمِثلِهِمْ اَنْفُسَكُمْ عَنْ رَحْمَةِ رَبِّكُمْ لَاتُبْعِدُونَ اِنْ لَا تُبْلِغُونَ اِلي مَن يُظْهِرُهُ اللَّهُ مَا كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ اِيَّاهُ لَاتَحْزَنُونَ وَ لاَتَشُكُّونَ فِيهِ حِينَ مَا تسْمَعُونَ وَ لَتَجْعَلُنَّ أَنْفُسَكُمْ حَكَمَاً بَيْنَهُ وَ بَيْنَ الَّذِينَ اُوتَوُا الْبَيَانَ بِأَنْ تَعْرِضُنَّ آيَاتِهِ عَلَي الَّذِينَ اُوتُوا الْبَيانَ اِنْ شَهِدْتُمْ عَجْزَ أَنْفُسِكُمْ وَ اِيَّاهُمْ فَإِذاً تُؤْمِنُونَ وَ اِنْ لَاشَهِدْتُمْ عَجْزَ اَنْفُسِكُمْ وَ لَا اِيَّاهُمْ فَإِذاً اَنْتُمْ اِيّاهُ لاَتَحْزَنُونَ وَ لَوْ يَظْهَرُ حَكَمَاً فِي تِلْكَ الْقِيَمَة لَيُبَيِّنَ الحَقَّ عَلَي مَن في الاَرْضِ كُلِّهَا وَلَكِنْ كُلٌ فِي أَحْكَامِ دِينِهِمْ وَ دُنْيَاهُمْ بِحُكْمِهِمْ يَرْجِعُونَ و يَحْكُمُونَ ولَكِنْ لاَيُظْهِرُونَ فِي أَمْرٍ يُثْبَتُ بِهِ دِينُهُمْ حُكْماً لِيَشْهَدَ عَلَي عَجْزِهِمُ عَنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ لِيُنْجُونَ أَنْفُسَهُمْ بِذَلِكَ الْحُكْمِ وَ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ لَيَتَّبِعُونَ، وَ أَنْفُسَهُمْ وَ أَعْمَالَهُمْ لَيُفْنُونَ وَ يَحْسَبُونَ اَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ اَنْتُم يَا اُولِي البَيانِ بِمِثلِهِمْ لَاتَحْتَجِبُونَ.**

**و اِنَّما السّابِعُ مِنْ بَعْدِ العَشْرِ، اَن يا اُولِي الحُكْمِ فَلْتَأمُرُنَّ مَن يَتَّبَعُونَكُم أَنْ لَايَأْخُذُنَّ لِبَاسَ اَحَدٍ وَ لَا ما عِندَهُ وَ اِنْ يُؤخَذْ يُحْرَمْ عَلَيْهِمْ وَ عَلَيْكُمْ اَزْوَاجُكُمْ تِسْعَةَ عَشَرَ يَوْماً و اِنِ اقْتَرَنْتُمْ لَيُلْزِ مِنَّكُمْ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ تِسْعَةَ عَشَرَ مِثْقَالاً مِنَ الذَّهَبِ اَنْ تَرُدُّونَ اِلي شُهَدَاءِ الْبَيَانِ لِيُؤْتِيُنَّ مَن اُخِذَ عَنهُ لِباسُهُ اَوْ شِیٌ مِمَّا عِندَهُ لَعَلَّكُم تَتَّقُونَ وَ تَأْمُرُنَّ مَن يَتَّبِعُونَكُمْ اَنْ لَايُعَارِضُنَّ اَحَدَاً اَبداً لَعَلَّكُمْ يَوْمَ الْقِيمَةِ بِأَصْحَابِ مَنْ يُظهِرُهُ اللّهُ لَا تَتَعرَّضُونَ وَ لَتَأْمُرُنَّ كُلَّ اَرْضٍ اَنْ يَنْتَظِمُونَ بُيُوتَهَا وَ اَسواقَهَا و اَماكِنَها وَ يُمَيَّزُ كُلُّ صِنفٍ في مَقْعَدِهِ عَنِ الْآخَرِ حَيْثُ لَايَخْتَلِطُ اثْنَيْنِ مِنْهُمُ اِلَّا فِي مَكَانِهِمَا وَ كُلُّ صِنْفٍ كَانُوا فِي مَكانٍ وَاحِدٍ عَلي اَحسَنِ نَظمٍ مَحبوبٍ وَ لْتَأْمُرُنَّ اَنْ يَكُونَ كُلُّ صِنْفٍ فِي خَانٍ فَإِنَّ ذَلِكَ اَقْرَبُ لِلنَّفْعِ وَ التَّقْوي اِنْ اَنْتُم تَشْعُرُونَ.**

**قُلْ اِنَّما الثّامِنُ مِنْ بَعْدِ العَشْرِ، لَاتَأْمُرُنَّ اَنْ يُؤْخَذَ مِنْ اَحَدٍ قَدْرَ شَعْرٍ أَوْ يَنْقُصَ عَنْهُ بَعْدَ مَا اَكْمَلَ اللَّهُ خَلْقَ ظَاهِرِهِ من شَیءٍ اَمْراً فِي كِتَابِ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ اَنْتُم اَحَداً لا تَحْزَنُونَ وَ مَنْ يَاخُذْ مِن جَسَدِ اَحَدٍ مِنْ شَيءٍ اَوْ يُغَيِّرْ لَوْنَهُ قَدْرَ شَیءٍ اَوْ يُغَيِّرْ لِباسَهُ اَوْ اَرادَ اَنْ يُذِلَّنَّهُ قَدْ حَرَّمَ اللهُ عليه اَزواجَهُ تِسْعَةَ عَشَرَ شَهْراً فِي كِتَابِ اللّه وَ لْيَلْزِمَنَّهُ مِنْ حُدُودِ اللَّهِ خَمْسَ وَ تِسْعِينَ وَاحِداً مِنْ ذَهَبٍ لَعَلَّكُمْ اَنتُمْ تَتَّقُونَ وَ لَاتَأْمُرُونَ وَ لَاتَفْعَلُونَ و لَاتَرْضَيُونَ فَلا تَظْلِمُنَّ عَلَي اَحَدٍ قَدرَ خَرْدَلٍ اِنْ اَنْتُم بِاللَّهِ وَ بِآياتِهِ مُؤْمِنِينَ وَ اِنْ لَمْ تَكُونُنَّ بِاللَّهِ وَ آيَاتِهِ مُومِنِينَ فَلْتَكْسِبُنَّ عَمَلاً لَايُخْرِجَنَّكُم مِن حَيَائِكُمْ فَانَّكُمْ قَبْلَ خَلْقِكُمْ كُنْتُمْ عِنْدَاللَّهِ قَطْرَةَ مَاءٍ بَعْدَ طِينٍ وَ لَتُرْجِعُنَّ اِلَي كَفِّ طِينٍ فَلْتَستَحيِيُنَّ وَ لا تَرْضَيُنَّ لِأَحَدٍ دُونَ ما تَرْضَيُنَّ لِأَنْفُسِكُمْ وَ اَنْتُمْ بِأَعْلَي تَدابِير حَيَائِكُم في أُمُورِكُم لَتُدَبِّرُونَ وَ لَا تُضَيِّعُنَّ خَلقَ اَحِدٍ بَعْدَ مَا قَد اَكْمَلَ اللَّهُ خَلْقَهُ لِما تُرِيدُونَ مِنْ عِزِّ اَيَّامٍ مَعْدُودَةٍ اَوْ غَناءَ اَيَّامٍ مَعْدُودَةٍ فَإِنَّ كِلْتَيهِما يَنْقَطِعُ عَنْكُمْ وَ اَنْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَوْتِكُمْ فِي النَّارِ تَدْخُلونَ تَتَمَنَّوْنَ كَأَنَّكُمْ مَا خُلِقْتُمْ وَ مَا اكْتَسَبْتُمْ فِي حَقِّ نَفسٍ مِن حُزِنٍ وَ اِنْ تَتَعَقَّلُونَ فِي حَياتِكُم تَتَمَنَّوْنَ اِنْ اَنْتُمْ قَلِيلاً ما تَشْعِرُونَ.**

**قُل التَّاسِعُ مِنْ بَعْدِ العَشْرِ، مَا اَمَرَاللَّهُ مِنْ اَمْرٍ وَ لانَزَّلَ مِن نَهْيٍ اِلَّا لِعِزِّ مَنْ يُظْهِرُهُ اللَّهُ اِذا يُعَارِضُكُمْ اَمْرٌ اَوْ نَهْيٌ عِزّهُ اَنتُم عِزَّ اللَّهِ لِتَراقَبونَ وَ عَنْ كِلْتَيهِما تَنْقَطِعُونَ.**

**الواحِدُ الحادِی مِنْ بَعْدِ العَشْرِ**

**بِسْمِ اللَّهِ الاَمْنَعِ الاَقْدَسِ**

**اِنَّنِي اَنَا اللَّهُ لا إِلَهَ اِلَّا اَنَا الأَثبَتُ الْأَثْبَتُ قَدْ نَزَّلَتُ مَقَادِيرَ كُلِّ شَیءٍ فِي عَدَدِ الياءِ مِنَ الواحِدِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ قُل اِنَّ فِي الْوَاحِدِ الْحادِي مِنْ بَعْدِ العَشْرِ اَنْتُمْ فِي الاَوَّلِ تَشْهَدُونَ اِن حَلَفْتُمْ بِاللَّهِ ثُمَّ بِمَنْ يُظهِرُهُ اللّهُ وَ اَنَّكمْ اَنْتُمْ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَ اللَّهِ صَادِقُونَ لَمْ يَكُنْ عَلَيْكُمْ مِن شیءٍ وَ عَلَي ما حَلَفْتُمْ لَهُ اَنْ يَرُدُّونَ اِلَيْكُمْ ما اْخَذُوا عَنْكُمْ اَوْ مَتاعَكُمْ وَ اِنْ يَحْتَجِبُونَ فَلْيَلْزِمَنَّهُمْ تِسْعَةَ عَشَرَ مِثْقَالاً مِنْ ذَهَبٍ حَدّاً فِي كتابِ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ وَ اِنْ اَنتُم بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَ اللَّهِ رَبِّكُمْ اِنْ حَلَفْتُمْ وَ كُنتُم دُونَ صَادِقِينَ فَلْيَلْزَمْنَّكُمْ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ تِسْعَةَ عَشَرَ مِثْقَالاً مِنْ ذَهَبٍ اَنْ تَرُدُّونَ اِلي ما تَحْلِفُونَ لَهُ حَدّاً فِي كِتَابِ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ بِغَيْرِ حَقٍ لاَ تَحْلِفُونَ.**

**قُلْ الثّانِی، كُلُّ ذَا مَلِكٌ يَبْعَثُ فِي الْبَيانِ اَنْ يَنْتَخِبَنَّ مِنْ سُكَّانِ مَمْلَكَتِهِ عَدَدَ الْكَافِ وَ الْهَاءِ مِنَ الْعُلَمَاءِ الَّذِينَ هُمْ يَنْبَغِي اَنْ يَكُونُنَّ مَطَالِعَ الحُرُوفِ فِي كِتَابِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَوْمَ الْقِيمَةِ بِمَنْ يُظهِرُهُ اللّه يُؤْمِنُونَ وَ يُوقِنُونَ وَ دِينَ اللَّهِ يَنصُرُونَ وَ لْيُعَرِّفَنَّ هَؤُلاءِ كُلَّ الخَلقِ مِنْ حُدودِ مَملَكَتِهِ لَعَلَّهُم ضُعَفاءَ الخَلقِ يَنصُرُونَ ثُمَّ عَلَيْهِمْ يَرْحَمُونَ ثُمَّ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ اللَّهِ رَبِّهِمْ عَنْ حُدُودِ دِينِهِمْ لاَيَحْتَجِبُونَ.**

**قُلْ الثّالِثُ، مَن يَستَهزِءْ مُؤمِناً اَو مُؤمِنَةً لَيَلزَمَنَّهُ عَدَدَ الْوَاحِدِ مِنْ ذَهَبٍ ثُمَّ مِنَ الفِضَّةِ ثُمَّ مِنْ كَلِمَةِ الاِسْتِغفارِ خَمْسَ وَ تِسعِينَ مَرَّةً، لَعَلَّكُم تَتَّقُونَ وَ لاتَسْتَهْزِءُونَ لِيُرِدَنَّ اِلَي مَنِ استُهْزِءَ اِنْ يَقْدِرْ وَ اِنْ لَم يَقدِر يُرفَعْ عَنهُ الذَّهَبُ وَ الْفِضَّةُ وَ لْيَلْزَمَنَّهُ الاِسْتِغْفارُ وَ اِنْ لَمْ يَكُنْ ذَا لِسانٍ وَ استَهزَءَ بِإِشاراتِهِ فَلْيَخْتارَنَّ لِنَفْسِهِ مَنْ يَسْتَغْفِرَنَّ عَنْهُ اَنْ يَا عِبَادِي اَللَّهَ تَتَّقُونَ.**

 **قُلْ الرّابِعُ، اِنَّما الْبَيَانُ وَ مَنْ فِيهِ حَيٌ سَواءً كَانَ مِنْ نُورِهِ أَوْ مِنْ نارِهِ اَنْتُمْ اِلي يَوْمِ مَنْ يُظهِرُهُ اللّهُ بِالأَحياءِ فِيهِمَا لَتَقْدِرُونَ ثُمَّ لَتَسْتَنْبِئُونَ ثُمَّ لَتَستَحكُمُونَ قُلْ اِنَّما النّارُ مَن يَحْتَجِبَنَّ عَنْ حُدُودِ مَا نُزِّلَ فِي الْبَيَانِ وَ النُّورُ مَنْ يُرَاقِبَنَّ حُدُودَ اللَّهِ هَذَا فِي نَفْسِ الْبَيَانِ لَا فِي الَّذِينَ ما دَخَلُوا فِيهِ اَن يَا كُلَّ شِیءٍ تَتَّقُونَ.**

**قُلْ الخامِسُ، مَنْ يَدْخُلُ فِي الْبَيَانِ فَلَا تَرُدُّوهُ فِي دِينِهِ و اِنْ رَدَدْتُمْ فَيَلْزَمَنَّكُمْ تِسْعَةَ عَشَرَ مِثْقَالاً مِنْ ذَهَبٍ اَنْ تَبْلُغُونَ اِلي ما رَدَدتُموهُ حَدّاً فِي كِتَابِ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ اَنْتُم اَحَداً فِي الْبَيانِ لاَ تَرُدُّونَ وَ اِنْ شَهِدْتُمْ عَلَي اَحَدٍ مَا لَا اَذِنَ اللَّهُ لَهُ فِي الْبَيَانِ ذَلِكَ قَدْ عَصَي اللَّهَ رَبَّهُ وَ لَمْ يَخْرُجْ عَنِ اَصْلِ دينِهِ وَ اِنَّ عَلَي قَدْرِ مَا احْتَجَبَ لَيُوصَلَنَّ اِلَيَهِ النَّارُ اَنتُم بِكَلامِ حَسَنٍ جَمِيلٍ هؤُلاءِ لَتُنَبّؤُن وَ تَذْكُرُونَ.**

**قُلْ السَّادِسُ، مَنْ يَنْتَظِرُ ظُهُورَ مَنْ يُظْهِرُهُ اللَّهُ بِغَيرِ مَعْرِفَةِ اللَّهِ وَ رِضَائِهِ فِي مَعْرِفَةِ نَفْسِهِ وَ رِضَائِهِ فَاُولَئِكَ مَا اسْتَدْرَكُوا فِي الْبَيَانِ مِنْ حَرْفٍ وَ مَا كَانُوا عِنْدَ اللَّهِ لَمُؤْمِنِينَ وَ لَتُبَلِّغُنَّ كِتابَ كُلِّ شیءٍ اِلي كُلِّ نَفسٍ وَ لَوْ كَانَ اَحَداً مِمَّنْ بَقِيَ مِنْ بَدِيعِ الاَوَّلِ ذِكْراً مِنْ عِنْدِ اللَّهِ اِلي كُلِّ الْعَالَمِينَ وَ لْتَسْتَغْفِرُنَّ اللَّهَ الَّذِي لَا إلَهَ اِلَّا هُوَ المُهَيمِنُ القَيُّومُ ثُمَّ لَتَتوبُنَّ اِليْهِ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُون.**

**قُلْ السَّابِعُ، نُهِيَ عَنكُمْ فِي الْبَيَانِ اَنْ لا تَمْلِكُنَّ فَوْقَ عَدَدِ الواحِدِ من كِتابٍ وَ اِنْ تَمَلَّكْتُمْ فَلْيَلْزَمَنَّكُمْ تِسْعَةَ عَشَرَ مِثْقَالاً مِنْ ذَهَبٍ حَدّاً فِي كِتابِ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ قُلِ الاَوّلُ نَفْسُ الْبَيَانِ ثُمَّ الْحَيِّ ما اُنْشِأ فِي الْبَيانِ مِنْ عُلُومٍ يَلْزَمَنَّكُمْ فِي دِينِكُمْ مِثْلُ النَّحْوِ وَ الصَّرْفِ وَ الْحُرُوفِ وَ اَعْدَادِ الْحُرُوفِ وَ مَا اَنْتُم تُنْشِؤُن فِي دِينِ اللَّهِ بِاَعْلَي سُبُلِ النَّظْمِ لِتَنْظِمُونَ فَلا تُنْشِئُنَّ اِلّا جَوَاهِرَ الْعِلْمِ وَ الْحِكْمَةِ وَ اَنْتُمْ عَنْ زَخَارِفِهَا تَحْتَجِبُونَ كُلُّ ذلِكَ لِأَنْ لاَيَحْضُرَ بَيْنَ يَدَيْ مَنْ يُظْهِرُهُ اللَّهُ اِلَّا نَفْسُ الْبَيَانِ وَ مَا اُنْشِأَ فِي الْبَيَانِ مِنْ عَدَدِ الْحَيِّ مِنَ الَّذِينَهُمْ قَدْ بَلَغُوا اِلِي ذِرْوَةِ الْعِلْمِ وَ التُّقَي وَ هُمْ كَانُوا فِي دِينِ اللَّهِ مُخْلِصِينَ.**

**قَلِ الثَّامِنُ، فَلا تَتَفَرَّقُنَّ بَيْنَ الحُرُوفِ اِلَّا وَ اَنْ تَجْمَعُنَّ فِي اَوْعِيَةٍ لَطِيفَةٍ اَوْ فِي مِنْدِيلٍ لَطِيفٍ وَ اِنَّما اَنتُم بِهِ تَتَحَرَّزُونَ غَيْرَ هَذَا وَ اَنتُم كُلَّ الحُرُوفِ عَلَي مَقَاعِدَ مَرْفُوعَةٍ لَتَضَعُونَ لِتُرَاقِبُنَّ اَرواحَهُنَّ لَعَلَّكُمْ اَنْتُمْ بِأَرْوَاحِهِنَّ مَا فِي الْعِلِّيِّينَ تُحْسِنُونَ وَ عَنْ دُونِهِمْ تَحْتَجِبُونَ وَ لْتَجْمَعُنَّ اَرواحَ الَّتي تَتَعَلَّقُ بِهَا فِي اَنْفُسِكُمْ لَعَلَّكُمْ لَاتَتَشَعَّبُونَ بِما اَنْتُمْ تَحْزَنُونَ اِلَّا بِما اَنْتُمْ تَرْضَوْنَ وَ تَشْكُرُونَ وَ كُلُّ مَنْ يَمْلِكُ مِنْ حَرْفٍ فَعَلَيْهِ اَنْ يَحفَظَنَّهُ في مَقامِ عِزٍّ مَحْبُوبٍ وَ اِنْ يَكُنْ فِي حُجُرِهِ عِبادٌ فَعَلَي كُلِّ واحِدٍ اَنْ يَحْفَظَنَّ ما لَهُمْ مِنْ كُلِّ حَرْفٍ مَكْتُوبٍ سِوَاءً يَجْعَلُونَ في مَحَلٍّ واحدٍ اَوْ مَقاعِدَ مُختَلِفِةٍ اَذِنَ اللّهُ لَكُم لَعَلَّكُم فِي اَمرٍ لاَتَصْعُبُون.**

**قُل التَّاسِعُ، فَلا تَجْلِسُنَّ فِي مَقَاعِدِ العِزِّ اِلَّا فِي حَوْلِهَا و اِنْ جَلَسْتُمْ فَيَلْزَمُنَّكُمْ تِسْعَةَ عَشَرَ مِثْقالاً مِنْ ذَهَبٍ اِلَّا وَ اَنتُم تُجْبَرُونَ فَعَلَي مَنْ يَجْبُرَنَّكُمْ يَلْزَمَنَّ عَلَيْهِ من كِتَابِ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ عَنْ حُدُودِ آدابِكُم لَاتَخْرُجُونَ وَ اِذْنٌ لَكُمْ فِي بُيُوتِكُمْ عِنْدَ ما يَجْلِسُ اَهْلِكُمْ عِندَكُم فَأنَّكُم لاَتَسْتَطِيعُونَ فِي حَوْلِ الْحُجُرَاتِ تَجْلِسُونَ اِلَّا وَ اَنْتُمْ فِي مَكَانٍ وَاحِدٍ بِالْحُبِّ تَقْعُدُونَ وَ اِنَّ في مَقاعِدِ الْحُزْنِ رُفِعَ عَنْكُم لَعَلَّكُمْ عَلَي اَدِلّاءِ اللَّهِ تَحْزَنُونَ وَ اِنَّ مَن يَنْزِلُ عَلَي اَحَدٍ فَعَلَيْهِ اَنْ يَعِزَّنَّهُ عِزّاً مَنيعاً وَ اَنْ يُؤْتِينَّهُ الْمَكانَ بِنَفسِهِ وَ الَّذِينَ هُمْ مِنْ حَوْلِهِ وَ اِنْ يَحْتَجِبُونَ فَعَلَي كُلِّهِمْ اَجْمَعِينَ اَنْ يَقُولُونَ اِنَّا لَنَسْتَغْفِرُنَّ اللَّهَ الَّذِي لَهُ الاِسْماءُ الْحُسْنِي عَنْ كُلِّ شیءٍ وَ اِنَّا كُلٌّ اِليهِ لِتائِبُونَ.**

**قُلْ العاشِرُ، اِذْنٌ فِي الْبَيَانِ اَنْ يَكُونُنَّ كُلَّمَا نُزِّلَ فِيهِ عَرَبِيّاً عِنْدَ الَّذِينَ يَسْتَطِيعُونَ اَنْ يَفْهَمُونَ وَ اِنْ يُفَسِّرَنَّ اَحَدٌ فارْسِيّاً اِذْنٌ فِي الْكِتَابِ لِلَّذِينَهُمْ كَلِمَاتِ الْبَيَانِ لَايُدْرِكُونَ و لَاتُفَسِّرُنَّ اِلَّا بِالْحَقِّ وَ لا تَجْعَلُنَّ الفارسيَّ عَربيّاً اِلَّا بِالْحَقِّ وَ لْتَمْلِكُنَّ كُلُّكُمُ اَجْمَعُونَ، بَيَانُ عَرَبِي مَحْبُوبٌ وَ بَيَانُ فَارِسِي لِلَّذِينَ هُمْ لاَيَسْتَطِيعُونَ مَانَزَّلَ اللَهُ يُدْرِكُونَ و اِنَّ عَلَي ما نُّزِلَ عِنْدَ الشّهداء اَنتُمْ كَأَعْيُنِكُمْ تَحْفَظُونَ ثُمَّ اِلي مَن يُظْهِرُهُ اللّهُ لَتُبلِغُونَ وَ اِذْنٌ لَكُمْ اَنْ تَجْعَلُنَّ مِن كُتُبِ الواحدِ ذلِك الثُّلُثَ عَلَي ما نُزِّلَ وَاحِداً ثُمَّ كُلُّ عَرَبيّاً ثُمَّ كُلُ عَجَمِيّاً ذِكَراً مِن اللَّهِ لَعَلَّكُمْ بِكُلِّ مَا نَزَّلَ اللَّهُ فِي الْكِتَابِ لَتُحِيطُونَ بِظاهِرهِ عِلْماً ثُمَّ بِهِ تُعَلِّمُونَ.**

**ثُمَّ الحادِیُ مِنْ بَعْدِ العَشْرِ، لا تُقَدِّمُون عَلَي مَن يُظْهِرُهُ اللَّهُ وَ لا حَيِّ الاَوَّلِ سِوَاءً يَظْهَرُونَ فِي اَعْلَي الْخَلْقِ اَوْ اَدْناهُم فَإِنَّهُمْ عِنْدَ اللَّهِ مُتَعالُونَ وَ مَنْ يَتَقَدَّمُ عَلَيْهِمْ فَيَلْزَمنَّهُ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ تِسْعَةَ عَشَرَ مِثْقَالاً مِنْ ذَهَبٍ حَدّاً فِي كِتَابِ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ.**

**قُلْ الثَّانِیُ مِنْ بَعْدِ العَشْرِ، اَنتُم يَا ذَلِكَ الْخَلْقَ أَدِلَّاءُ اَمْرِاللَّهِ فَكُلَّما تَشْهَدُونَ عَلَي اَحَدٍ بِأَنْ يُرِيدُونَ مِن شَیءٍ اِن يَسْتَطِيعُونَ فَلْتُجِيبُونَ فَإِنَّ اللَّهَ لَيَسْتَجِيبَنَّهُمْ بِمَا قَدْ أَمَرَكُمْ وَ حِينَ عِلْمِكُمْ بِمِطْلَبِ أَحَدٍ كُتِبَ عَلَيْكُم اَنْ تَقْضُونَ و اِنِ احْتَجَبْتُم فَلْتَسْتَغْفِرُنَّ اللَّهَ رَبَّكُمْ تِسْعَةَ عَشَرَ مَرَّةً وَ اِنِ احْتَجَبْتُم عَنِ اسْتِغْفَارِكُم فَيَلْزَمَنَّكُم تِسْعَةَ عَشَرَ مِثْقَالاً مِنْ ذَهَبٍ حَدّاً فِي كِتَابِ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تُرَاقِبُونَ اَنْفُسَكُم وَ بِعِلْمِكُمْ كُلَّمَا يُحِبُّنَّ مِنْ نَفْسٍ فِي دِينِكُمْ فَلْتُجِيبُنَّهَا وَ حُدُودِ دُنْيَاكُمْ فَلْتَقْضِيُنَّ لَهَا فَضْلاً مِن اللَّهِ عَلَيْهِم لَعَلَّكُمْ أَنْفُسَكُمْ مَظاهِرَ مَا يُجِيبُ اللَّهُ عِبَادَهُ تُظْهِرُونَ.**

**قُلْ الثَّالِثُ مِنْ بَعْدِ العَشْرِ، اِنْ يُبْعَثْ مَلِكٌ فِي الْبَيانِ كُتِبَ عَلَيهِ اَنْ يَمْلِكَنَّ لِنَفسِهِ ما يَجْعَلَنَّهُ عَلَي رَأْسِه مِمَّا يَكُن عَلَيْهِ خَمْسَ وَ تِسْعِينَ عَدَداً مِمَّا لَمْ يَكُنْ لَهُ عِدْلٌ وَ لَا شِبْهٌ وَ لاَ كُفْوٌ وَ لاَ قَرِينٌ وَ لاَ مِثْلٌ وَ لَمْ يَخْرُجْ عَنْ حُدُودِ الهاءِ ظُهُورَاتُ اَسْمَائِهِ عِزّاً من اللهِ عَلَيهِ اِلي يَوْمِ الْقِيمَةِ يَوْمَئِذٍ كُلَّمَا صُنِعَ فِي ذَلِكَ فِي الْبَيَانِ فَلْتُفْدُونَ عِنْدَ اَقْدَامِ مَنْ يُظْهِرُهُ اللَّهُ ثُمَّ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ تَسْجُدُونَ اَنْ تَفْتَخِرُونَ بِذَلِكَ اَنْ يَا اُولي الْمَلكِ وَ اِلَّا وَ اللَّهُ غَنِيٌ عَنِ الْعَالَمِينَ.**

**قُلْ الرَّابِعُ مِنْ بَعْدِ العَشْرِ، فَلْتَجْعَلُنَّ مِن اَوْلِ لَيْلِكُمْ اِلي آخِرِ نَهَارِكُم خَمْسَ قِسْمَةٍ ثُمَّ عِنْدَ كُلِّ قِسْمَةٍ لِتُؤَذِّنُونَ فَلْتُبْدِئُنَّ بِهِ اَوَّلَ اللَّيْلِ ثُمَّ فِي الاَوَّلِ تِسْعَةَ عَشَرَ مَرّةً لا إِلهَ اِلَّا اَللَّهُ ثُمَّ عَدَدَ الواحدِ اَللَّهُ اَغْنَي لَتَقُولُونَ ثُمَّ في الثَّانِي تِسْعَةَ عَشَرَ مَرَّةً لاَ إِلَهَ اِلَّا اللَّهُ ثُمَّ عَدَدَ الواحدِ اللَّهُ اَعْلَمْ تَقُولُونَ ثُمَّ فِي الثَّالِثِ تِسْعَةَ عَشَرَ مَرَّةً لَا إِلَهَ اِلَّا اللَّهُ ثُمَّ عَدَدَ الواحِدِ اَللَّهُ اَحْكَم تَقُولُونَ ثُمَّ فِي الرابِعِ تِسْعَةَ عَشَرَ مَرَّةً لَا إِلَهَ اِلَّا اللَّهُ ثُمَّ عَدَدَ الواحِدِ اَللَّهُ اَمْلَك تَقُولُونَ ثُمَّ فِي الْخَامِسِ تِسْعَةَ عَشَرَ مَرَّةً لَا إِلَهَ اِلَّا اللَّهُ ثُمَّ عَدَدَ الْوَاحِدِ اَللَّهُ اَسْلَط تَقُولُونَ وَ كُتِبَ عَلَيْكُمْ اَنْ تُؤَذِّنُونَ في مَكانٍ يَسْمَعُ مَنْ حَوْلَكُمْ وَ اِذَا انْقَطَعَ الصَّوْتُ عَن نَفْسٍ فَيَلزَمَنَّهُ اَنْ يَبْلِغَنَّ اِلَي ما يَؤَذَّنُ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ تِسْعَةَ عَشَرَ مِثْقالاً مِنَ الْقَنْدِ الاَبْيَض الأَعلي لَعَلَّكُمْ تُرَاقِبُونَ اَنفُسَكُم وَ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ لاَتَحْتَجِبُونَ وَ مَن يَكُنْ رَاقِداً لَمْ يَكُنْ عَلَيْهِ مِنْ شَيْءٍ وَ اِنْ يَكُنْ دُونَ رَاقِدٍ فَلْيَكُونَنَّ فِي مَكَانٍ يُسْمَعُ الصَّوْتُ وَ لاَ عَلَيْكُمْ اَنْ تُخْرِجِونَ مِن حُجُرَاتِكُم لِتَسْمَعُونَ الصَّوْتَ بَلْ عَلَي عِلْمِكُم بِما يُوصِلُ اِلي بُيُوتِكُمْ صَوْتُ المُؤَذِّنِ لَيَكْفِيَنَّكُمْ فِي كِتَابِ اللّهِ وَ اِنْ كَبُرَ عَلَي المُؤَذِّنِ فَلْيَقُولَنَّ مَرَّةً شَهِدَ اللَّهُ اَنَّه لا اِلهَ اِلَّا هُوَ وَ اِنَّ مَن يُظْهِرُهُ اللَّهُ لَحَقٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ كُلٌ بِأَمْرِ اللَّهِ مِنْ عِنْدِهِ يُخْلَقُونَ وَ اِنَّا كُلٌ بِما يُنَزِّلُ اللَّهُ عَلَيْهِ لِمُؤْمِنُونَ ذَلِكَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَلَيْهِمْ في اَيّامِ بَردِهِم وَ حِينَ ما لايَسْتَطِيعُونَ اَنْ يُطَوِّلُونَ.**

**قُلْ اِنَّ الخامِسَ مِنْ بَعْدِ العَشْرِ، اِنْ نَسَيتُمْ اَمْراً فِي صَلَوتِكُمْ فَلْتَقضُونَ مَا قَدْ قُضِيَ عَنْكُمْ لَا كُلَّ اَعمالِكُم وَ مِثْلُ ذَلِكَ فِي غَيْرِ صَلَوتِكُمْ اَنْتُمْ بِاَجْزَاءِ قَبْلَ ذَلِكَ ثُمَّ بَعْدَ ذَلِكَ لَا تَلْتَفِتُونَ وَ بِنَفْسِ مَا قَدْ قُضِيَ تَنْظُرُونَ وَ تَقْضُونَ. كُتِبَ عَلِي الَّذِينَ أُوتُوا الْبَيَانَ أَنْ يُحِيطَ عِلمَ أَنفُسِهِم بِما عَلَي الأَرضِ مِن كُلِّ مَلِكٍ وَ بِيْتِهِ وَ كِتَابِهِ وَ حَدِّ مُلكِهِ وَ عَدِّ جُنْدِهِ وَ بَهَاءِ مَا عِنْدَهِ وَ مَا يَكُنْ عِندَهِ مِمَّا لَمْ يَكُنْ لَهُ مِنْ عِدْلٍ لِيَوْمٍ كُلٌّ عَلي اللَّهِ رَبِّهِمْ يُعْرَضُون.**

**قُلْ السَّادِسُ مِنْ بَعْدِ العَشْرِ، فَلَا تَقْتُلُنَّ نَفْساً وَ لَا تَقْطَعُنَّ شَيّاً عَنْ نَفْسٍ اَبداً اِنْ اَنْتُمْ بِاللَّهِ وَ آيَاتِهِ مُؤْمِنُونَ وَ مَنْ يَأْمُرْ ذَلِكَ أَوْ يَفعَلْ أو يَقْدِرْ أَنْ يَمْنَعْ وَ لَمْ يَمْنَعْ اَوْ يَرْضَي فَيَلْزَمَنَّهُ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ أِحْدَي عَشَرَ اَلفَ مِثْقَالٍ مِنْ ذَهَبٍ بِأَنْ يَرِدَنَّ اِلي مَن يُورَثُ عَمَّن قُتِلَ وَ لْيَحْرِمَنَّ عَلَيْهِ كُلُّ قَرِينِهِ تِسْعَةَ عَشَرَ سَنَةً وَ دَلِيلٌ فِي كِتَابِ اللَّهِ أَنَّ كَينونَتَهُ قَدْ خُلِقَتْ عَلَي غَيْرِ مَحَبَّةِ اللَّهِ وَ رِضَائِهِ وَ يَدْخُلُ النَّارَ وَ مِنْ بَعْدِ مَوْتِهِ وَ لَا يَغْفِرُ اللَّهُ لَهُ أَبَداً وَلَكِنْ اِنْ يَتَّبَعَ تِلْكَ الْحُدُودِ يُخَفَّفُ عَنهُ ما قُدِّرَ لَهُ فَلْتَتَّقُنَّ اللَّهَ ثُمَّ تَتَّقُونَ وَ مَنْ يَقتُلُ أَحَداً بِغَيْرِ مَا اَرادَ فَلَمْ يَكُنْ عَلَيْهِ مَنْ شِیءٍ اِلَّا وَ اَنْ يُرْضِينَّ مِن نَفسِهِ وُراثَ ما قُتِلَ وَ لْيَعْتَذِرَنَّ عَنْهُمْ وَ لْيَكُونَنَّ عِندَ اللَّهِ رَبِّه لَمِنَ المُستَغفِرينَ وَ اِنَّ مَثَلُهُ كَمِثْلِ قَضَايَا يَقَعُ عَلَي نَفْسٍ فَلْتَتَّقُنَّ اللّهَ اَنْ يَا كُلَّ نَفْسٍ ثُمَّ تَتَّقُونَ وَ اِنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي اَرْضِ الصَّادِ اِنْ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ آيَاتِهِ اَنْ يَأْخُذُوا دِيَاتِ مَا قُتِلُوا عَنْ وُرَّاثِ مَنْ قَتَلَ بِحُدُودِ مَا قُدَّرَ مِنْ قَبْلُ لَعَلَّكُمْ فِي دِينِ اللَّهِ تَتَّقُونَ وَ مِنْ بَعْدُ لاَ تَقْرَبُون.**

**ثُمَّ السَّابِعُ مِنْ بَعْدِ العَشْرِ، وَ مَنْ يَأْمْرُ اَنْ يُخْرَجَ اَحَدٌ عَن بَيتِهِ اَو مَدِينَتِهِ او قَرْيَتِهِ او مُلْكِ سُلْطَانِهِ فَلْيُحْرَمَنَّ عَلَيْهِ(قَریْنَتُهُ) تِسْعَةَ عَشَرَ شَهْراً وَ لْيَلْزَمَنَّهُ تِسْعَةَ عَشَرَ مِثْقَالاً مِن ذَهَبٍ اَنْ يُرَدَّنَّ اِليهِ حَدّاً في كتابِ اللّهِ لَعَلَّكُم تَتَّقُونَ.**

**قُل الثَّامِنُ مِنْ بَعْدِ العَشْرِ، مَن يَشْرَبْ مُسْكِراً يُرفَعُ عَنْهُ شُعُورُهُ فَلْيَلْزَمَنَّهُ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ خَمْسُ وَ تِسْعِينَ مِثْقَالاً مِنْ ذَهَبٍ وَ لاَ تُشْفَيُنَّ مَرْضاكُمْ بِمُسْكِرٍ اَبداً اِنْ اَنتُم بِاللَّهِ وَ آياتِهِ مُؤْمِنُونَ.**

 **قُل التَّاسِعُ مِنْ بَعْدِ العَشْرِ، مَن يَكْتُبْ حَرْفاً عَلَي مَن يُظْهِرُهُ اللَّهُ اَوْ بِغَيْرِ ما نُزَّلَ فِي الْبَيَانِ قَبْلَ ظُهُورِهِ فَيَلْزَمَنَّهُ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ تِسْعَةَ عَشَرَ مِثْقَالاً مِنْ ذَهَبٍ وَ لَا اَذِنَ اللَّهُ اَحَداً اَنْ يَأْخُذَنَّ عَنْهُ ذلِكَ وَ لَا اَنْ يَسْئَلَنَّ عَنهُ وَ مَنْ يَسئَلَنَّ عَنهُ عَن ذلِكَ الحَدِّ فَليَلْزَمَنَّ عَلَي نَفسِهِ مِثْلَ ذَلِكَ بِمَا قَدْ سَئَلَ بَعْدَ مَا لَا اَذِنَ اللّهُ لَهُ اِنْ يَسْئَلَ فَلْتَتَّقُنَّ اللَّهَ اَنْ لَا تَكتُبُنَّ حَرْفاً عَلَي مَن يُظْهِرُهُ اللَّهُ وَ لاَ بِغَيْرِحُدُودِ مَا نَزَّلَ اللَّهُ قَبْلَ ظُهُورِ الْحَقِّ وَ لَا تَحْكُمُنَّ بَعدَ الظُّهورِ مِثْلَ قَبلِ الظُّهُورِ وَ تَحْسَبُونَ اَنَّكُمْ مُحْسِنُونَ وَ اَنْ لَا تَكْتُبَنَّ لِلحَقِّ فَلَا تَكْتُبُنَّ عَلَي الْحَقِّ مِن شَیءٍ هذا ما وَصَّاكُمُ اللَّهُ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ وَ اِنْ لَا تَنْصُرُونَ مَنْ يُظْهِرُهُ اللَّهُ بِمَا تَكْتُبُونَ لَهُ فَلَا تَحْزَنُونَهُ بِما يُكتَبُ عَلَيهِ فَلْتَتَّقُنَّ اللَّهَ حَقَّ التُّقي لَعَلَّكُمْ يَوْمَ القِيمَةِ عِندَ اللّهِ لَتُنْجُونَ.**

**خطبه تفسیر سوره بقره**

**ص65 بسم الله الرّحمن الرّحیم**

**اَلحمدُ لِلهِ الّذی تجلّی للمکناتِ بِطَراز النّقطَةِ المنفصلة عن لُجّةِ الابداع لها بها الیها الّتی جلّت و علَت قبلَ ما اخترعَت بعدَ ما بَدَعَت منها تحاکَت و منها دَعت و علیها دَلَّت و فیها استقرّت و بها وَجدتِ المشیّةُ قبلَ ذکر الشیئیّةِ و فیها ظهرتِ الرّبوبیّةِ و استقامَت کلُّ العبودیة فهی لاشرقیّةٌ ازلیةٌ و لاغربیّةٌ عدمیّةٌ وجُدت بکینونیتها لا من ابداع قبلها و ذویتَ بانیّتها من دون اختراع یساوقها فتلئلئت و تشابَهَت و تلجلجت فتشاکلت فهی هی اول ذکر من ذاکر بدیع الّذی لا اله الّا هو ،**

**و الحمد لله الذی انشاء الموجوداتِ بطراز الالفِ الغیبیّةِ القائمة فی نفسها الّتی بدعت بعلة النُّقطَةِ قَبلها و انشئاَت بذاتیّةِ المشیّةِ المذکورة فی رتبتها لها بها الیها دامت و دارت قبل ما ذُکِرت بعد ما فقدت منها الیها تلئلئت و عنها بها تلجلجلت و الیها بها تحاکمت و بها تمّت الزّوجیّةِ و خلقتَ الانیةِ و ذکرت المشیّةِ بذکر الهندسةِ الازلیّةِ الاولیّةِ فهیَ هِیَ لاازلیّةٌ اولیّةٌ و لاابدیّةٌ اخریّةٌ بل هیَ هی مشرقة من شمسِ الاحدیة لامعةٌ من عزّ الصّمدانیّةِ باقیةٌ بیقآء الهویّةِ الجبروتیّةٍ فیا هی نعم الطّراز من کینونیّةِ الفِ البیضاً، بعدَ النقطَةِ المُنفَصِلَةِ عن الابداع فهی هی طراز البهآء فی رکنِ الثنآء و هیَ هیَ طرازُ الصّفرآء فی رکن القضآء و هی هی طرازُ البدآء فی رکن الخضرآء و هی هی طرازُ البدآء فی رکن الحمرآء ان قلت حمرآء فطرزتِ الصّفرآءَ بالبیضآء و ان قُلتَ خضراء فَطرزتِ البیضاء بالحمرآء فیا طوبی هی هی محمّرةٌ ازلیّةٌ مبیًّضةٌ صمدیّةٌ مُحضَرةٌ ابدیّةٌ مصفّرةٌ ملکیّةٌ فهی هی تکرارُ النّقطةِ فی الالِف البینونة من مبدع قدیم الذی لا اله الّا هو**

 **و الحمدلله الّذی تجلّی للکائناتِ بطرازِ الباءِ البینونیة المنفصلة من الالف اللیِنتة الطائفةِ حولَ نُقطةِ الابداعیةِ الّتی لها بها الیها وجَدَت و ذَکَرت و دامت و استقامَت و تداخرت و تلاطمتَ و تموجّت و تحرّکت و استقامت و سکنت و استدامت فمنها بها الیها تلئلئت و عنها بها الیها تلجلجت و بها تحاکمت و منها تراضیت و الیها تحاسبت فشهقت و حملّت ثم وضعت کسراتها عریانا نهی هی شقیٌ فی بطنها مایشقی فی باطِنِ الرّابعِ و هیَ هی سعیدٌ فی بطنها من یسعَد فی ظاهر الباطن فیا هی نهم الطّراز فی طمطامِ القضآءِ بعد القدرِ فی الامضآء و قبل البدآء فی البهاء التی جلَّت و تعالَت و علّت و قالت سُبحانک اللهم یا ربّ المشیّةَ و اُختها و خالقِ القدرِ و ابنائها ان تُصلی علی محمد و آل محمّدٍ و افتح اللّهم ابوابَ ذلکَ الکتابِ من نفحاتِ قدسِکَ و علامات قدرتک و دلالاتِ عظِمتکَ و مقاماتِ بهجَتکَ و آیات وحدانیّتک انّک تَمنّ علی من تشآء بذلکَ الکتاب کما تشاءُ بما تشاء و تمنَعَ حکمک من اعرض من ذلک الکتاب بما تشاءکما تشاء بما تشاء لارادَ لامرکَ و لا رَجعَ لحکمک و لانصیب من الخیر لِمن اِحتمل الشّکَ بعدَ ذلک الکتابَ فبحقّکَ لانّک قدبیّنتَ و عظّمتَ و کرّمت و قدّرتَ و احصیتَ و فسرتَ و شرحت کلّ ما اردّت فی حقِّ الامکانِ و ما یمکُن فها بیدی عبدُکَ هذا بعد ذکرالعینِ و اَللّامِ و الیآء محمّد لُجّة الاحدیّةِ من دَخلَ به و یخرُجُ من وجه الاحدیه من یخرج منهُ فلک الحمدُ یا الهی حمدا شعشعانیاً لامعاً متقدِسا متلامعاً متنزّهاً متلَئلئلاً متعالیاً متلجلجلاً بِما تُحبَّ لنفسک و انت تستحق به کفضل نفسک لنفسک حیثُ و لایعلمَ بِذلِکَ احدٌ من خَلقِکَ و اِنَّ منکَ المجد لمحمّد صَلَواتکَ علیهم طهراً طاهراً دائماً لامعاً سرمداً زاکیاً ابدا بتشعشع شُعاع شمس ازلیتِکَ و بَتَلَئلُا تلَتلا وجه صمدانیّتک و بتلجلج بروقِ لمعانِ برق جبروتیتک و بِتقدّسِ تقدیسِ عِزّ کینونیّتکِ کما انتَ تعلمُ فضلُهُم و لن یحیط بعلمهم احدٌ سواکَ اِذ انّکَ قد فضّلَتُهم عَلی الکلّ بفضل نفسکِ و انّکَ رَبّ العزّةَ علی الخلق اجمعین**

**الا یا ایّها النّاظرینَ الی تلکَ الورقآء المشرِقةِ من شجرة السینآء النازلةَ فی صفحات الواح ذلکَ الکتابِ البیضآءِ ان اتّقوا اللهَ و اصمِتوا و لاتقربوا الّذی قدفصِّلت من شجرةٍ اذا نقرَ فی النّاقور و اضآء الِدیجورِ و زالتَ الشّمسَ فی افقِ الظّهورِ فایّاکم ایّاکُم اذا صاحَ الدیک فی ارض العمآء و غنت الطّیورُ فی جو الهوآء و تشهق الطّاوُسُ عند مطلع السّرطانِ فهنالکَ غنتِ الورقاء بالثنآء و جلت النّهار بالضّیآءِ و مطلَعَ الفجرُ بالخیط البدیعة البیضآء و استقامَ علی العرشِ نورٌ کلمة الحمرآء فایّاکم ایّاکم یا اهلَ البیان اذا نشرتِ الاشارةُ من شمسِ البهآءَ و دلّت الدّلالة من امضآء القضاء فحکت المراة فی وجوه الآیاتِ بالبداء فحینبذ زالَ الزَّوال فی منطقةِ الثنا علی الطّورِ السّینآء بالنّورِ المتجلّیةِ الحمرآء فاناذا احشر بین یَدی اللهِ و اقولُ حَسبی اللهُ لا اله الّا هُوَ انا للهِ وَ انّا الیهِ راجعون و ان بمثل ذلک فلیعملِ العامِلونَ فسبحانک اللّهمَّ الّذی ارفَعَ من اقلامِنا الحزنَ و یَدخُلَها فی جنّةِ العدنِ بالثنآءِ لنفسهِ الّلهُمَّ اِنّکَ لتعلَمَ فی یوم الّذی اردت انشاء ذلکَ الکتاب قد رایتُ فی لیلتِهِ بانّ ارضَ المقدسةَ صارت ذرّةً ذرّةً و انّها رُفعت فی الهوآءِ ثمّ جائت کلّها تلقآءَ بیتی ثمّ استقامَت ثمّ جاءَ بعدَ ذلکَ خیرٌ فوَتِ الخلیل العالِمِ الجلیلِ مَعلمی رحمة الله علیه من هُنالِکَ و لَقد اخبرتُ بعضَ النّاسِ قبلَ الخبَ بنومی و صلّی الله علیه بجوده انّا لله و انّا اِلیه راجِعونَ لاحَولَ و لا قوّة الّا باللهِ العلی العظیم.**

**ص70 توقيع يا رساله ذهبيه**

**بسم اللّه الرحمن الرّحيم**

**الحمد لله الواحد الاحد الفرد القهار الصمد الوتر الدّائم الجبار و الحي القيوم المتعال المختار و المقتدر العادل الغفار الذي خلق بامره جوهريات الاسرار للمقربين من الابرار الذين يستقرون علی سرائر الحمراء فوق عرش اللاهوت و يسبحون الله خالق الاسماء و الصفات بما خلق الله فی كينونيات الابرار بحكم الاختيار.**

 **و الحمد لله الذي فتح باب المجرة علی قلوب الصافين من اهل العماء و البشر المحجبين من اهل السناء الذين جعل الله عرفانهم فی حل قصبات الثالثه من اجمة الجبروت و قدر الله لهم دار القرار فيها بنفی الاغيار عن ساحة قرب طلعة ظهور الذات للذات بالذات بسّر العدل فی الاختيار .**

**و الحمد لله الذي نزل الحكم للذين يتكئون علی رفرف الخضر فی اجمة الملكوت و جنات الملك و يعرفون اشارات شجرة القدوس فی ظلال مكفهرات الافريدوس من الكينونيات فی الدلالات و الذاتيات فی المقامات و النفسانيات فی العلامات و الانيات فی الآیات و المتجلجات فی الظهورات و المتلئلئات فی الشئونات و المتقدسات فی البروزات و المتشعشعات فی العكوسات و المتلامعات فی المنقطعات من الواح ياقوت الحمراء ليميزن عند طلوع شمس البهاء من وراء طمطام يم القضاء كل الفجار من اهل الفرار عن الاخيار من اهل القرار و ليعلمن الكل فی تلك الفتنة الصماء الدهماء العمياء البكماء الغبراء الصيلاء الجهناء الطخياء الظلماء حكم البداء بعد القضاء و الامضاء فی نفس القضاء ثم البهاء و الثناء و السناء من اهل الانشاء للآية المتجلية عن طلعة الحمراء من آیه ركن الخضراء ليهلك من هلك عن بينه بما نزل الله فی القرآن فی شان الفجار حيث قال و قوله الحق هذا فليذوقوه حميم و غساق واخر من شكله ازواج هذا فوج مقتحم معكم لامرحبا بهم انهم صالوا النار قالوا بل انتم لامرحبا بكم انتم قدمتموه لنا فبئس القرار قالوا ربنا من قدم لنا هذا فزده عذابا ضعفا فی النار و قالوا ما لنا لانری رجالا كنا نعدهم من الاشرار اتخذناهم سخر يا ام زاغت عنهم الابصار ان ذلك لحق تخاصم اهل النار قل انما انا منذر و ما من اله الا الله الواحد القهار رب السموات و الأرض و ما بينهما العزيز الغفار و يحیی من حي عن بينه بما نزل الله فی الخطاب لمن نادي ربه انی مسنی الشيطان بنصب و عذاب قال و قوله الحق فی فصل الخطاب هذا عطاؤنا فامنن او امسك بغير حساب و ان له عندنا لزلفی و حسن مآب اركض برجلك هذا مغتسل بارد و شراب و خذ بيدك ضغثا فاضرب به و لا تحنث انا وجدناه صابرا نعم العبد انه اواب هذا ذكر و ان للمتقين لحسن مآب جنات عدن مفتحة لهم الأبواب متكئين فيها يدعون بفاكهة كثيرة و شراب و عندهم قاصرات الطرف اتراب هذا ما تدعون ليوم الحساب و ان ذلك ذكر لمن ذكر بما ذكر ربه فی كتابه انما تنذر من اتبع الذكر و خشی الرحمن بالغيب فبشره بمغفرة و اجر كريم**

**فلله الحمد بما اشهدني علی صحف المقربين من الابرار و الواح المستضعفين من الاخيار و ان له الحمد فی ذلك الحين حمدا شعشعانيا لامعا متقدسا منزها عن درك ما سواه بما نزل عليّ الحين فمن هو اعلم به منی و اليه اشكوا ممن لاينصف بذكر الاولی عند آیات الكبری اللهم انك انت الله لا اله الا انت وحدك لا شريك لك قد كنت بلا وجود شيء معك و لاتزال انك كائن بمثل ما كنت و لم يك فی شان فی رتبتك شئ اذ ذاتيتك مقطعة الجوهريات عن العرفان و ان انيتك مسددة الماديات عن البيان و كيف احصی ثناء كبريائك وان ما سواك لم يقدروا ان يعرفوا شيئا مما انت عليه من الشان و الوحدة و الجلال و العظمة و ان كل وصف لطلعة حضرتك افك و كل نعت بغير كبريائيتك كذب لم يزل لن يعرفك شيء و لن يوحدك عبد اذ حق العرفان بعد الاقتران و شان التوحيد بعد الافتراق لم تزل كان واصف نفسك نفسك من دون تحويل و لا تغيير و لا تبديل و لا انتقال و لا تزال ذاتك توحد ذاتك بما لايقدر ان يعرفه احد سواك فسبحانك سبحانك يا الهي ان قلت انت انت فقد حكی المثال بالمثال و انك فی الحين تكذبنی و كل الموجودات بان طلعة انية التی انت ذكرتها فی تلقاء مدين الجلال هی شان الابداع و حظ الاختراع و لم يزل انه هو منزه عن نعت الموجودات و عرفان الممكنات و ان قلت انه هو هو دلت الاحديّة ذات المشية و هی بنفسها منقطعة عنك بابداعها لا من شيء و لايدل الا علی نفسها و لايحكی الا عن انيتها فان كان شان الهاء هو الفناء فكيف اذكر شان الواو فی تلقاء مدين الثناء و انا بعزة ذاتك ما ادعيت توحيد كنهك و لا عرفان ذاتك و لا ثناء كينونيتك و لا مجد نفسانيتك و لا بهاء انيتك بل من يوم الذي خلقتنی نزهتك بان الاشارات منقطعة عن ساحة قدسك و ان الدلالات ممتنعة عن طلعة حضرتك و ان التنزيه و لو كان شانا من الوصف و لكنی بعزتك ما اردتك الا نفی البحت فی تلقاء تجليك فآه­آه من ذكری نفسك و توحيدي ذاتك فاشهدك و من لديك من الاشهاد بانك لو تعذبني جزاء ذكری نفسك سرمد الابد بدوام ذاتك بكّل نقماتك و سطواتك لكنت محمودا فی فعلك و مطاعا فی حكمك و عادلا فی قضائك و اننی انا لكنت مستحقا بذلك من اخذك و ما احاط علمك به مما لايعرفه احد سواك و لما كان حكم اعظم حسناتی لديك فكيف یکون حكم سيئاتی و جريراتی التی لايحيط بها علم احد سواك و ان كلها قد ذوتت من وجود نفسی فها انا ذا يا عادلا في الحكم و يا محمودا فی الفعل القيت نفسی لديك و استشفعت بجنابك لديك و هربت من عدلك اليك و ارجوا عفوك منك وحدك لا شريك لك فادخلنی يا الهي علی بساط قرب حضرتك حتی لا اري معبودا غيرك و انسی كل معروف سواك و استقر فی حرم قدسك و استلذ بذكر ربوبيتك و استغفرك من كل شيء يحجبنی عن طلعة جمالك فيا الهي هب لی ذروة الانقطاع اليك و بلاغ الامتناع لديك و الحقنی بنور الابهج من عزك و ارفعنی الی جوار انسك حتی لا احزن فی الدنيا من الذين لايرجون ايامك و لايخافون من عذابك و لايرضون بقضائك و انك يا الهي لتعلم بانی ما احب ان احب بما تحب و لا ان ابغض الا بما تبغض و قد احاط علمك بي و انك شاهد علی باني ما اردت بشيء يتوجهون اليه اهل السبحات و ما اري شرفا و عزا الا بذكرك يا موجد الاسماء و الصفات و لقد حدثت الناس بنعمتك التی انعمت عليّ ما لايوت به احد من شيعة ائمة العدل و وفيت بعهدك و ان الان لتری حكم كل حزب بما لديهم فرحون فيوما يرفع بعوضه جناحيه لاظهار قدرته و يوما يطير ذبابة فی هواء ملكه لاظهار قوته و انك لتعلم لو انی اردت ان اعلم الكل بما يريدون و لايتذكرون فلايكفهم مداد الابحر لان الحق عندك و كل من ارادك بمثل نورك ظاهر باهر و اننی انا اقل من ذرّ لاتحصی علمك ادنی من نفسی فكيف لا اصبر و انك بما انت عليه من الشأن و القدرة و الجلال و العظمة قد صبرت بما افتري النصاري بانه ثالث ثلثه و ما قالت اليهود بان عزير ابن الله و ما قالت الاعراب بان الله فقير و نحن اغنياء فقلت و قولك الحق سنكتب ما قالوا و قتلهم الانبياء بغير حق و نقول ذوقوا عذاب الحريق و انك يا الهي لتعلم ان قول الذين يقولون فی حقی ما لا قدرت فی علم الغيب لي و لا اذنت لهم لدی لافك محض و لايضرنی جحد من جحدني ان انت ترضی عنی بل ان الذين يجحدون آیاتك لو يعلمون بما انت مددت لهم ليقولون يا حسرتا علی ما فرطت فی جنب الله فياليتنی مت قبل هذا و كنت نسيا منسيا اللهم لا راد لقضائك و لا نفاذ لآیاتك فانزل اللهّم علی الذين يريدون ان يجحدوا اوليائك كلمة الانصاف ليحجبهم عن الفناء فی تلقاء مدين يم الثناء و اهد منهم ما تشاء كما تشاء اذ قلت و قولك الحق يمحو الله ما يشاء و يثبت و عنده ام الكتاب اللهم انی استغفرك من الذين يريدون وجهك و اشتبهت السبيل علی انفسهم بان تعرفهم منهاج محبتك و تؤيدهم عرفان باب رحمانيتك و لاتقبضهم الا و تطمئن افئدتهم بثنائك و قلوبهم بذكرك و نفوسهم بعفوك انك انت الله عماد السموات و الارض و انك انت الله جمال السموات و الارض و انك جلال السموات و الارض و انك انت الله بهاء السموات و الارض و لا يتعاظم قدرتك شيء فی السموات و لا فی الأرض و انك انت العزيز الرّحيم و اشهد يا الهی فی ذلك الحين لكل ما تحبّ كما تحب و لكل ما تسخط كما تسخط و اقول بما نزلت فی القرآن لا اله الا انت سبحانك انی كنت من الظالمين و انی اشهدك يا الهي باننی الان اسُمی هذه النسخة المباركة ذهبيه لتخلص الدلالات عن ذكر الاشارات فی تلقاء الجلال و يجذبها الی ساحة القدس و الجمال.**

 **و بعد يا أيها الجواد المرسل ماء المداد فی الالواح السّداد من الذي أراد الارشاد لاهل البلاد الی طلعة الفواد و سرّ الايجاد ان اتق الله من حكم رب العباد فان يوم الفصل هو الميعاد و انه هو لم يعرفنی و لايرانی و لو اطلع بما الهمنی الله و أراد حق الخالص لايجعل كلمات الفرار للاشارات عن دار القرار ببينة الآیات فو الذي نفسی بيده ان قول الذي انه حكی فی كتابه من ابناء جنسه باتیان المثل افك و كذب و بهتان و زور فما لك و ذلك الكذب من قولهم كبرت كلمة تخرج من افواههم ان يقولون الا كذبا فلعلك باخع نفسك الی آثارهم ان لم يؤمنوا بهذا الحديث اسفا الا ان العدوان علی الظالمين و ان لعنة الله علی الكاذبين و انه هو بنفسه مع كبر شانه الذي ذكر فی غيابة كلماته و عظم مقامه الذي اشار فی دلالات عباراته قد كتب جزوين بلا دليل و لم يات بآیه بديعة من الفطرة كانه هو لم يلتفت بشانها و لايتذكر بحكمتها قل يا ايها الانسان انصف في بين يدی الله و لا تتبع اهواء الذين كفروا فانك اليوم لما اردت المبارزه فی ميدان الجدال فارم اليّ ما استطعت بكل قوتك و صيصيتك و قدرتك فان اليوم كل الطير لايرقی اليّ و انی احاج معك بحكم الذي نزلنا فی جواب خطابك من قبل لو جعلت الدليل ذكر الروايات بمثل ما فعلت فی كتابك فانی فو عزة ربك قد كتبت اكثر منك فی كتب المعروفة و ان جعلت الدليل الفصاحة فی الخطبة المذكورة فانی فو ربك قد انشات خطبا لم يذكرها احد من قبل و لم يقدر اليوم احد كما الی الان قد جرت من قلمی ستة ثلاثين صحيفة فی المناجات و الخطب و الإشارات القدوسيه و العلامات السبوحية و المقامات الافريدوسيه و الآیات الجرسوميه و ان جعلت الدّليل الدريات فی بيان الإشارات فی مقامات اللاهوت و الجبروت و الملكوت و الناسوت فانی الله يعلم قد ذكرت اكثر منك بشان لم يقدر احد ان يعرفه الا من شاءالله و ان اردت ان تطلع به فاقرء صحف الدّعوات فان بها يميز روح المناجات عن ذكر الحكايات و ان جعلت الدليل كثرة البيان فانی فو عزة ربك لاقدر ان اكتب فی ستة ساعات صحيفة محكمة بدون تامل و سكون قلم فی الاظهار كما ثبت الميزان بين ايدی رجال الاعيان فمن اليوم يقدر بذلك او جاء احد من قبل و ان ذلك كان حجة الكبري لمن اراد ان يتذكر او يخشی و ان جعلت الدليل سبل الرياضات و الجذبات فان الله يقدر ان يبلغ عبدا الی مقام غآیه الامكان و فيض الايجاد و بدون تلك الاسباب لانه يفعل ما يشاء كما يشاء و ان قولی بذلك مسامحة فی ذكر الاستدلال و الا ان الشرف تلك المقامات هو البلاغ لمقام عرفان تجلی الذات فمن بلغه الله بغير تلك الأسباب لا حاجة له بهما و ان جعلت الدليل حب الله و سر الربانيه و هيكل الصمدانيه و النور الالهيه و الصورة الانزعيه المتنزهة عن آثار بلدة الخبيثه و الصفات القدسيه و الظهورات القيومية و الشئونات الملكية و الدلالات الجبروتية و المقامات اللاهوتية و التلجلجات الرحمانية و التلئلئات الالهية و البروزات الكينونية و التجليات الذاتية و النفحات السرمدية و ما خلق الله من ورائها فی عالم اللانهاية الی ما لانهاية لها بها اليها اللّه لشهيد عليّ و جعل لكل حق حقيقة و لكل ثواب نورا و انت اليوم تعلم ان ابناء جنسك من العرفاء من اهل تلك الأرض و دونها كل يدعون ذلك المقام بعد ما ان بعضهم يجحد بعضا و كذلك الحكم فی الشريعه ان اليوم كل الفقهاء يدعون مقام الحكم و يجعلون بنصّ الحجة جحد انفسهم جحد الله سبحانه مع ان بعضهم يلعن بعضا و انت بحق من كان حقه عليك اعظم من كلّ شيء فانصف ل تتامل فمن اين يحقق الحق و يبطل الباطل مع ان كل حزب بما لديهم فرحون لو تريد بجحد احد فتجحده و تجعل ادلاء نفسك آیات القرآن و احاديث اهل البيان و ظهورات جذبات الانسان و انه لما اراد ان يجحدك فيجحدك بمثلك بالادلاء المشيرة و ان الحق لا شك فی امره انه لو خلص عند احد لم يكذبه احد و الباطل لاريب فی حكمه بانه لو لم يمزجه بالحق لم يصدقه فاعوذ بالله القهار من شر كل شيطان هماز الذي اعرض من آیات الجبار بكلمات الفجار و ان اليوم انی اري مقام بعض المشركين فی الايمان ادنی من مبلغ كفر فرعون لانه لما اراد ان يجحد حجة ربّه اتی بشيء من السحر و انهم مع انهم لم يقدروا ان ياتوا فكذبوا الحق و جعلوا انفسهم من قوم بور جاهلين و لاتخطر ببالك يا ايهاالانسان ان من ذكر اشاراتی للذين انت تعلم مقامهم و تطلع بفعالهم عبادا فی المحبة فانی كما انه كتب قوله عرفته ذا صدق و لكن احبّ ان يرحم عليّ بانصافه بان اليوم هل يثبت الحق بغير ميزان ام لا فلا شك بذلك ان امر الحق له ميزان من عندالله و الا لم يغلب الحق علی الباطل و ان امر الذي كان من عند الله قد نزل الله معه علامات لاتشتبه بغيره و لايقدر ان يكسبه احد من عباده فان كان شان آیات التی اكرمنی الله و جعلها حجتی شانا يمكن بالتكسب فان الان قد مضت ثلاثة سنة كيف لم يكتسب احد بان يقدر ان يقرء آیه بالفطرة و انك يا ايها الانسان فكر لمحة ان حروف الهجائية يكون بيد الكل و ان الذي يكلم و يقول لو اجتمع الكل علی ان ياتوا بمثل كلماته لن يقدروا و لن ياتوا و ان يقدروا فكيف لن ياتوا و لم ياتوا فكيف لم يصدقوا امر الله فسبحان الله عما يشركون فانت انصف يا ايها الناظر ان اليوم انك تصلی باحكام آیات القرآن و تصوم و تحج و تنكح بها فكيف اليوم انت تجحد امرا جعله الله للذين كفروا بائمة الدين من قبل و ان اليوم لامفر لمن آمن بالقرآن الا بان يصدق تلك الآیات و لكن لاتشتبه الامر علی نفسك بان حكم تلك الآیات مثل القرآن لا و ربك ان وجودي و آثاري كلها معدومة عند حرف من القرآن و الادعية الماثورة من آل البيان و الاحاديث المشرقة من شموس الامكان و ان لا وجود لي الا فی رتبتی و لا نصيب لي الا فی مقامي و ان الله كما جعل الارواح معاني الاجسام فكذلك قد خلق الله المعاني أرواح الالفاظ و علی الكل فرض بان يميزوا بين كلمات اهل سلسلة الثمانية لان كلمه سلسلة الثانيه عرض و شبح بالنسبة الی السلسلة الاوليه فانظر الی ذلك المراة نزل الله فی القرآن الم و ان رسول الله كتب الم و ان الائمة كتبوا تلك الكلمة بمثله و ان اليوم انت تكتب تلك الكلمه و ان الصور عند الذين لايشهدون حكم الواقعي واحدة مع ان صورة الم الذي انت تكتبه معدوم عند الم الذي كتبوه آل الله و كذلك الحكم فی مقام الم الذي كتبه رسول الله فی تلقاء ما نزله الله فی القرآن و ان علي ذلك المنهج البيضاء اشركوا اكثر الناس بآیات ربهم و لعدم علمهم بتلك الرتبه لم يقدروا ان يميزوا بين تلك الآیات و آیات القرآن و لذا ثقلت علی صدورهم اكبر من خلق السموات و الأرض وانهم ان ينظروا بالواقع ليشاهدوا الامر في مقام العدل و يميزوا بين كلمات العدل و الفضل و انك يا ايّها السائل ان اعرف ما ايدناك و اعلم بان الله قد احتج فی كتابه بقوله لمن اراد ان يجحد حجته فاتوا بحديث مثله ان كانوا صادقين و انك ان كنت صادقا لم تات ابدا و ان الكاذب لو لم يات لم يك فی مقام الجحد نافعا و علی التفسير الذي قال العسكري فی شرح البقرة فسّر الحكم بان يكون امّيا بمثل رسول الله و من لم يك اميا فليس اتیانه بحجة و اننی انا اقول للكل اننی انا نات بالفطرة و القدرة كلماتا لو اجتمع الكل علی ان ياتوا بمثلها لن ياتوا و من يقدر ان ياتی بآیه بالفطرة فرض عليه الی ما لانهاية بما لانهاية لان امر الذي كان مبدئه من الله لم يعجزه صاحبه و لايقدر احد ان يقاومه و ان كل الاعتراضات فی كتابك سفسطة محضه لان الدليل هو الذي القيت اليك و ان تحب ان تري كلمات الحجية فی مقام الميزان فاقرء عند حبيبك فان بها يحق الله الحق و يبطل الباطل و لو كره المشركون و ان ما ذكرت لك فی تلك الاشارات هو شان اهل السبحات و لكن حكم اهل الجلال فی عالم الحد لم يظهر الا ببيان و كلام كما نزل الله القرآن لذلك و ان ما انه ذكر فی كتابه بان اليوم ليس الحجة البيان بل ان الحجة هی الاظهار بالقوة عما يعجز الناس عنه فلم يفرق بين ذلك الحكم قوله لان التصرف فی كل شيء الي ما لانهاية بما لانهاية لها بها هو جسد و شان الاجسام بل اليوم لو ان احدا يتصرف فی قلبك او جسدك او جحارة او فی الحروف بشان لايقدر احد لم يتفاوت فی الحكم و انت ان تصف بصرك و تدق نظرك لتعرف فی حكم تلك الآیه افمن كان علی بينة من ربّه و فی غيره قول الله عز ذكره قل لو كان عندي ما تستعجلون به لقضی الامر بيني و بينكم و اللّه اعلم بالظالمين و ان لكل حرف من كتابه ان اردت بيانه لتفنی البحور ان كان علی صراط الحب الذی هو اصل للايمان و شجرة الايقان و ان اردت بشان ابطال اقوال الظانين و المكذبين المفترين فلكل حرف منهم ادلاء ما لانهاية الی ما لانهاية حيث يعرف الناظر الی لجة بحر الاحدية كل ذلك بعين اليقين و اننی انا اشير لكل مطلب منه رشحا خفيفا لئلا يجترح احد بعد ذلك علی امرالله و يجعله عند نفسه هينا و هو عنداللّه عظيم و لكن ما اردت رد كلمات التی جعلها منشيها هدية لك بل انّه اجل مقاما من ان يشتبه عليه تلك الاشارات بل كلما كتب فی حكم العلامات ما اراد الا قول الذين يقولون من الناس بشهادة ما كتب فی كتابه هذا و اننی انا لما نحب الا ان يثبت الحق بالحق و يبطل الباطل بالحق افسّر بعض ما ذكر من قول الذين يقولون ما لايتفقهون ليكون حجة للمؤمنين و كلمة بالغة للموحدين و آیه للخاشعين و نقمة للمعرضين فها انا ذا بعد اثبات الامر بانه كلما كتب لاينفع فی مقام ميدان الجدال لانه لو كتب صفحة او آیه بشان الآیات لي ليكون فی مقام الاستدلال لا نفع من ان يكثر الكلام و لايستغني و انت يا ايها الانسان فارم اليه فی تلقاء المبارزه بمثل ما انه رمی فی حقك لان بغيره لايثبت الحق و يكثر الكلام و عليك يا ايها الناظر بالانصاف و الحب فان ذلك حكم الدين و لاتصعب علی نفسك الامر و فكر فی مقام الميزان ان استطعت بالمبارزه فخذ القلم و اجره علی الالواح و الا شان الجواب فی مقام العلم بكلمات اهل الرسوم لاينفع احدا و لو كان حقا و انی ما كتبت ذلك الكتاب لك فی مقام الميزان و لا احتج به باحد من اهل البيان و لكن لما اشتبهت علی نفسه امر الحق و اراد ان يتذكر و تهتدی لاقول ان كل الشبهات اهل الجمال و اعتراضات اهل النقل يرجع بصحة الميزان و عجز اهل البيان انظر بطرف اليقين فان ما اشرت بان ذلك شان مثل علماء المسلمين فی علومهم فهيهات هيهات من ظنك فكيف تبدل روح الملائكه فی نفسك بروح الحيوانية انی ما جعلت علم الاكسير حجتی و لا علم الهندسة برهاني بل جعلت الحجة شيئا باذن الله لن يقدر احد ان يفر عنها الا ان يعرض من قبلها و انت ان تريد ان تقول فيها شيئا ففرض عليك بان تقول فی آیات الرحمن من قبل لان حجتی هي القدرة التی ناطقة من الفطرة بآیات التی لو اجتمع الكل علی ان ياتوا بمثلها لن يقدروا او ان انت تريد ان تقول كيف و لم و بم فات بآیه ان كنت من الصادقين فان ذلك حجة دين الإسلام فی احتجاج القرآن علی جميع الملل المشركة و انت لاتفر من ذلك القسطاس فانه الميزان عند البيان و هو ميزان الذي نزل الله علی محمد رسول الله و ان به يثبت امر التوحيد و النبوة و الولاية و احكام الحقيقه و الطريقة و الشريعة و انت اليوم تجادل به فدع سبل الدلايل و اعرج الی مبدء الدليل الذي به تثبت النبوة و الولاية و الشريعة و هو الكلام الذي نزل الله علی حبيبه و ان دليل حجته هو عجز ما سواه و لا عرفانه لانك لن تقدر ان تعرف الفصاحة الواقعيه الجارية من خزائن الفطرة و كلما نزلت نفسك من الآیات و العلامات و العبارات و الاشارات هي فيها لطخ لكثرة ظهور الكثرات فی نفسك بل ان حجته كتاب الرحمن قد ثبت بعجز الكل لا بعرفانه و انك يا ايها الناظر الي تجليات سماء الفردوس لاتصغر امري فان القدرة من ورائها محيطه و انت مع مجاهدتك قد كتبت سطرين فی آخر خطبتك و هی بعض سطر منها محض آیه القرآن و غيرها مركبة غير فصيحة قد وقع منه بفصاحة الواقعية حرفان و ان ذلك كلمة غير الفطرة لا سواها و ان ما ذكرت من لحن القول و عدم الربط هي من جهل الناس كما قالوا فصحاء الاعراب من قبل بان القسطاس و التنور و السجيل كلمات اعجمية و ان بعض الكلمات قصص الإولية و ان ما بين آیه و السماء رفعها و و ضع الميزان ليس ربط ظاهرية و ان فيها نزلت غير قواعد عربيه مثل قوله عند ذكره و كلمه منه اسمه المسيح ثم قوله و انها لاحدی الكبر ثم قوله ان هذان لساحران و كل كفروا باللّه فيما قالوا لان الميزان هو ما نزل الله فی القرآن و ليس اهواء المعتدين من القوم و ان اليوم علماء الاعجمين لاشك ليس عندهم فصاحة فطريه مثل الاعراب فلما انهم قالوا ما قالوا فلا عجب من قولهم و لكن الفرق انهم اليوم مومنون بها و ان الذين استهزؤا بها فی صدر الاسلام كانوا كافرين بها ان اتق الله يا ايها الانسان و فكر لمحة فی ميزان البيان فانی ما اردت ان انسخ شريعة و لا ازيد عليها حرفا بل باذن الله اظهرت نعمة التی انعمها عليّ ليهلك الذين كفروا بائمة العدل بحجة حق مثل ما آمنوا بمحمد رسول الله و يرجع اختلافات الدين الی نقطة واحدة و يكون الكل بذلك من المسلمين فو ربّك ان الذين يفترون عليّ غير حكم القرآن و سبيل اهل البيان و لو كان بقدر حرف فاولئك هم اصحاب النار فی كتاب الله و اولئك هم الخاسرون و لو انت تطلع بما اكتسبت يداك فی كتابك لتضج ضجيجا لايسكنه شيء لان عليا ع قال من احتمل ذنبا فكانما احتمل كل الذنوب و اي ذنب هو اكبر من الكذب من عند الناس عليّ بغير بينة فلعن الله الذين يقدرون ان ياتوا بحديث ما نزلنا فی الكتاب و لم ياتوا او يعلمون ان احد من اهل الارض ليقدر بذلك و لم يظهروا و الله يشهد علی كل­شئ ولكن اكثر الناس لايشكرون فكيف اظهر ادلاء الحقه لبطلان الذين افتروا عليّ فاننی انا قلت قولا هذا بان علی الله حقا لو لم يكن المدعی ناطقا من عنده بان يبطل حجته بمثل ما جعل المدعي حجة و انت فو ربك فانصف ان هذا القول هل ينكره احد من اولی الالباب بل انها مسلمة عند الكل فلم ادر ان المجذوب المحبوب عندك فكيف يقايس و يعارض بذكر الكاذبة مع ان بعد المناسبة لايحصی احد لا من جهة الدعوي و لا الحجة و لا البيان لانه ادعي امرا كان دعواه مكذبة و لا له حجة يعجز كل الناس عنه و ان الله قد ابطله بظهور آیاته و بيناته و ان اليوم ليست الدعوي الا نفس العبودية مع ان ذكر العبودية عند اهل الحقيقه ذنب عظيم لان لا وجود لحقيقتی عند الحجة حتی أكون عبده ولكن فی مقام التجلی و ذكر المتجلی لا ادعيت الا العبودية المحضه و كل اسماء الخير فی رتبتها هی صفة لها و ان شان المؤمن كما صرح فی الاخبار هو ان لايوصف كما ان الحجة لايوصف و انت لو تريد ان تعمل بقسمی فی الكتاب و تفرغ فوادي بالخطاب فانصف اوّلا و دع كثرة العبارات فان بها يحجب المطلب فان ثبت الميزان ليصح به كل الشئونات و ان لم تثبت فانی لا اجعل المناجات و لا الخطب و لا العلوم و لا الظهورات الكليه حجة لمثلك و لو كان كل ما يظهر منی لما كنت امّيا من تلك الدلالات ليكون حجة علی العالمين جميعا و لاتضطرب من قهر الكلمات فانی قد تركت المراء و لا احب مع ما كان الحق معی ان اجادل مع احد لانی باليقين لاری لايقدر ان يقوم معي فی شان كلمات الحجية التی تجري من لجة بحر الفطرة و طمطام يم القدرة احد و لو يتفكرون فيما يقولون لينصفون و يعتذرون و ان ما ذكر فی مقام روح المناجات هو لب المطلب لكن قد اشتبه عليه فی اخذ النتيجه و ان الحق فی ذلك المقام الاعلی و المنظر الكبرى هو ظهور الذي لا اسم له و لا رسم و لا له بيان و لا شان انقطعت الجوهريات عن جنابه و امتنعت الماديات عن خطابه لانه هو مقام صرف تجلی الذات فی طلعة البحت و الحضرة البات و ان الذين يصلون بفضل الله الی ذلك النور الابهج البيضاء و الشجرة الالهية الحمراء و الدرية الاولية الصفراء و الورقة الازلية الخضراء ليقولون ما قال علي ع في خطبه التطنجیه رايت الله و الفردوس رای العين و انهم لايريدون الا روية طلعة المتجلی لهم بهم بالابداع كما صرح بذلك حديث الذي قال عز ذكره لما انه سئل من الله عز و جل هل يراه المومنون يوم القيمة قال نعم و قد راوه قبل يوم القيمة فقيل متی قال حين قال لهم الست بربكم قالوا بلي ثم سكت ساعة ثم قال و ان المومنين ليرونه فی الدنيا قبل يوم القيمة الست تراه فی رتبتك هذا قيل فاحدثه بهذا عنك فقال لا فانك اذا حدثت به فانكره منكر جاهل بمعنی ما تقول ثم قدر ان ذلك تشبيه كفر و ليست الروية بالقلب كالروية بالعين تعالی الله عما يصفه المشبهون و الملحدون و هم قوم لايواريهم الحجبات و لايعارضهم الاشارات و لايساوقهم العلامات لو يرقدون علی التراب ليشهدون عرش الجلال و لايدلون فی شان الا عن الله ذی الجلال و الجمال و لايسكنون الا به و لاينطقون الا عنه و لايرون رجاء و لا خوفا و لا ذكر الا ذكر الله الاعظم الاجل الاكرم بل انهم هم المنزهون عن ذكر الاسماء و الصفات من غيرهم فسبحان الله رب العرش عما يصفون و ان ذلك رشح من علم ذلك المقام و انه فی اخذ النتيجه جعل آثار ذلك المقام من الكلمات حق الماء فتعالی الله رب الانشاء من حكم القضاء و البداء فكيف ما فعلوا آل الله بعد ان لايشك احد فی ذلك المقام لهم حق صحيفة العلوية و السجادية حق الماء بل قرؤها و امروا الكل بقرائتها و ان كان الامر عندك كذلك فكيف انه ما عمل بمثل ما كتب مع انه عند نفسه احق بذلك المقام الاعلی من غيره لا و ربك ان مقام روح المناجات لم يثبت عند الخلق الا بتلك المناجات و من لم يقدر ان يناجي ربه بمثل تلك الدعوات فما بلغ الی ذلك المقام لان اولی الالباب لايعلم ما هنالك الا بما هيهنا قل فانشا صحيفه من مقام روح المناجات بالفطرة بين يدی بمثل ما اني انشات بين ايدی الاشهاد و كفی بالله عليّ شهيدا و ان ما انه ذكر بان صاحبك ما اطلع بعلم الا بنفی الاسماء و الصفات عن ساحة قدس الذات فو ربك لقال حق محض و ارجوا الله ان يصلح امره بذكره ذلك المقام مع انه ما اراد الا نفي الذكر من جهة الاثبات و ان ذلك لهو الشرف الكبري و الحظ الاوفی عندي و ان به افتخر علی كل الذرات مما خلقها الله فی رتبتی لان اصل الدين هو معرفة الله و ان المعرفة تصعد و تخلص حتی بلغ الی منتهاه فی ذلك المقام كما قال علی ع كمال التوحيد نفی الصفات عنه بشهادة ان كل الموصوف غير صفة و بشهادتهما بالتثنية الممتنعة عنه الازل و ان ذلك لهو مقام كاف المستديرة علی نفسها حيث ادب الكل علی ع فی الخطبة المعروفة باليتیمية ان قلت مم هو فقد باين الاشياء كلها فهو هو و ان قلت هو هو فالهاء و الواو من كلامه صفة استدلال عليه لاصفة تكشف له و ان قلت له حد فالحد لغيره و ان قلت الهواء نسبته فالهواء من صنعه رجع من الوصف الی الوصف و عمی القلب عن الفهم و الفهم عن الادراك و الادراك عن الاستنباط و دام الملك في الملك فی الملك و انتهی المخلوق الی مثله و الجاه الطلب الی شكله و هجم له الفحص الی العجز و البيان علی الفقد و الجحد علی الياس و البلاغ علی القطع و السبيل مسدود و الطلب مردود دليله آیاته و وجوده اثباته و من نظر فی اشارات تلك الخطبة اليتيمية الغراء الناطقة من شجرة الثناء ليشهد بان وصف الممكن هو الممكن و ان نعت المفتقر هو المفتقر و ان الملك يدوم فی الملك و ان بذلك الشان قال الرضا ع انما تحد الادوات انفسها و تشير الآلات الی نظائرها و فی الاشياء يوجد فعالها الی آخر الحديث و ليس لاحد شرف فی الامكان الا بعلم القطع فی بحبوحة تجلی البحت و من لم يذق ذلك الماء لا حظ له فی التوحيد و لا سبيل له فی مقام التجريد و ان اكثر حكماء الاشراقيين و المشائين و الصدرائيين و الالهيين قد ذلت اقدامهم فی بيان ذلك المقام و قد اشتبهت عليهم آیات تجليات الابداع بطلعة الذات و لذا ذهبوا بالقول الباطل فی اعيان الثابتة فی الذات لاثبات علمه سبحانه و بذكر بسيط الحقيقه فی اثبات علية الذات و بذكر الربط بين الذات و الافعال و الصفات و بذكر وحدة الوجود بين الموجد و المفقود و ان كل ذلك شرك محض عند آل الله ائمة العدل لان الله لم يزل كان عالما بلا وجود شيء بمثل ما انه كان حيا و كما انه لايحتاج فی حياته بوجود غيره فلايحتاج فی علمه بوجود معلوم و ان الذات لم يزل لن يقترن مع شيء و ان عليّة الممكنات هی كانت صنعه و هی المشية التی قد خلقها الله لها بها بنفسها من دون ان يمسها نار من الذات و خلق الله الموجودات بها و هي لم يزل لايحكی الا علی نفسها و لايدل الا علی ذاتيتها و ليس لله فی الامكان آیه تدل علی ذاته لان كينونيته مفرقة الكينونيات عن العرفان و ان ذاتيته ممتنعة الذاتيات عن البيان و ان نسبة المشية الیه فهي بمثل نسبة البيت الی الله و هي نسبة تشريف الی الابداع لا الی الذات اذ انه مقدسة عن ذكر الاشارات و النسب و الدلالات و العلامات و المقامات و التجليات و النفحات اليه و انه كما هو عليه لن يعرفه الا هو و ان القول بوحدة الوجود و ذكر بسيط الحقيقه مشهود عند اهل العهود بطلانه لان الذي لم يك معه غيره فكيف يمكن ان يقول الكلام فی وجوده بل الإشارات فی عالم اللاهوت و الجبروت و الملكوت و الملك هي لمكنسة القلوب و النفوس و ما يخطر فی الاوهام و كل وصف للّه من دونه افك و كذب لان غيره لم يك عنده و لايذكر فی رتبته و لا له وجود معه حتی احرف القول بالوحدة و لقد ابسطت الدلايل فی النسخة الالفين فی بيان سر الهاء لابطال قول هولاء الرجال و ان مبدء ذكر هذا القول هو فصل من محیي الدين اجل الله فی نقمته كما ذكر فی الفصوص و ان ذلك شرك محض عند اهل البطون و ان وصف الله لنفسه ثم وصف آل الله سلام الله عليهم و اهل البيان لله هو وصف غايه الإمكان للرحمن بان يصفه الانسان بالتقديس عن ذكر الاسماء و الصفات كما اشار علي بن الحسين فی دعائه لابي حمزة الثمالی الهي بك عرفتك و انت دللتنی عليك و دعوتنی اليك و لولا انت لم ادر ما انت و اشار اباه الشهيد روحي فداه فی مقام ظهور نوره و بروز طلعته فی قوله حيث قال عز ذكره الغيرك من الظهور ما ليس لك حتی يكون هو المظهر لك متی غبت حتی تحتاج الی دليل يدل عليك و متی بعدت حتی تكون الآثار هی التی توصل اليك عميت عين لاتراك و لاتزال عليها رقيبا و خسرت صفقة عبد لم تجعل له من حبك نصيبا و انك يا الهي لتعلم ما اردت فی ذكر تلك الاشارات الا ما انت فرضت عليّ في حكم المقامات لئلا يشتبه الحق بالباطل و لايظن احد فی حقی دون حبّی لك و ان ذكری آیات التحديد انك لتعلم ما قصدت الا لاظهار حجتك و ابطال ظن الظانين بالسوء عليّ مع انی قد ذكرت آیات رحمتك اكثر منها فاغفر اللهم لي و لمن اراد دينك الخالّص و لمن نزل الهدية الی حبيبی فی لجة الفؤاد و له و لمن يلاحظ اثر المداد فی تلك الالواح و تعفو عنی ما لاتحب ان نذكره فی تلقاء الجلال بمنك وجودك و رحمتك يا ذا الجلال و الاكرام اللهم انك لتعلم ان وجودي ذنب فكيف اذا اكتسب الذنب ذنبا آخر ولكن لما وعدت بان تبدل سيئات المومنين بالحسنات فاسئلك اللهم ان تلهم لمن اراد ان يجحد حكمك لحبه فی رضاك كلمة الصبر و العفو فانی لا طاقة لي بان استمع من احد حرف لا و اليك افوض امري يا ذا الجلال و الاكرام و سبحان الله رب العرش عما يصفون و سلام علی المرسلين و الحمد للّه ربّ العالمين. انتهی**

**ص99 تفسیر حرف هاء(هو)**

**بسم الله الرحمن الرحیم**

**الحمد لله الذي جعل طرز الواح الابداع طراز الالف القائم بین الحرفین الذي لاح و اشرق بما استشفق و استنطق ثم جعله الله آیة لنفسه بنفسه من دون ان یمسه نار من کینونیته فقد شیئت من قبل ان عینت و قضت من بعد قدرت و امضت حین ما قضت ثم اجلت و اذنت و احکمت ثم ملاءت بها الآفاق.**

 **و الحمد لله الذي قد تکعب ذلک الحرف بالحرفین بما لاح ما لاح من نور شمس الازل التي عینت بعد ما شیئت و قضت بعد ما قدرت و اذنت حین ما اجلت و احصیت ثم بها تجلي علي من في ملکوت الامر و الخلق حتي تاب من صعق في الطور الاول ثم افاق.**

**و الحمد لله الذي قد اتصل بامره بین ذلک الحرف بوجود النقطة تحت الباء ثم بخلق الباء بعد الالف لیمیز بین الکل بما هم علیه من الامر و یسعد من یسعد بما وفي بالمیثاق و یشقي من یشقي بما اتبع هواه و ینسی یوم المیثاق‌ فان یومئد یکشف الساق بالساق و یفصل الله بین الکل بما اکتسبت ایدیهم و ما الله ربک بظلام للعباد و انه لیجزي الکل بما عملت ایدیهم في یوم التلاق.**

**و الحمد لله الذي اشرق ما اطلع و الاح نور ما فتق بین الاجواء من عالم العماء لیدفن بعد صفة طیر القضاء في اجمة اللاهوت و دیک الثناء في اجمة الجبروت و طاوس البهاء في اجمة الملک و الملکوت لیتلجلجن بغنائه علي اغصان شجرة‌ الظهور و رناته في عساکر نحل الطور کل شيء‌ في رتبته و لیسمعن ضجیج مالاح عن نور صبح الازل کل ما وقع علیه اسم ماجل و دق.**

 **و الحمد لله الذي استشرق ما استنطق و استشفق ما استشرق و الاح و استفرق و استشهق و استنفق و جعل له حکم ورقة التي جلت و علت بعد ما خشعت و ذکت و خضعت و عظمت و تلئلئت و تلجلجت و تفارفت و تقارنت و تعاونت و تعاکست و تقابلت و تفاصلت بما استقامت و افادت و استدرات و اضائت و استبانت و ارادت و استباکت و اقامت و استلجلجت و الاحت و استنعرت و اقالت و استشهقت و انارت و استصعقت و افاقت و قالت بمثل حوت متبلبل في التراب لا اله الا انت سبحانک تبت الیک و انا اول التائبین.**

 **و بعد فقد نزل للذاکر ذکر البدیع من ذي الحسب الشامخ الرفیع و ذي الشرف الباذخ المنیع ما کان هذا صورته فی الکتاب .**

**هو العزیز سیدي من علي بکشف الستر عن وجه الامر باي وجه ترید فان الحال قد اشتد علي و لیس و الله مقصودي الا کشف الحال. و انا ذا بین یدي الله اقول سلام الله علیک بما طلعت شمس الابداع بالابداع و بما غربت شمس الاختراع بالاختراع قد قرئت ما نزلت من سحاب سماء مشیتک و عرفت ما اشرت في بواطن مستسرات آیاتک کانک اردت ان تکشف بکشف السر عن وجه المستور الا ما هو المستور فی السطور کان بین یدک بمثل رق منشور و ان کان السر سرا یمکن ان یکشف عن وجهه حجاب المستور فانه هو في بین السطور مکشوف عند طلعتک بمثل نور الظهور و ان کان سر مجلل لاینفعه الا السر و لایفیده الا الستر و لایکشف عن وجهه غوامض الاشارة في الامر فکیف یمکن ان اشیر الیه و ان اول رتبة کشفه هو نفي الاشارة عنه و لیس لي الیوم لذلک السر کشف و لا امر و لا سبب الا ما ادب علي‌ کمیل النخعي في دعاء الخضر رب اغفر لمن لایملک الا الدعاء فانک فعال لما تشاء یا من اسمه دواء و ذکره شفاء و طاعته غني ارحم من راس ما له الرجاء و سلاحه البکاء یا سابغ النعم و یا دافع النقم و یا نور المستوحشین في الظلم یا عالم ما لایعلم صل علي محمد و آل محمد و افعل بنا ما انت اهله انک اهل التقوي و اهل المغفره و لما کان لکل حرف من کتابک في سبیل العلم ظواهر و بواطن بما لانهایة الی ما لا نهایة لها اشیر برشح مثل ما یطفح من بحر الاکسیر بما اکرمني الله بمنه و لو اني لاعلم ان تلک القواعد المسطوره و الاشارات المعلومه عند جنابک مکشوفة ولکن عسي الله ان ینزل في بواطن الاشارات ما یجری من قلم المداد بما یجذبک الي ساحة القدس و الفواد و استغفر الله عما یحصي الکتاب في بین یدي‌ الرحمن و انا لله و انا الي ربنا لمنقلبون یا الهي‌ کیف اثنی ثنائک و انطق بین یدي طلعة کبریائک و انت لم تزل کنت بلا وصف شيء و لاتزال انک کائن بلا نعت شيء لن یعرفک بما انت علیه احد و لن یوصفک بما انت اهله شيء اذ ذاتیتک مقطعة الجواهریات عن البیان و انیتک مسددة‌ الکینونیات عن العرفان ان قلت انت انت فقد حکت المثال بالمثال و انک في الحین تکذبني بل کل الممکنات بان من وجد بحکم الابداع فکیف یقدر ان یذکر ما لا ینعت بوصف الاختراع و ان قلت انه هو هو فقد دلت الاحدیة ذات مشیتک و حکم الولایة کینونة ارادتک و هي منقطعة عنک بابداعک لا من شيء و ممتنعة عن عرفانک باحتیاجها في کل ان من شيء فکلما اصعد الیک ما اري لنفسي بلاغا الا الی الهبوط الي الیاس و المنع و کلما اصمت و استغفر ما اجد الا ذنبا اعظم من ذنب الاول فبعزتک و جلالتک ما اري‌ السبیل و لا اجد المقام للدلیل و انک رب غفور جلیل فاغفر لي‌ فانک انت الغفور الرحیم اللهم اني اشهدک بما تشهد لنفسک و تشهد لما یحصي کتابک بما قد احاط علمک و بما نزل علي الان في کتاب مسطور و رق منشور من کتاب ذي حکم مشهور بما اراد ان یکشف سر المستور و یتلجلج بما تجلي علي الطور فی افق الظهور و یشرب ماء الکوثر الطهور في تلک الظلمات الصماء الصیلم الدیجور بما یعرف من قسطاس البیان من رب غفور من یدي عبد الذي جعله المعتدین في ذلک الیوم في بیت مستور رب لایعزب من علمک شيء و لایتعاظمک شی في‌ السموات و الارض شيء و انک بکل­شيء علیم و علی کل­شيء قدیر فثبت اللهم قلبه علي دینک بما شئت و اني شئت انک انت العزیز المقتدر فیا ایها الانسان قد شهدت بما جري من مدادک و عرفت ما اردت في اشارات کلامک و لا شک ان الله هو مرادک و الا ان الیوم لاینقطع مثلک الي مثلي الا من شاءالله ان یؤیده بامره و یجعله من حفاظ حکمه ولکن لما اجد تقلب حالک و اضطرب سرک لامر ربک قد تلاطم بحر سکوني لحبي لک و خلوص عملک لله بارئک لما اري الحجاب بیني و بینک ولکن ارجوا من الله سبحانه ان یقضي لي ما اراد و یسکنني بوعده انه جواد رحیم.**

 **فیا ایها المتعارج الي معارج الحقایق و الناظر الي تلک السبحات الدقایق ان الذي انت اردته في الحال هو شان الجلال في المبدء و المال و ان الحقیقه لن تدرک الا بنفي ما سواها و ان جوهریات آیات العلم لم ینفع لمن اراد مقام ربه في نفي السبحات و الاشارات و العلامات و الدلالات کما صرح بذلک قول من سکن في لجه الاسماء و الصفات بان الحقیقه هو کشف السبحات من غیر اشارة و ان تلک الرتبة موجودة في غیبک و حضرتک بل لا ظهور لک الا به و لما ان ذهلت العقول من حکماء الصدرائیین و زلت الاقدام من بعض حکماء الالهیین في بیان ذلک المقام فانني انا اشیر بدلیل الحکمة في حقیقة ذلک الصنع الاکبر و هو ان الله لم یزل کان و لم یک معه شيء و ان الان کان الله بمثل ما کان لم یک في رتبته شيء و من ادعي معرفته بوجود غیره یبطل عرفانه لانه لم یزل لن یقترن بخلقه و لایوصف بعباده و من اراد ان یوحده ففي الحین لیشرک بنفسه لانه کما هو علیه لم یعرفه غیره حتي یوحده و لایوحده سواه حتي یعرفه و ان کلما ادعي عباده المقربون في معرفته هي کانت معرفة ابداعه الذي تجلي له به في‌مقام ملکه و هي حق معرفة الممکن في‌ الامکان و انه لم یزل لایصعد الي ساحة قدس موجده کما صرح بذلک علي علیه السلام في خطبة الیتیمیه ان قلت مم هو فقد باین الاشیاء کلها فهو هو و ان قلت هو هو فالهاء و الواو من کلامه صفة استدلال علیه لا صفة تکشف له و ان قلت له حد فالحد لغیره و ان قلت الهواء نسبته فالهواء من صنعه رجع من الوصف الي الوصف و عمي القلب عن الفهم و الفهم عن الادراک و الادراک عن الاستنباط و دام الملک في الملک انتهي المخلوق الي مثله و الجاه الطلب الي شکله و هجم له الفحص الي العجز و البیان علي الفقد و الجهد علي الیاس و البلاغ علي‌ القطع و السبیل مسدود و الطلب مردود دلیله آیاته و وجوده اثباته و ان الله خلق المشیة لا من شيء بنفسها ثم خلق بها کل ما وقع علیه اسم شيء و ان العلة لوجودها هي نفسها لا سواها و ان الذي ذهب من ان الذات هو کان علة الابداع اشرک بربه من حیث لایعلم لانه کما هو علیه لن یقترن بشيء و لا وجود لشيء معه و لقد ثبت في الحکمة بان یکون فرض بین العلة و المعلول حکم المشابهة و لذا قال الامام ان علة الاشیاء صنعه و هو لا علة ‌له و قد ذلت اقدام بعض الحکماء في بیان ذلک المقام بما یعتقدون امرا ما لا اراد الله في الکتاب عسي الله ان یعفو عنهم بفضله انه غفور رحیم و ان الذي ذهب بالربط بین الحق و الخلق فقد اتبع هواه بمثل ما اتبع الاول و ان ذلک في مذهب اهل العصمة خطاء لان الربط ان کان هو الذات فلیس في مذهب آل الله بحق و انه هو شرک بحکم ما قرئت علیک من قبل و ان کان خلق لا حاجة عند اهل البیان باثباته و لذا قال الامام علیه السلام حق و خلق لا ثالث بینهما و لا ثالث غیر هما و ان ذلک مشهود عند من اشهده الله خلق السموات و الارض ثم خلق نفسه و کفي بالله علي شهیدا و ان الذي ذهب بالاعیان الثابتة فی الذات لاثبات علمه تعالی کما ذهب الکل الا من شاء الله شرک محض في مذهب آل الله لان ذکر الغیریة بوجودها شاهدة بالتفریق و دالة بالتقطیع و ان الله هو الصمد الذي لم یزل کان علي حالة واحدة فان کان الاعیان هو نفس الذات لم یزل لایتغیر و لایمکن التوحید لاحد حتي لنفسه و ان کل اشیاه الجوهریات لا وجود لها مع الله عز و ذکره فاعوذ بالله مما ذهب محیي الدین الاعرابي اجل الله في نقمة و ان الله هو الصمد الذي لم یلد و لم یولد و لم یکن له في الخلق مثال و لا له دلیل في الامکان لان الدلیل دلیل لمن لایدل بذاته لذاته و ان النعت وصف لمن لایوصف بنفسه لنفسه فسبحان الله عما افتري المشبهون في وحدة الوجود و ما یشهد الله علي کلمة ابعد من قولهم لان ذکر المفقود فرع الموجود و ان الذات هو لم یزل خلو من خلقه و خلقه حین وجدوا لا ذکر لهم عنده و ان الذي اضطرت الحکماء بذکر اعیان الثابته و الحقیقة البسیطة هو المقام اثباتهم في علم الله سبحانه و تعالي و ان اثبات علم الله من الخلق کذب و افک لان الله لم یزل کان علمه لنفسه و ما کان معلوم معه و لایعلم کیف هو الا هو فمن اراد ان یعرف علمه ففي الحین لیکفر بربه لان الذي وجد حقیقته بابداعه الذي بدع لا من شيء افکیف یقدر ان یعرف علم ربه و هم لم یزل کان عالما و لم یک معه شيء و الا لیکون عالما و لم یک في رتبته شيء و ان ذکر القدرة‌ و العلم و کل الاسماء و الصفات آیات لخلقه و مکنسة لاوهام عباده الا یشکوا في بارئهم بشيء و ان علمه هو ذاته خلو من خلقه و لا یقدر ان یحیط بعلمه احد و ان علمه الذي نسب الي نفسه و استدل المستدلون في مقام عدله هو حقیقة الابداع و ان نسبتها الیه هي نسبته التشریف بمثل نسبتها الابداع الیه و الا اذا نظرت یا ایها الناظر بالمنظر الاعلي و الساکن في‌ افق الکبري بطرف الحقیقة لیس لله وصف دون ذاته و لا نعت دون جنابه و انه عالم بکل­شيء بما هو شيء من الکلیات و الجزئیات و الجواهریات و العرضیات بعد خلقها بمثل یوم الذي لم یخلقها و هو عالم بها لان العلم هو الحیات فکما ان الله سبحانه هو حي في ازل الازل و لا حاجة في اثبات حیاته بوجود ذی حي فکان عالما بکل­شيء من دون ان یکون معروفا فسبحانه و تعالي کان عالما لم یزل و لا معلوم و ان الان کان الله بمثل ما کان یکون عالم بکل­شيء و لا وجود لمعلوم في رتبته و ان حقیقة العلم في مقام الممکن هو المعلوم کما صرح به الصادق علیه السلام في قوله حیث قال عز ذکره العلم تمام المعلوم و القدرة و العزة تمام الفعل و لو لم یکن کلیات الحکمة تامة في بطونها و تامة في ظهورها لم یکن الحکمة تامة من الحکیم و لو کان قادرا و اذا لاحظت بالبیان او عرفت حقیقة ما في الکیان بذکر البیان لتؤقن بان سر الحقیقة التي وردت في الاخبار و بها یتفاصل العلماء في بیان الاسرار هي‌ آیة مخلوقة حادثة تجلي الله لها بها و جعلها آیة لنفسه لیتلجلج بها الي معرفته و یبلغ بها الي حقیقة ما یمکن في الامکان من فیض الله و هي‌ آیة حادثة بمثل احرف لا اله الا الله کما انها تدل علي الله و هي حروف مجتمعه و کذلک آیة حقیقتک اذا کشفت عنها السبحات و الاشارات و دخلت بیت الجلال بمحو العیان و صحو المقام و جذب الاحدیة و السکون في البحر الصمدیه فقد بلغت الي غایة فیض الله في‌ الامکان و ما اجد لفیض الله تعطیلا و ان امر الذي نزلت جنابک في الکتاب بالرحمة هو سر التکلیف و منتهي مقام التعریف و اني‌ لو اردت ان افسر حرفا من اشاراتک لتفني کل الابحر بالمدادیه لان الله قد خلق فی کل­شيء حکم کل­شيء و ان الذي هو الله سبحانه ایده بفضله لم یحجبه شيء في السموات و لا في الارض من حکم شيء .**

**و ان حرف الاول من کتابک هو حرف الهاء و انا ذا اشیر في تفسیره ما کتب الله لي و اسئل من جنابک العفو عن غیره و هو ان حرف الهاء هو رتبة خامس ظهورات التوحید و شئونات التجرید و هو حرف التوحید في الفواد لما دار في هیاکل الاربعه بالمشاهدة الاربعه ظهر حرف الکاف و هو اول کلمة الامر الذي به قام کل­شيء و ان الله سبحانه خلق مقامات التوحید في حرف الهاء و ان منها مقام النقطة و هو مقام محمد رسول الله حیث قد سکن في مقام التوحید من الابداع لا بقي لنفسه ذکرا دونه و انه في هذا المقام منفرد عن الشبه و متعالي عن المثل و منقطع عنه کل ذي وصل و فصل و هو مقام الذي اختصه الله لحبیبه و اختاره لنبیه و جعله في هذه المقام مقام نفسه في الاداء اذ کان الله لم یزل لایقترن بجعل الاشیاء و هو الواقف في مقام توحید الحقي الذي لایمکن في‌ الامکان لاحد سواه و لا لغیره نصیب مما اکرمه الله و هداه و هو في ذلک المقام الفقر البحت البات و صرف الظهور في مقام التراب و لذا افتخر روحي و من في ملکوت الامر و الخلق فداه بفقره لمن في ملکوت الاسماء و الصفات و هذا مقام ذکر الحقیقة التي لایواریها الحجبات و لایعادلها الدلالات و لایفارقها العلامات و لایقارنها شيء من الآیات جل مبدعه لم تر عین الاختراع بمثل محمد رسول الله في الانشاء و کل ما قال في وصفه سواء هو کذب في ساحة قدسه و افک لجلال تنزیهه و هو کما قال الله في لیة المعراج انت الحبیب و انت المحبوب و قال بنفسه في حقه ما یعرفني الا الله و انت یا علي و قال علي علیه السلام في حقه في خطبة یوم الغدیر و الجمعة و اشهد ان محمدا عبده و رسوله استخلصه في القدم علي سایر الامم منفرد عن التشابه و التشاکل عن ابناء الجنس و المثل اقامه مقامه في سایر عوالمه في الاداء اذ کان لاتدرکه الابصار و لاتحویه خواطر الافکار و هو یدرک الابصار و هو اللطیف الخبیر و ان ذلک مقام المشیة في الامکان حیث قد تجلي الله لها بها لنفسها و جعلها آیة ملکه و لیتعبر المتعبرون في ذکر الاسماء حسني و صفات علیا و کل ذلک منقطعة عن جنابه و ممتنعة عن مقامه فهو کما هو لایعلم کیف هو الا الله الذي خلقه فسبحان الله عما یصفون.**

 **و منها مقام الف اللیینه و سر الازلیه و القصبة اللاهوتیة و الورقة الجبروتیة و الشجرة الملکوتیة و الولایة الکلیة التي یوحد الله ربه في مرات الثاني و لیس في الامکان بعد مقام محمد رسول الله توحید واقعی الا لعلي علیه السلام و کل ما سواه یوحدون الله بمثل النملة بل استغفر الله عن ذلک التحدید الکبیر لا وجود لتوحید غیره لدیه حیث قال بنفسه عز ذکره في‌ آخر خطبة انا المعني الذي لایقع علیه اسم و لا شبه و انا باب حطة و لا حول و لا قوة الا بالله العلي العظیم و انه هو روحي‌ فداه کما شهد بذلک سید الاکبر لایعرفه الا الله و نفسه و کفي في فضله لولاه لم یک مثله و سبحان الله موجده عما یصفون.**

 **و منها مقام توحید الف المبسوطة و هی مقام احرف لا اله الا هو احد عشر نفسا ائمة العدل عباد المکرمون الذین لایعملون الا بامر الله و هم من خشیته یشفقون و انهم لیوحدون الله بمرات علي علیه السلام و لا یصل الیهم غیرهم و ان ما سواهم عندهم لیذکرون بما هم یوحدون و کفي في ذکر فضلهم ما طلع من ناحیة المقدسة الي عثمان ابن محمد العمري في زیارة آل الله حیث قال بنفسه عن ذکره القضاء المثبت ما استاثرت به مشیتکم و المحو ما لا استاثرت به سنتکم و ان کل ذکر یذکره غیرهم افک لحضرتهم و کذب في قدرتهم ولکن الله لما کان عادته هو الاحسان و شان الامکان هو العجز و البیان قد قبل الله في حق اولیائه تلک الاسماء المقدسه جودا بفضله و الا لا نصیب لاحد في معرفتهم و لاحظ لشيء في ذکرهم و سبحان الله موجدهم عما یصفون.**

 **و منها مقام حروف المجتمعه و هي مقام توحید فاطمه صلوات الله علیها و انها هي تحکي‌ عن الله و تدل علي الله بما تجلي الله لها بها بمرایاء معدودة و ان بنورها قد وجدت حقایق الانبیاء و ذوت بها جواهر ذاتیات الاوصیاء من اولیاء الله و رسله و لانصیب لمن کان في‌ دونها من الانبیاء و الاوصیاء عن توحیدها و ان عمل جسمها هو ازکي و ارفع من عمل افئدة‌ النبیین و جوهریات الوصیین و لایعرفها کما هي اهلها الا الله و احرف التوحید و سبحان الله عما یصفون و منها مقام الکلمات و هو مقام توحید الانبیاء و المومنین من الانس حیث یدلون علي الله بظل نور جسد فاطمة صلوات الله علیها و یدخلون بحر الاحدیه و لجة الصمدانیة و عرش الجلال و العظمة بفاضل ذکر فاطمه صلوات الله علیها و لیس لاحد ممن سواهم حظا في توحیدهم و عرفانهم لله سبحانه و انهم الکروبیون الذین قال الصادق في شانهم انهم قوم من شیعتنا من الخلق الاول جعلهم الله خلف العرش لو قسم نور واحد منهم علي اهل الارض لکفاهم و لما سئل موسي ربه ما سئل امر رجلا منهم فتجلي له بقدر سم الابره فدک الجبل و خر موسي صعقا و ان تلک المراتب الخمسة هي ترجع الي نفي التوحید عن التوحید و ان کان لکل تلک المراتب مقامات اربعة التي ترجع الي نقطة واحدة فمنها توحید الذات بانه کما هو هو لن یعرفه الا هو و لن یدل علیه الا هو و لایقدر احد ان یقول انه هو هو الا هو لان ما سواه لو قال وصفا یشیر الي مقام نفسه و یحکي عن حدود هندسة و هو کما هو علیه لا اسم له و لا صفة و لایدل علیه شيء اذ الدلالة فرع الاقتران و کل یصفون انفسهم و لیستدلون في آیاتهم بنعت حقایقهم سبحان الله عما یصفون.**

 **و منها توحید الصفات بان لاصفة لله دون ذاته و لا له اسم دون جنابه بشهادة ذاته ذاته بانه لم یک موصوفا بصفات خلقه و بشهادة خلقه خلقه بان الصفة بشهادة نفسها نفسها مردودة الي مقام الحد و ان وجود الوصف بنفسه اعظم دلیل لاصفة لله و لانعت و کل الاسماء سمة لمشیته و کل الامثال مثل لارادته و کل الصفات علامات لجبروتیته و کل الدلالات مقامات لکبریائیته فسبحان الله و تعالي قد وصف نفسه بان لا وصف له و وصف نفسه لخلقه بما نزل في کتابه لیعرفوه به و یعبدوه و لایشرکون بعبادته احدا.**

 **و منها توحید الافعال و ان في ذلک المقام ذلت اقدام الکل في معرفة الامر بین الامرین الذي‌ هو سر القدر و به یوحد العباد موجدهم في مقام الافعال و کل من بین مسئلة القدر من الجبر و التفویض حیث قد اعترف کل الحکماء العجز في بیان حقیقة ذلک المسئلة و ان ذلک لهو الامر في الواقع لان الحکماء ارادوا ان یبینوا امرالله في بین الامرین بدلیل العقل و ان ذلک ممتنع لان العقل في منتهي مقام تجرده لایدرک الا شیئا محدودا و ان لم یبلغ العبد الي ذروة حظ الفواد فلا مفر لمن استقر علي کرسي سلطنة العقل بان یعترف بالتفویض او الجبر اذ ما سوي ذلک الذي هو الامر بین الامرین و المنزلة الاوسع عن ما بین سماء القابلیات و الارض المقبولات لایدرک الا الفواد الذي خلقه الله لمعرفة توحیده و تنزیهه و به یوحد الله في مقام الافعال و یوقن العبد بحقیقة تلک الآیة من العلي المتعال فهل من خالق غیرکم یدعوکم الي الله ان کنتم تعقلون هذا خلق الله فاروني ماذا خلق الذین من دونه بل الظالمون فی ظلال مبین و من دون ذلک المشعر لم یدرک العبد ما وجب علیه في‌ الحکمة و لذا قال الامام ان القدر سر من سر الله و حرز من حرز الله مرفوع في حجاب الله مطوي عن خلق الله مختوم بخاتم الله سابق فی علم الله و منع الله عن العباد علمه و رفع فوق شهاداتهم و مبلغ عقولهم لانهم لاینالونه بحقیقة الربانیة و لا بقدرة الصمدانیة و لابعظمة النورانیة و لا بعزة الوحدانیة بحر ذاخر مواج خالص لله عزوجل عمقه ما بین السماء و الارض عرضه ما بین المشرق و المغرب اسود کاللیل الدامس الکثیر الحیات و الحیتان یعلو مرة و یسفل اخري في قعره شمس تضي لاینبغي ان یطلع علیها الا الواحد الفرد فمن تطلع علیها فقد ضاد الله عز وجل في حکمه و نازعه في سلطانه و کشف عن سره و ستره و باؤ بغضب من الله و ماویه جهنم و بئس المصیر و ان سر الامر هو ان لایري احد ظهور فعل الله بما هو علیه الا نفس تجلي اختیارات الاشیاء بما هو علیه و ما هم سائرون الي ما لانهایة بما لانهایة لها و لایري نور الا نوره و لا حکم الا حکمه لان لایوجد شيء في السموات و لا في الارض الا بمراتب سبعة التي هي مقامات آل الله سلام الله علیهم و ان العبد في حین الفعل هو یفعل بفعل القدر من لدن خبیر علیم و ان الله سبحانه کان عالما باختیارات الکل و ما هم سائرون و علي ذلک یجزیهم وصفهم و یعطیهم حقهم و ان ذلک الاختیار هي مساوق وجود الشيء و لایوجد شيء الا باختیاره لان حین وجود الاختیار لما قال الله تعالي الست بربکم لو لم یکن مختارا لم یقل بلي او لا و کذلک الحکم فی کل شأن و في کل امر و ان الناظر لو ینظر بالحقیقة لایری تجلي نفس الست بربکم الا في نفسه بذکر بلي او في ظهور بذکر لا و هو سر و لایرون مؤثرا الا الله و لا یشهدون بامر الا بامر الله و لایعبدون معه شيء و لایعتقدون في حق آل الله تفویضا و لا تعطیلا بل ان الله هو لم یزل یبدع ما یشاء‌ بما یشاء و لیس له شریک في فعله و لا ولي بالذل في امره و هو کما هو علیه في فعله لایعلم کیف هو الا هو و لقد ادب الله في القرآن بقوله عز ذکره ما اصابک من حسنة فمن الله و ما اصابک من سیئة فمن نفسک و ارسلناک للناس رسولا و کفي بالله شهیدا ثم قوله عز ذکره قل کل من عند الله و ان ذلک لهو السر في توحید الافعال و لاینزل الله آیة في ذکر ذلک البیان اکمل و اتم من کلمة لاحول و لاقوة الا بالله سبحان الله عما یصفون و منها توحید العبادة حیث قال الله عز ذکره قل انما انا بشر مثلکم یوحي الي انما الهکم اله واحد فمن کان یرجوا لقاء ربه فلیعمل عملا صالحا و لایشرک بعبادة ربه احدا و ان ذلک التوحید هو بعینها توحید الذات و الصفات و الافعال فمن وحد الله بتوحید الذات فقد وحده بما وصف له نفسه في مقام الصفات و الافعال و العبادة و من عبدالله بوصف او اسم فلم یعبده و کان مشرکا و من عبده بذکر نفسه فهو بمثل الاول مشرک و من عبد الله بما وصف نفسه باسمائه و صفاته التي نزل الله في کتابه فقد عبده بما یمکن في حق الا مکان و الا کما انه هو علیه و یستحق به لم یعرفه احد غیره حتي یعبده و هو لم یزل لایوصف بالآیات و لاینعت بالعلامات و لایدل علیه احد سواه و ان العبد لم یعبد الله بشيء بمثل ما یشاهد في امر الله حکم البداء‌ و انه له في کتاب الله مقامین بداء عدل و هو لایفارق ذات شيء و لایامن منه شيء و هو امر الله الذي یخاف منه کل­شيء و لو اراد الله ان یهلک کل من خلق فبذلک البداء فیهلک في‌ الحین و لامرد لارادته و لایسئل احد من فعله و لا راد لقضائه و لا هندسة لمشیته یفعل ما یشاء بما یشا و لایتعاظمه شيء في السموات و لا في الارض و هو العزیز الحکیم و بداء فضل في رتبة القضاء و هو فضل و احسان للمؤمنین حیث یبدل الله سیئاتهم بالحسنات و یمحو الله عن صحایف اعمالهم حدود الجریرات و یمن علي من یشاء بما یشاء و هو الغني الحمید و ان تلک المراتب الاربعة هو في الحقیقة تجلي واحد في مقامات خمسة و ان في رتبة الخامس التي یوحد الانبیاء و الناس و المؤمنین و الملائکة هو ما اشار الصادق علیه السلام في قوله حیث قال عز ذکره نحن اصل کل خیر و من فروعنا التوحید و کل بر لان التوحید الذي یوحد الله به ما سواي الائمه سلام الله علیهم هی قد ذوتت من تجلي جسم فاطمه صلوات الله علیها و لذا نسب الامام بامره لانه اول مقام الفعل و کشف عن هذا المقام بمقامات توحید الاربعة قوله عز ذکره ان امرنا هو السر و سر السر و سر المستسر بالسر و سر مقنع بالسر و سر لایفیده الا السر ثم قوله عز ذکره بان امرنا هو الحق و حق الحق و هو الظاهر و ظاهر الظاهر و باطن الباطن و هو السر و سر السر و سر المستسر و السر المقنع بالسر و ان کل ذلک في مقامات الحدود و سبیل المحدود و الا للمنقطعین الي الله في لجة الاحدیه و الساکنین علي عرش العزة و الصمدانیة ان السر المستسر المسطور هو الآیة الظاهرة المشهورة و ان الغیب عندهم هو نفس الشهادة و لایعرفهم في المقام احد غیر الله و هم قوم لاینظرون الي شيء الا بنظر الرب و لایحکمون بشيء الا بحکمه و لا یبدلون حکما الا باذنه و اولئک هم سفراء الدین و ارکان الیقین و لولا هم لم ینزل الماء من السماء و لایخرج النبات من الارض رزقني‌ الله مرافقتهم في جنات عدن و من صلح من آبائهم و ذریاتهم بفضله انه عزیز غفور و لقد اشرنا في غیاهب تلک الاشارات ان امر الذي انت اردت لن یخلص الا بنفي الاشارات بل ان الحجاب لکان الطف من ذلک و ان مرات الحقیقة ادق من تلک الزجاجة و ان نفي الاشارة هو شان من الاشارة و انت الیوم لو لم تلق ما في یمینک و الشمائل من سبحات الدقایق و اشارات الرقایق لم تقدر ان تسلک الي الله في ارض کثیب الاحمر و ان علي مثل جنابک ذلک الشان صعب مستصعب لان ظلمات کلمات اهل السبحات قد احاطت باطنک و لو کان ان تلک السیئة عن مثلک حسنات للمؤمنین و خیرات للمستوحشین ولکن لما اردت ذلک المسلک الاکبر و الموقف الاعظم اجترحت علی مثل جنابک بذکر الکلمات لتجذبک نفحات قدس الي ذروة الصفات و یخلصک تلک الاشارات عما ادرکت نفسک من اشارات اهل السبحات و انک حین توجهک بالله رب الارباب تکشف الاشارة و السبحات و العلامات و المقامات و تدخل حین الغفلة منها عرش الجلال و ان ذلک المقام مع عظم امره و کبر شائه لکان اقرب من لمح البصر و الطف من قرب النظر و ان ذلک لهو الشرف لمن کان بالمنظر الاکبر و اقترب حکم الساعة و انشق القمر و ان الله قد جعل الشرف في علم ذلک المقام و العمل في حوله کما اشار الصادق فی قول نفسه عز ذکره حین سئل عن رویة الله في دار الآخرة فقال بل یروه المؤمنون قبل یوم القیمة قیل فکیف ذلک قال حین قال الست بربکم ثم کشف الغطاء و قال ا و لست تراه في وقتک هذا و اشار علي في خطبة الطتنجیة حیث قال و قوله الحق رایت الله و الفردوس راي العین و قد اراد روحي فداه من رویته رویة تجلیة له به في کل حین حیث بین الصادق فی قوله عز ذکره في حدیث المشهور العبودیة جوهرة کنهها الربوبیه الي ان قال موجود في غیبتک و حضرتک و اشار اباه الشهید روحي فداه في دعائه یوم العرفه الغیرک من الظهور ما لیس لک حتی یکون هو المظهر لک متی غبت حتی تحتاج الی دلیل یدل علیک و متی بعدت حتی تکون الآثار هی التی توصل الیک عمیت عین لاتراک و لاتزال علیها رقیبا و خسرت صفقة عبد لم تجعل له من حبک نصیبا و ان ذلک المقام لهو منتهي حظ الامکان في نقطة الاقتران حیث تجلي الله للعبد له به في کل الان بما هو من العزة و الجلال و انک یا ایها الناظر الي وجه الجلال عظم امر الله في نفسک و لاحظ رحمة ربک فیک بان احتیاجک في کل شان لکان بمثل احتیاجک في بدء وجودک الذي من قبل لم یکن مذکورا و ان الله تجلي لک بک في کل حین بمثل تجلیه في یوم الاول لان احتیاج المدد من العبد لم یزل لن یرفع و ان الله في کل شان یتجلي لکل شان بکل شان بمثل تجلیه لهم بهم في یوم الاول بل ان الانسان لو شاهد سر الحقیقة یشاهد نفسه بل کل شئوناته کخلق یوم الاول و لایري في شان نورا الا نوره و لا حکما الا بعدله و لا بلاء الا بقضائه و لا بداء الا بامضائه بل لو استقام العبد علي ذلک الشان یجری علیه احکام الربوبیة بمثل ما نزل في حدیث القدسی ما زال العبد یتقرب الي بالنوافل حتي احبه فاذا احببته کنت سمعه الذي یسمع به و بصره الذي یبصر به و یده التي یبطش بها ان دعاني اجبته و ان سئلني اعطیته و ان سکت عني ابتدئته و کذلک کان کل شئوناته في السر و العلانیة فکان علي حکم ذلک نفسه نفسه و فعله فعله و امره امره و نهیه نهیه و طاعته طاعته و معصیته معصیته و محبته محبته و کذلک کلما نسب الیه بمثل نسبه بیت الحرام الي الله من دون تشبیه لان المشبه به کان عین المشبه کما نطق بذلک سر الحدیث تجلي لها بها فالقي في هویتها مثاله فاظهر عنها افعاله فیا طوبي لمن رفعه الله الیه و خلصه من شئونات نفسه و جریرات ایامه و احفظه علي کرسي توحیده من ان لایري احدا سواه لا یستلذ بشيء من دون ذکره و لایستانس باحد دون قرب جواره و لایري عزا الا في رضائه و لا سخطا الا في عقابه و لا روحا الا في بهائه و لا سکونا الا في ثنائه و انت یا ایها الجلیل لتعرف سبل الذکر و الدلیل و لا اخاف علیک اذا استانست في ساحة القدس برب جلیل و ان الامر بذلک اللطافة التي لایحصیها احد الا الله اذ احتجبت عنه باشارة لتبعد منه ما لایعلمه احد الا الله کما حین سئل الکمیل عن علي علیه السلام اطرده روحي فداه بما سئل عنه لان المسئول عنه هو اقرب الیه منه و من لم یر نور الذي قد احاط سره و علانیته بحیث لم یک نورا سواه فکیف یقدر ان یري الحقیقة بالحقیقة و یشاهد سر الصمدانیة بالنور الازلیة و ان ذالک مشهود عند مثل جنابک بمثل هذا الشمس في نقطة الزوال و لما علم الله ان بعض الناس لمحبتهم بذلک المقام الذي من قام فیه قام بامر الله خلق للناظرین الي وجهه في ازل الازال و المستقرین عنده في کل ان آیات و علامات التي بها یمیز من یشتبه علي‌ انفسهم ذلک المقام بمن هو قائم بالیقین في المسجد الحرام لئلا یبعد الناس من انوار سبحات عزته و یعرف الکل تجلیات عز قدرته و لایقول احد لو عرفني الله آیاته لکنت من الشاکرین فاذا ایقنت بذلک الامر انظر بالدلیل و اصبر علي آیات الجلیل فان سر هذ البحر عمیق عمیق و حکم ذلک السر انیق انیق و ان حجاب ذلک الامر دقیق دقیق و ان شئونات ذلک العبد رقیق رقیق و لما اردت في ذلک المقام بذکر القسطاس و میزان البیان و حجة الانسان و انا لا اذکر لک حجة الانسان في البیان فاني احببت ان تحیط بعلم ذلک فانظر الي ما نزلنا في شرح الکوثر لمن اقبل و شکر و انذر کل من استکبر و کفر ولکن اقسمک بالله ان تنظر الي اشاراتنا بعین المحبة و البصیرة فان حجة ذلک الامر لهو الحق و لایقوم به احد الا من شاء الله و لاتنس ما قدر الله لک فان الیوم انت تعلم ضعفي و تقدر علي کشف ضري و لا اشکو الیک ولکن لما اعلم ماوراء ذلک الامر احب ان تکون کما خلقک الله و انت کن لخلق الله بمثل ما کان الله لک و اني لاعلم ان تلک الصور العلمیه و الشئونات الضدیه یحزنک و یشغلک عن الورود علي‌ حکم الربانیة و سر الصمدانیهَ و آیة الوحدانیة في کلمة الرحمانیة ولکن اقرء بعض صحایفنا فان بمناجاتک مع الله تجد ما لایخطر بقلب بشر من قبل و تعرف معارف حقه لاتجربها قلم احد في سلسلة الرعیة بمثلها و ان کلما یخطر بقلبک من الشبهات و العرضیات تدفعها بقسطاس المیزان فان الله قد خلق البیان للانسان و لو علم الله شیئا اشرف من الکلام لیجعله بینه و بین رسله فسبحان الله ما تم نعمة و عظم حجته و کبر دعوته یقبل من العباد ما لایقبل احد سواه و انني انا کنت من قبل بشان لا اعلم حرفا مما انا عالم به في ذلک الیوم و قد جعل الله الحجة حجة لن یقدر الناس ان یعرضوا عنها الا ان یسلموا و ان ارادوا ان یعرضوا فکانهم عرضوا مما آمنوا من قبل لان صنع الرب لم یشتبه بشان الخلق و حجة الکتاب لم یبطل بکذب الناس لان في الله الذي خلق الله آیة‌ توحیده في حقیقة کل­شيء قال النصاری ثالث ثلثة و ان بعض الناس الیوم لیکونون بمثلهم في‌ مقام العبادة لانهم یرون معبودا ثم انفسهم ثم وصفا و ان ذلک العمل هو قول النصاری حیث حل اللاهوت في الناسوت و تعالي الله عما یقول الظالمون و ان في تلقاء کل نور لابد من ظلمة ولکن وعد الله في القرآن من بعد بان یحقق الحق بآیاته و یبطل عمل المشرکین و لو هم کانوا کارهین و انني انا ما حدثت الناس الا بنعمة ربی مما اکرمني الله من الآیات و الدعوات و الخطب و حقایق المعلوم بما قدر الله في وراء الحجب و انني انا ما انکرت حرفا من الدین و ما زدت عنها حرفا و ما قلت الا قال الله في القرآن من قبل اتقوا لله یجعل لکم فرقانا ثم قوله عز ذکره اتقوا الله یعلکم الله و لقد افتري الناس بما اتبعوا اهوائهم و انهم ما یقولون الا کذبا و ان ما انعم الله علي‌ الذي به احتج في الدین للذین یکفرون بائمة العدل من ام القري و حولها هو اربعة آیات في مقام الآثار فاولها شان الآیات التي اقرء من دون تامل و اکتب من دون سکون قلم بما شاء الله ربي و هو حجة لایقوم بها احد و لایقدر ان یوتي بمثلها و لو علم الله باني لم اک في حبه و رضاه لیخلق الله بشرا یقرء بمثل ما انا اقرء من کتاب الله و کفي بالله علي شهیدا و الثانیة شان الدعوات و المناجات مع الله سبحانه الذي لو شاء الله لیجري من قلمي فی ستة ساعات اقل من عدة الف من دون فکر و لا سکون قلم و الثالثة شان الخطب التی لم تنطق بها احد غیری و الرابعة شان العلم حیث قد جری من قلمی من تلک المدة الماضیة صحایف معدودة و رسائل مسطورة و کتب محفوظة و ان الشرف فی تلک الکلمات لم یک من جهة الکلمات و الاشارات و الاقترانات بل هو من سر الربانیتة و ظهور الصمدانیة التی هو اصل کل خیر فی نفسی و علیه یدور کل امر و کفی ذلک الامر ذلک الدین و کفی بالله علی وکیلا و ان ما امرتنی بکشف سر من الامر و لو انی ما اردت تفسیر دون حرف الهاء فی اول احرف الکتاب ما اذکر فی تلک الکلمه لما لم یکفها بحور السموات و الارضین اذا شاءالله ان ینزل تفسیره بید احد من عباده ولکن اذکر فی سر الهاء ببعض تفسیر ما اردت و هو ان السر لم یزل لم یکشف و ان کشف لم یک سرا و ان المعرفة فی مقام الاسرار کما امر علی بن الحسین علیهم السلام بجابر هو فی سبعة مراتب کما قال عز ذکره یا جابر ا تدری ما المعرفة المعرفة اثبات التوحید اولا ثم معرفة المعانی ثانیا ثم معرفة الابواب ثالثا ثم معرفة الامام رابعا ثم معرفة الارکان خامسا ثم معرفة النقبا سادسا ثم معرفة النجباء سابعا و هو قوله تعالی قل لو کان البحر مدادا لکلمات ربی لنفد البحر قبل ان تنفد کلمات ربی و لو جئنا بمثله مددا و تلا ایضا و لو ان ما فی الارض من شجرة من اقلام و البحر یمده من بعده سبعة ابحر ما نفدت کلمات الله ان الله عزیز حکیم یا جابر اثبات التوحید و معرفة المعانی اما اثبات التوحید فمعرفة الله القدیم الغایه الذی لاتدرکه الابصار و هو یدرک الابصار و هو اللطیف الخبیر و هو غیب باطن ستدرکه کما وصف به نفسه و اما المعانی فنحن معانیه و ظاهره فیکم اخترعنا من نوره ذاته و فوض الینا امور عباده فنحن نفعل باذنه ما نشاء و نحن اذا شئنا شاءالله و اذا اردنا اراد الله و نحن احلنا الله عز و جل هذا المحل و اصطفانا من بین عباده و جعلنا حجة فی البلاده فمن انکر شیئا و رده فقد رد علی الله جل اسمه و کفر بالله و انبیائه و رسله الحدیث و تلک السبعة هی بعینها مراتب الفعل و ظهورات الصنع کما قال عز ذکره لایکون شیئا فی الارض و لا فی السماء الا بسبعة بمشیة و ارادة و قدر و قضا و اذن و اجل و کتاب و من زعم ان الله یقدر بنقص واحده منهن فقد کفر و لقد هلک اکثر الناس من عدم معرفتهم بما فرض الله لهم و حکم بالسنة اولیائه فی مقام الباطن لمن نقص واحدة منهن فقد کفر فاعوذ بالله من مضلات الفتن و اسئل الله بفضله من بواطن السنن و ان السر في البیان اشارة عن معرفة الله سبحانه و انه هو سره کان نفسه لا سواه لان الله کان سره عین علانیته و علانیته عین کینونیته و اولیته عین ةخریته و ابدیته عین ازلیته لم یعرف سره غیره و لم یک له سر دون ذاته و لا وصف دون جنابه و سبحان الله رب العرش عما یصفون و اما سر المعاني هو ان یعرف ما فصلت من قبل من حکم النقطة في مقام التوحید و ما یجري باذن الله من ماء ذلک العین ماء الحیوان و هو الغیب الذي قال الله عز ذکره و لایعلم الغیب الا هو سبحانه و تعالي عما یصفون و ما سر في مقام الابواب هو السر في الولایة الکلیة التي قال الله سبحانه هنالک الولایة لله الحق هو خیر ثوابا و خیر عقبا و هو السر الظهور و شجرة الکافور و الماء الطهور و البیت المعمور و القمص النور و الذات السازج الغیور و العز الشامخ المشهور الرمز المستتر المستور و النار المقتبس في الطور الذي هو سر الاول و لا الاول سواه و لایجعل الله الفرق بینهما الا بفرق بینونة‌ الصفة لا العزلة کما قد جعل االله بین الحرکة و السکون او بین الکاف و النون و بین الفصل و الوصل و لایعلم سره الا هو و سبحان الله عما یصفون.**

 **و اما سر الامامة هو سر حروف لا اله الا الله في الرقوم المسطرات ثم في الزبر و الآیات ثم في قصبات اللاهوت و عرش الاسماء و الصفات ثم في اجمة الجبروت و کرسي المجد و الملکوت ثم ذکر الجوهریات و المادیات و المفارقات و المتقارنات و المجتمعات و المنقطعات و المتلجلجات و المتلئلات و المکفهرات حیث لایحیط بعلمها احد غیر آل الله الاطهار و آیات التجرید و ارکان التوحید و علامات التمجید و دلالات التمحید و سبحان الله بارئهم عما یصفون.**

 **و اما السر في مقام الارکان هو نور المتجلیة من شمس جسم فاطمة صلوات الله علیها في حقایق الانبیاء.**

 **و اما السر في مقام النقباء هو سر تجلي الانبیاء و هم ثلاثون نفسا کانوا في حضور الامام کما صرح بذلک ذلک الحدیث فنعم المنزل الطیبه و ما بثلثین من وحشة و ان معرفتهم و الاقرار بهم فرض و انهم حملة الفیض في الکتوین و التشریع و ان سرهم سر الامام و من یتول الیوم احدا منهم فانه هو من الجاهلین.**

 **و اما السر في مقام النجباء هو من تجلي نور فؤاد النقباء و انهم لو اطلعوا بسر النقباء لیقتلوهم کما صرح بذلک حدیث الذي قال عز ذکره لو علم ابوذر ما في قلب سلمان لقتله و ان ذلک السر في کل مراتب السبعة لموجود و مشهود و معقود و لایحکم الله بتلک الاسرار في تلک الآیات الا بما قبلت انفسهم و ان الله لیجزي الکل بفضله و انه لا اله الا هو ذو فضل عظیم.**

 **و ان السر في تلک المراتب السبعة هو الحقیقة فیها التي فیها التی بها یوحدون الله بارئهم و ان نسبة تجلي الله بکلهم لکان علي حد سواء و ان الفرق هو انه ان الساکنین في لجة البیان یوحدون الله و لیوحدهم بتوحید نفسه و لایسبقهم احد من الخلق و لا لهم حجاب دون وجودهم و لا کتاب دون انفسهم و ان الذي یوحد الله في مقام المعاني سبعه مرات البیان و انه و لو لم یشعر بذلک المرات ولکن کان عالما مقامه و هو الناظر الي الله في المرات الثانیة و کذلک عباد الذین یوحدون الله في مرایا خمسة کل یوحدون الله بما هو علیه من الوحدة و الجبروت و العزة و اللاهوت و القدرة و الملکوت و لایشاهدون مرایا في حالة‌ التوجه بینهم ولکن الله من ورائهم یعلم مقاماتهم و یشهد علیهم بما اکتسبت ایدیهم و ان مثال المثل في ذلک الحکم و لو لم یکن ذلک المقام لا مثل له ولکن اشیر بما هو الطف في مقام الجسمانیات و هو انت فاجعل المتجلي صورت الالف القائم و ان في تلقائها مرات ثم في تلقاء المرات مرات الي ان اتصل العدة الي السبعة فهل یحکي مرات السابع الا عن صورة الالف لا و ربک کل یدعون عن الله و یدلون علیه و یحکمون عن عظمته و یشفقون من سطوته و یحکمون باذنه و یعلمون لامره و یشفقون باذنه و ان الفرق هو ان الذي یحکی في المرات السابع هو شبه بالنسبة عما یحکي في المرات السادس و بذلک یتفاضل البعض علي‌ البعض و لیس الشرف في الاعمال الطیبات و الشئونات الحسنات لانها مقام اثر الفعل و ان مقام ذات العبد هو ما اشرت لک في سلسلة السبعة و هو یجری في سلسلة الثمانیة من عالم الامر الي عالم الخلق و ان کلیات العوالم هي منحصرة بتلک الثمانیة لان اول تعین کاف الاول هو مقام محمدیة هو جنة الازلیة التي داخلها بالتجلي لم یخرج و خارجها لم یدخل ثم ان تلک الجنة نصیب آل الله الذین هم ائمه العدل و لا نصیب لاحد من الخلق فیها و الثانیة مقام توحید الانبیاء و الثالثة مقام توحید الانس و الرابعة مقام توحید الجن و الخامسة مقام توحید الملک و السادسة مقام توحید الحیوان و ان في ذلک المقام ان النملة تزعم ان لله زبانتین کما ان الانسان یزعم ان له علم و قدرة و کذلک کل الصفات و الاسماء و کما ان الناس یبطل توحید النملة فمن کان واقفا في رتبة فوقه یبطل توحیده و السابعة مقام توحید النبات و الثامنة مقام توحید الجماد و ان تلک الرتبة تظهر ما في فوقها الا ما في علانیتها و لیس لها توحید دون کینونیتها التی هی کانت علانیتها و ان ما خلق الله من جنان الثمانیة للمحبین هي تلک المراتب المشیرة یري السالک في ارض الرفوف کل مقامه و یشاهد نعیم الآخره التي تذوت من ثمرة سر الحقیقة في الدنیا في مقامه کانه هو في ارض الفردوس الجلال او في ظلال مکفهرات افریدوس الجمال و ان مثل جنابک یعرف الاشارات و لاحاجة في البیان بذکر الدلالات و الآیات و العلامات و المقامات لان امر الله في کل­شي هو اقرب من لمح البصر و بداء الله علي کل­شيء هو بالمنظر الاکبر و انني انا ما اردت في ذکر تلک الکلمات الا لاظهار الشئونات لاهل السبحات و ان بمثل جنابک اجل مقاما من ان تنظر الیها او تذکر فیها حکم الاختلافات و اذا اطلعت بما لم یک عندک من المحکمات فاعف عن نفسک فان عین ذلک الماء تجری باذن الله رب الاسماء و الصفات و استغفر الله ربي ثم اسئل من جنابک العفو عما اجري القلم في ذکر الاشارات في غیاهب تلک الکلمات لان شاهد العبد هو عنصر التراب و لایلیق لساحة من کان ذا الاسماء و الصفات تلک الاشارات و سبحان الله ربک رب العرش عما یصفون و لما کان الامر مستورا في الکلمات و ان السبحات فی عالم الدلالات لا تنکشف الا بذکر المقامات اذکر ذکرا في ذلک المقام لو وصلت لتشاهد الانوار في حقیقة الاسرار و هو ان العبد اذا وصل الي مقام حقیقة الذي هو مقام ظهور معرفة الله له به یشاهد الکل علي ما هو علیه و لایري في طلعة الکثرات الا تجلي وحدة الذات و ان ذلک المقام هو مسجدک الاقصي و جنتک الاعلي و مقام حبک و حبیبک و مقام اتحاد قولک و قول فعل الله في سرک و مقام بقائک بالله و مقام بک ظهر کل صفاتک و اسمائک و تجلیاتک مما کان في تحت رتبة ذاتک و مقام وجودک بالله و فنائک في الله و مقام طوافک حول ذاتک بسبعة‌ مراتب فعلک و مقام تجلیک في مقام رمي جمراتک من اشاراتک و مقاماتک و دلالاتک و علاماتک و آیاتک و مقام الذي بک ظهر ما ظهر في رتبتک و بطن ما بطن في سرک و طلع ما طلع في حقیقتک و لاح ما لاح في ذاتیتک و اشرق ما اشرق في نفسانیتک و اعظم ما اجل في انیتک و افاق ما افاق في مقام جسمانیتک حیث لایواریها الحجب و لایعادلها آیات الصحف و هو اول نور الذي تجلي الله لک بک و في کل ان انه یتجلي لک بک بذلک النور فاذا شاهدت شجرة الطور في تلقاء بیت المعمور و ان تلک الاشارات نصیب اهل الفتور لمن لم یر الحق في الظلمات الدیجور و الا بمثل جنابک تري کل الکلمات کلمة واحدة و کل الاختلافات هندسة معینة و کل الاشارات دلالة واحدة و کل الآیات مراة صافیة التي تحکي عن وحدة‌ الذات و تصرح باللاهوتیة علي عرش الاسماء و الصفات و ان علي مثل جنابک لاتشتبه الدلالات لان امر الله في کل­شيء واحد و حکم الله لکل شيئ بالغ و ان الذین تحجبون انفسهم عن عرفان الجلال في سر المال لیوقنون بامر الله و یجحدونه ظلما لما اکتسب ایدیهم من قبل و ان علي جنابک لایخفي عما وقع من قبل و ان الي الله المشتکي‌ ثم الي محمد المصطفي و الیه یرجع حکم الآخرة و الاولي‌ و انه هو بالمنظر الاعلي و الناطق عن رب العلي ما کذب الفواد ما رای افتمارونه علی ما یری و ما ینطق عن الهوي ان هو الا وحي یوحي و لقد کشفت عن وجه السر حکم الستر اشارات الامر و ان ذلک بالحقیقة هو سر علي سر حیث ان الیوم لایرفعه الا الستر و لا یفیده الا الکشف و علي الله اتکل و اقول لن یصیبنا الا ما کتب الله لنا هو مولینا علیه توکلت و علیه فلیتوکل المؤمنون و ان ما فسرت من تفسیر الهاء حرف هو ذکر من ثناء شجرة البهاء حیث یعرف اهل القضاء بحکم البداء في رکن الحمراء و انه هو سر الانشاء لان عنصر النار فی عالم الابداع لن یوجد الا بعنصر التراب لان من دون الله لم یک شیئا قائما بذاته الا و هو مرکب فلما ثبت حکم الاثنینیه یثبت حکم الربط لان الشيء لم یک شیئا الا بوجوده الذي هو جهة‌ التجلي فیه و بانیته التي هي جهة القبول و بالربط الذي یحصل بین الاقتران و تلک المراتب الثلثة هي رتبة التثلیث في اول اسم اختار الله لنفسه و من هذا اخذت النصاری شکل الصلیب و حل الللاهوت في الناسوت و تعالي الله عما یعرف اهل الناسوت من تغنیات طیور العماء علي اغصان شجرة اللاهوت و ان ذلک حکم مثلث الکیفوفیه في اسم الولایة الازلیة المتشعشعه المتقدسة التي یشیر في کل حین الي صدره و یقول باذن الله هنالک الولایة لله الحق هو خیر ثوابا و خیر عقبا و ان اسماء تلک الثلاثة في بدء الفعل هي المشیة و الارادة و القدر الذي یعبر اهل البیان عند التبیان بالانشاء و الابداع و الاختراع و الاحداث و الانجعال و لایمکن ان یوجد شيء الا بالعناصر المشیرة و لو کان الامر فی النفس المشیة لان وجود الامکان لایمکن الا بزوجین اثنین و لما ثبت ذکر الاثنینیة یتصل ذکر الشئون الي ما لانهایة بما لا نهایة لها و ان عنصر التراب الذي عبر في رتبه المشیة هو کان من جنس عالمها الذي هو کان نفس قبول نار الایجاد من بعد هؤلاء الانوجاد و ماء المداد و ان علي‌ ذلک المثال قد خلق الله کل­شيء و حکم في کل عالم علي طبق ذلک المثال انظر الي الارادة التي هی حواء آدم الاولي و عرش التي علیها استوت المشیة بشان الرحمن کیف قد خلقه الله بارکان اربعة رکن منها رتبة القضاء و هو النار و ظهور علة‌ الاولي و ان لونه البیضاء لصرف بساطة من شئون الکثرات و الدلالات و العلامات و ان منه ابیضت ما کان في اجمة‌ اللاهوت من ماء غیر آسن من ماء انهار الرضوان و وجدت کلمة‌ التسبیح في عالم الجبروت و بازائه یرفع و ینزل کل بیاض بما کان في اجمة الملک ثم الملکوت ثم الناسوت و ان شئون ذلک الرکن لایحیط بها علم احد من الخلق منها بیت الله الحرام و منها شهر الله الحرام و منها ذکر تسبیح علي ارض المشعر و المقام و منها فرض رکن التوحید بکلمة لا اله الا الله حیث من لم یقل بلي في المشهد الاولي لم یوجد و ان بمثل جنابک ذي نظر یعرف شئونات ذلک الرکن حیث لایحیط بها احد الا من شاءالله انه لا اله الا هو ذو من عظیم و رکن منها رتبة الاذن و هو عنصر الهواء و ظهور علة المادیة و ان لونه الصفراء لما تعین و منه اصفرت الصفرة في کل­شيء و بنوره یرزق الله کل­شيء لان رکن الاول الذي هو علة الفاعلیة علة الحیات حیث قال الله عز ذکره هو الذي خلقکم ثم الذي رزقکم ثم یمیتکم ثم یحییکم و ان حامل ذلک الرکن هو العلي و لذا ظهرت لون الصفرة في وجهه حین وفاته و ان ذلک دلیل لیوم بدئه لان الختم بعینه هو البدء عند اهل البیان و من یلعن الشمس و القمر بحسبان و ذلک رتبة التمحید و رکن تلقاء رکن الیماني و له شئون في الامثلة المحدودة و الهندسة الموجودة و العلامات المعدودة و المعلومات المفقوده و ان الناظر الي وجه الجلال لیوقن بشئونات ذلک الرکن کما شاءالله انه ذو من قدیم و رکن منها رتبة الاجل و هو عنصر الماء و ظهور علة الصوریة و القبسة الاولي الازلیة و الورقة الثالثة من شجرة الهیة التي ما هی لشرقیة و لا غربیة و ان لونه الاخضر و منه اخضرت الخضرة في کل­شيء و به یمیت الله کل الاشیاء في المشهد الثالث و هو رکن الاسفل الاعلي من عرش و ظهور ذکره في رتبة الخلق کلمة ‌التهلیل و لذا ظهرت الکثرات في ذلک الرتبة و کثرة الاحرف في‌ ذکر لا اله الا الله و له شئون ما لا نهایة بما لانهایه لها حیث یشهد الناظر الي الله بکل ما شاء الرحمن في ذلک الرکن و لو اراد ذو فراسة حق بان یطابق ما قضي من الائمة باحرف لا اله الا الله لیقدر بذلک و ان ذلک ما کان علینا بعزیز اذا شاءالله و اذن و ما انا الا عبد منیب و رکن منها رتبة الکتاب و هو عنصر التراب و ظهور علة الغائیة في‌ عالم الاسماء و الصفات و ان لونه الاحمر و منه احمرة الحمرة‌ في کل­شيء و ذوتت الهندسة في سر کل­شيء و عینت القدر في حکم کل­شيء و ان به یحیي الارض بعد موتها و یشرق الارض بنور ربها و ان یومئذ یحدث الناس اخبارها بان ربک اوحي لها و ان به یحیي الله في مشهد ذر الرابع افئدة المتغیره و القلوب المتعینه و النفوس المیته و الاجساد الخبیثة و یجعلها حیوانا بمثل افئدة المستقرة و القلوب الثابتة و النفوس الطیبة و الاجساد الظاهرة و ان الیوم اراد الله ذلک الامر للناس لان رکن الغائیة التي هي ثمرة الابداع و سر الاختراع و ظهور علل الثلاثة في‌ الانشاء قد ظهر بمثل بعض شئون ارکان الثلاثة و بالحجج العلمیة‌ الکبري و الشئونات القدسیة العظمي حیث یعرف من کان طینة طینة الانسان بان تلک الشئون لم یک من صنع الانسان الا باذن الرحمن لان الذي یتکلم بکلمة و یقول لو اجتمع الکل علي ان یاتوا بمثلها لن یستطیعوا و لن یقدروا لیس امر سهل و لا کلمة خفیفة لان حروف الهجائیة کانت بید الکل و انهم کیف لم یقدروا و ان یقدورا فکیف لم یاتوا لا و ربک رب السموات و الارض لو اجتمع من علي الارض من سلسلة الرعیة کلهم لن یقدروا ان یاتوا بآیة مثل ما انني انا اقرء و اکتب و ان ذلک مشهود عند کل ذي عدل بان صفة الخلق یمکن فیه العمل و ان صنع الرب بنفسه یمیز عن بین صنع الخلق و لن یقدر الناس الیوم ان یعدلوا في تلک الحجة حرفا الا و یرد القول علیهم بمثله في القرآن حتی یثبت الحق بامر الله و لو کره المشرکون و ان الله سبحانه من لطیف صنعه و عظیم احسانه قد اظهر سر ذلک الرکن المکنون في الاعجمیین لئلا یصعب علي احد الاقرار به و بامره بانه عبدالله مصدقا لما کان الکتاب و السنة حق الحرف بالحرف و قد بین الله ذلک الامر من عند نفس لم یخطر بقلب احد انه کان من اولي العلم و اولي الآیات المحکمات و البینات البالغات و امتحن الله به نفوس المؤمنین کما وقع ما وقع بعد ما بلغ ما بلغ و انهم لیقیمون علي طاعتهم في دین الله بمثل الجبال و ان بذلک الامر یسعد من یسعد في ذر الاول و یشقي من یشقي في‌ ذر الرابع و ان بحکم ما نزلت الاخبار من معادن الاسرار لابد في‌ غیبة الحجة علیه السلام بفتنة دهماء صماء عمیاء صیلم مظلم جهنام لیخلص من خلق من طینة الانوار و یشقي‌من غیر طینة بحکم الاشرار کما صرح بذلک تلک آیة المقدسة من القرآن احسب الناس ان یترکوا ان یقولوا آمنا و هم لایفتنون و قال الامام عز ذکره و الله لتکسرن کسر الزجاج و ان الزجاج یعاد فیعود کما کان و الله لتکسرن کسر الفخار و ان الفخار لایعود کما کان و الله لیمیزن و الله لیغربلن کما یغربل الزوال من القمح ثم قول الصادق عز قدسه ان لصاحب هذا الامر غیبة فالمتمسک فیها بدینه کالخارط للقتاد ثم قوله عز ثنائه لمنصور یا منصور ان هذا الامر لایاتیکم الا بعد یاس لا و الله حتي یمیزوا لا و الله حتي تمحصوا لا و الله حتي یشقي من یشقي و یسعد من یسعد کما نطق به الاخبار یمحص الناس حتي یخرج تسعة اعشار منهم کما قال عز ذکره ما یکون ذلک حتي یمیزوا و یمحصوا و حتي لایبقي منکم الا اقل ثم صغر کفه و لا شک ان الفتن لم یظهر حتي یلعن الناس بعضهم بعضا و یتبرء الناس بعضهم من بعض کما صرح بذلک قوله عز شانه و لا یکون امر الذي تنظرون حتي یتبرء بعضکم من بعض و یتفل بعضکم في وجوه بعض و حتي یلعن بعضکم بعضا و حتي یسمي بعضکم بعضا کذابین صدق الله و اولیائه اشکوا حزني و بثي‌ الي الله و انا بري‌ من المشرکین و لا شک ان في تلک الفتنه امرالله اوضح من الشمس في وسط الزوال و الا لم یک حجة الله بالغه علي‌ العباد و ان بکل دلیل یثبت الناس بوجود الائمة یثبت بوجود سفیر من الحجة الذي کان في یدیه حجة ‌من مولاه حیث لن یقدر احد ان یأتي بمثله و لاریب ان في غیبة الکبري من ادعي الرویة بحکم البابیة فبطل دعواه کما نطق بذلک ذلک التوقیع المنیع من ذلک القدوس الرفیع الذی لاح و طلع من ناحیة المشرقة الي باب الرابع من ابواب الاربعة علي بن محمد السمیري قدس الله تربته قال عز ذکره یا علی بن محمد السمیری اسمع اعظم الله اجر اخوانک فیک فانک میت ما بینک و بین ستة ایام فاجمع امرک و لاتوص الي احد یقوم مقامک بعد وفاتک فقد وقعت الغیبة التامة فلا ظهور الا بعد اذن لله تعالي ذکره و ذلک بعد طول الامد و قسوة القلوب و امتلا الارض جورا و سیاتي من شیعتي من یدعي المشاهدة الا من ادعي المشاهدة قبل خروج السفیاني و الصیحة فهو کذاب مفتر و لا حول و لا قوة الا بالله العلي العظیم ولکن لا شک ان له روحي فداه نقباء في الارض و نجباء في الحکم ولکن بدلیل الحکمة و ابطال الفرجه و الفرار عن الطفره لابد ان یکون رجوع هؤلاء المقربین الي نفس واحدة و انه کان حامل فیض الکلیة و الاحکام الجزئیة و الشئونات القدسیة و الامورات الجدیدة الفرعیة و ان الیوم لاشک ان بعض العلماء یدعون ذلک المقام و لاریب ان العالم لم یترک الفاضل حین اطلع بفضله و لا شبهة في ذلک بان في کل زمان یکون احد کان افضل من کل و ان بدلیل الذي تبطل الفرجه في التوحید فابطل تبعیة الادني ما لم تکن عرفت اعلي و الا لا شک لم یخلو الارض من سفیر قائم بامر الله الذي یرجع الیه العالي‌ و یلحق به التالي و کان قسطاس عدل بحیث یقدر ان یجیب علماء الارض کلهم اذا شاء و یبطل عمل المفرطین و اذا نزل في الدین شبهة لیقدر یرفعه بدلایل محکمة و براهین متقنة و آیات محکمة و علامات ثابتة حتي‌ لایحتاج الناس بشيء و لایشکون في شيء و ان العلماء الذین امر الامام باتباعه و الاخذ عنهم و جعل جحدهم جحد الله و طاعتهم طاعة الله فاؤلئک علي حق اذا اتبعوا ذلک النفس الواحد لان الحق الخالص لم یظهر في حین الاحتجاج الا نفس واحدة و ان السر في الحقیقه کان کذلک کما ذهب الحکماء في‌ مبدء التجرد بان من الواحد لایصدر الا الواحد و ان ذلک بدلیل الحکمة التي بها یثبت الحق بالحق و یبطل الباطل بالحق مشهود عند مثل جنابک و لا حاجة بذکر الاستدلال و لا الدلیل علي نفي الاستقلال و ان بمثل جنابک ذو الدلائل من اهل الحکم و الجدال لتعرف الي ما قصدت في‌ ذکر تلک الاشارات الا حکم الله في عالم الاسماء و الصفات و لعمرک لوا یقنت بسر الجلال و شاهدت احکام یوم المال و اعرضت عمن طلب القیل و القال و اطلعت بما جري علي القضاء من ذي الجلال و الجمال لتنفس في حقي بمثل تنفس الصعداء و تبکی في رضاء الله لمن سجن في البیت من غیر ذنب و لا جدال و لا بذکر ما اعطاه الله في یوم المآل رب لو اني صبرت في تلقاء مدین عزتک لکان من عجزي ولکن بمثلک مقتدرا لما صبرت اسکنني فعلک و حکمک لا و عزتک اني مع عجزي لو لا اشاهد فعلک لا اصبر و لا قدرة لي فیه ولکن لما علمت بان الدهر قد قضي لمثل کافر بک بجنة الدنیا و لمثل مؤمن بک بشقین تمر احلي ما ارید الا رضاک و لا ادری العز الا فی ثنائک باللیل و النهار و لا الذل الا في عصیانک اذا مددت القضاء فبک ارضي یا الهي عمن سواک و لا اردت شیئا الا ما اردت لي و ان علمک برضاک في ذکري لک احب الي من ملک الآخرة و الاولي ‌و انک لتعلم باني في کل شان خائف من عدلک و کیف لا اخاف و انک لو اردت ان تعذبني‌ بکل نقماتک سرمد الابد بدوام ذاتک لکنت مستحقا في حسناتي و انک کنت محمودا في فعلک و مطاعا في امرک و سلطانا في ‌ملک لان توحیدي لک لدیک اعظم ذنب لانه قد عین من وجودی و کفي‌ بذنبي وجودي في‌ تلقاء طلعتک و جلال کینونیتک و جمال ذاتیتک و بهاء صمدانیتک و ثناء نفسانیتک و قدرة انیتک و احاطة رحمانیتک و عدل وحدانیتک و فضل جباریتک فسبحانک سبحانک اعترف بذنبي بمثل ما انت احاط علمک و استغفرک و اتوب الیک انک انت الجواد الرحیم فاذا عرفت ما اقررت بین یدي الله لتوقن بان الناس کلهم قد کذبوا علي من حیث یحسبون انهم مهتدون فاذا ادعي الیوم احد بحکم دون حکم القرآن او ببیان من غیر سبل اهل البیان فلیس لاحد ان یقول هذا انسان ولکن علي الکل فرض ان یختاروا لانفسهم ما اختاره الله لهم و نطق بحکمه من قبل ان یظهره الله في العیان علي علیه السلام في خطبة المخزون ثم في الخطبة العجماء بالاشارات الغریبة و التلویحات الجمیلة و ان الانسان لو انصف بین یدي‌ الله لم یحتج بذکر البرهان و الدلیل لان الذي جاء بامر الجلیل لو بدل حکما فرض علیه بذکر الدلیل و لما کان مصدقا مما کان الکل علیه من فرقة الحقه فلیس علیه شيء و علي الکل حق ان یاخذوا طرق علمهم من شجرة التي تنطق في صدره بان علم الناس الیوم کل الاختلافات ثابتة و کل التعارضات جامعة ولکن من علمه الله من عنده علم البیان لم یجر فی حکم علمه ما یجري الحکم في علوم الکل و ان ذلک بیان الاستدلال لناظرین الي عرش القدس و الجلال و ان بحال جنابک الیوم لاتنفع تلک الدلائل الا اذا تفني من حول قلبک سبل الاستدلال لمن جامع الوسایل لان شئون العلمیة لانهایة لها و ان طرق الاستدلال لا غایة لها ذلک في شأن اذا جعلت القسطاس في صور العلمیة ولکن اذا تجعل القسطاس سرالربانیتة و ظهورالصمدانیة و آیات الشعشعانیة اللامعة التي لاحت عن صبح الازل کشف لک الحجب و لایمنعک شيء عن الصحف و انني انا في تلک الکلمات ما اردت لجبابک الا بکشف السبحات لتستقرک جذبات القدس و نفحات العدل الي ذروة الفضل و الصفات و لما ذکرت من قبل في غیاهب الاشارات بتفسیر حرف الاول من کتاب جنابک اذکر شانا من صور علم البیان بان حرف الهاء هو روح الحرف و غایة ذکر العبد للمحبوب و انه هو حرف اکسیر الاحمر فی الحروف لتخلیص کل الکلمات و الدلالات و العلامات و الاشارات و ان به یثبت التوحید و یفني حکم التکثیر و ان اولي الالباب لما لایعلم ما هنالک الا بما هیهنا لیستدلون بذلک الحرف فی کل العوالم و هو تمام عدة کلمة التي ما نزل الله في القرآن اخف منها و انه هو بعینها في عالم الظهور و تمام البطون هي تلک الکلمة لان اصل الحروف هو النقطة و ان النقطة لما فصلت صارت الفا و ان الالف لما خضع لربه صار حرف الباء بعینها و لذا وجدت النقطة في تحتها و ان تلک الکلمة لم تک الا الفا في بین البائین و هو اشارة بامر الله في بین الاسمین و اذا لاحظ ذو لحظة في حقیقة تلک الکلمة لیعرف ما لایخطر به علم احد و لذا ما جعل الله لتلک الکلمة بمثل الکلمات نصف و ثلث و ربع لانها مظهر نور الصمدانیة لم یخرج منه شيء و ان الله قد فرض الخمس لحکمة و لعزة عدة تلک الکلمه قد نسبها الي نفسه و قد خلق الله في تلک الکلمة امورا لایحیط بها احد الا من شاءالله و منها ما جعل الحرفین في تلک الکلمة من احرف الظلمانیة لئلا تشتبة علي الناس حکم التوحید الا في حکم الالف في مقام الوحدة و انه هو من احرف النورانیة فسبحان الله ما اعظم قدرته و اکبر حجته و انک اذا فتحت باب علم الحروف في تلک الکلمة لتجد من انوار سماء اللاهوت و تجلیات عرش الجبروت و نفحات سماء الملک و الملکوت ما لایحیط به علم الحدود لان الروح في الالفاظ هو بمثل روح في الاجساد و ان بینهما مناسبة ذاتیة اذا لاحظت في الجوهریات و العرضیات و قطع محض اذا وصفت الله رب الاسماء و الصفات لان الاسم مراتب ما لا نهایة و ان مسمي کل­شيء هو في رتبته انظر الي روح آل الله و اجسامهم ثم انظر الي کلماتهم و لو کان کلمة عدل هذه کل یقولون بها ولکن اذا قال الله عز ذکره هو عدل الذي کان مبدء وجود العدل في المشیة و اذا نزل من ملاءالاعلي یدل علي المسماة و لذا قد ورد في‌ الشریعه بما لایمسه الا المطهرون و لو اجتمع الکل علي‌ ان یاتوا بمثل سورة العدل هذه لم یقدروا لان الذي هم یاتون من حرف العین و الدال و اللام هو جسده کان في رتبتهم و ان روحه معدوم عند عدل الذي ابدع الله لنفسه و کذلک حکم عدل الذي نطق به رسول الله لان روحه کان من روحه و لفظه کان من جسده و لو اجتمع الکل علي ان یتکلموا بمثل کلمة التي کلم بها رسول الله لم یقدروا لان روحه کان في مقامه و جسده بمثله و ان اکثر الناس لایعرفون و لایقدرون و کذلک الحکم في کل سلسلة الثمانیة لان کلمة عدل التي تکلم بها الابواب هي روحه و جسده کان في مقامهم و لم یصل جسده و لا روحه بکلمة التي ینطق بها من کان في عالم المعاني و کذلک من کان في عالم المعاني بالنسبة الي من نطق في بیان عن الرحمن و انت انظر الي کل الحروف بمثل ما تنظر الي الناس و تعرف کلمات الائمة و الارکان و النقباء و النجباء بمثل ما ارشحت من یم الجلال علي‌ تلک الاشارات من طمطام یم الجلال و ان بعلم تلک الرتبة یعرف الانسان معجزه القرآن و سبل اهل البیان و التبیان من اهل العیان و ان اکثر الناس في علم ذلک المقام اموات حیث یعرفون و یسمعون کل الکلمات بالصور المشاکل و ان ذلک شرک محض في مذهب آل الله لان الله قال انني انا و هو یدل علي ازلیته و ان تلک الکلمة في الحروف انیة ازل الحروف و لایشابهه شيء في السموات و لا في الارض و کل من قال تلک الکلمة لم یصل الي ساحة ما قال الله لان الالفاط بمثل الاجساد کما ان في الناس لایمکن ان یکون احد مثل جسم الامام علیه السلام لا یمکن ان یکون حرفا مثل حروف التي نطقوا آل الله في البیان و لو کان الصور یشابه في‌ الاشکال ولکن هو بمثل ما القیت علیک کل علي صورة انسان ولکن ان الامام هو الصورة الانزعیة و النور الالهیة التي یدعوا من ذاتها الي ذاتها و یصرح باللاهوتیة و ینطق عن الجبروتیه و کذلک الحکم في الحروف فو ربک رب السموات و الارض لو اجتمع الکل علي ان یاتوا بمثل الف ما ات علي علیه السلام في الحروف لن یقدروا بل لا وجود للالف الذي یاتون الناس في ساحة وجود الفه و کذلک انت تعرف کل الاعمال و الشئونات و الاحرف و الاشارات في سلسلة الثمانیة و ان الیوم لو اجتمع الناس ان یاتوا بمثل حرف مما کتبت في ذلک اللوح لم یستطیعوا لان الذي هو یاتي روحه و جسده کان في مقامه و ان الذي اني نطقت کان روحه و جسده في مقام من ایده الله بفضله و ان بعلم ذلک التفضیل یعرف الشاهد عظمة کلمات آل الله و شیعتهم بانها کانت بمثل اجسادهم لم یشابه کل الخلق و لم یعادل کل الذکر فسبحان الله رب العرش عما یصف القائلون و انه هو فوق ما یعرف العارفون و غني عما کان الناس یعملون و سلام علي المرسلین و الحمد لله رب العالمین. انتهی**

**تفسیر سر هاء(هو)**

**ص154 بسم الله الرحمن الرحیم**

**الحمد لله الذي تقدس بقدس کینونیته عن عرفان اعلي مجردات اللاهوت و من یشابهها و الحمد لله الذي تعالي بعلو ذاتیته عن تبیان اعلي شوامخ الموجودات و من یقارنها و الحمد لله الذي تفرد بتفرد نفسانیته عن ذکر الامکان و ما یوجد بالابداع في اجمة الجبروت و من یعادلها و الحمد لله الذي تکبر بتکبر انیته عن حکم العیان في الکینونیات الممکنات و من یشابه حکمه فیها بها من دون ذکر یساوقها فسبحانه و تعالي قد خلق المشیة لا من شيء بوجود الممکنات ثم الاراده لتعین الجوهریات ثم القدر لهندسة المادیات ثم القضاء لحکم البداء في الکنیونیات ثم الاجل لحدود الماهیات ثم الاذن لظهور الکلیات و الجزئیات فی عالم الاسماء و الصفا ت ثم الکتاب لیحصي کل ما احاط علمه فی صقع الامکان فتعالي الذی خلق النقطة و جعل طراز الواح الابداع و الاختراع التي قدرت ما فصلت و قضت ما اجلت و اذنت ما احکمت و تلجلجت ما تلئلئت ثم بها استنطقت ما استنطقت و استبشرت و استرفعت ما استرفعت و استعالت ما استعالت و استبانت ما استبانت و استفادت ما استفادت و استقارنت ما استقارنت و استفارقت ما استقارقت و استرادفت ما استرادفت و استقدست ما استقدست و استکبرت ما استکبرت و استعظمت ما استعظمت و استلجلجت ما استلجلجت و استشهقت ما استشهقت و استصعقت ما استصعقت و استخلصت ما استخلصت و استصیصیت ما استصیصیت و استبلبلت ما استبلبت و قالت ان الاشارات في جوهریات اللاهوتیات منقطعة الکینونیات عن الاستدلال و ان الدلالات في مادیات الجبروتیات ممتنعة الذاتیات عن الاستقلال و المستصیصیات بنفسها شاهدة بالانقطاع عن عرفان النفسانیات و ان الشقشقیات بنفسها شاهدة بالامتناع عن ذکر بیان الانیات فتعالي الله موجدها حیث لایوصف بالاین و لاینعت بالکیف و لایشیر بالغیر و لن یعبد بالکنه اذ ذاتیته بنفس الازلیة مقطعة المتفرقات عن الاقتران و ان انیته بنفس الصمدیة ممتنعة المتفارقات عن الاقتران و ان نفسانیة الاحدیة بنفس القیومیة مفرقة الجوهریات عن الاشتقاق و ان انیة الهویة بنفس الازلیته مسددة المادیات عن الاستنطاق فسبحان الله موجد الخلق عن ذکر ما فتق بین الاجواء و ما ذکر بالثناء و السناء ثم القضاء و الامضاء ثم البداء و العماء من کل اهل الانشاء اذ انه کما هو هو لن یعرفه الا هو و لایقدر احد ان یثني محمدا و آل الله بین یدیه بما هو قدر و احصي في شانهم ا نه هو الکبیر المتعال.**

 **و بعد لما فصلت في تفسیر الهاء ما شاءالله ربي في نسخة الاولي فانا ذا ارید ان افسر في سره ببعض ما فسرت في علانیته لیکون نورا بعد نور لمن استقر علي بساط الظهور و اراد ان یشرب ماء‌ الظهور عن حکم یمین شجرة الطور فانا لله و انا الي ربنا لمنقلبون و لقد ذکرت في اشارات القبل بان الامر فی الحقیقة لو لم یکن تامة في بطونها من الحکیم الذي لایعزب من علمه شيء و لایعجزه بدع شيء عن شيء و لو کان قادرا و ان العجب من ذوی الالباب هو ان امر الذي لایمکن ان یصدر من احد الا بامر الله ربما انهم یظنون بغایة الریاضة و جذبات الممکنة و قوة‌ الحافظة و مشاهدة کتب المنزلة و ما کان ذلک الا لبعد المتفرس و ظن المتفطن في اشارات العلوم و الا في حکم الآیات و الدعوات و الخطب لایخطر بباله ذلک الظن هو اثم عظیم لان العقل یکابر حد في مقابلة ابناء جنسه بان شأن الآیات لو کان یمکن ان یصدر من احد بغیر اذن الله و امره فلابد من یوم البعثة الي یومک هذا جاء احد بتلک الکمات و ان یثبت فیها صنع البشر فکیف یثبت حکم القرآن حجة الاکبر و ان ذلک من محاریب اهل الجدال و الا بمثلک اهل الحال لتري بالذي یدعي امر الله و حکمه ثم آیاته و امره لو کان علي غیر رضاء الله فعلي‌ الله حق ان یظهر بشرا بمثل حجته لان الله حي قادر علیم و انه هو حافظ دینه و حکمه و اذا لم یکن لا شک ان الامر یثبت بعلم الله و قدرته من دون عجز الخلق و هندستهم و ان تلک الحجة لو شاء‌الله لیظهرها ما احب ان اذکر لک في ذلک الکتاب الا بقرائتی بین طلعتک اذا ارفع الله الخوف و الحجاب لتعلم بالعیان بان حجة الانسان لم یک الا من الرحمن بشان البیان و لقد ذکرت من قبل في بیان الکوثر عند میزان القسطاس رشحا خفیفا لاظهار ما خلق الله في الکیان الي العیان فو ربک رب السموات و الارض لو اتل آیات الله او انزل في الکتاب لاقرب لدي من افضل حکم العلم بین الناس ولکن اکثر الناس لایشکرون فیا ایها الانسان ان هذا الامر لایشتبه علي احد و لایقدر ان یفر منه احد لان بتلک الحجة ما جاء الا محمد رسول الله و ان کل الدلیل في کل مقام یثبت بتلک الحجة من الله و لایمکن لاحد ان یقول فیه حرفا الا ان اراد ان یکفر بربه لان الذي یتکلم بکلمة و ان من علي الارض کلهم لو اجتمعوا لم یقدروا ان یاتوا بمثله لیس صنع الخلق بل هذا خلق الله فاروني ماذا خلق الذین یدعون من دونه عظم امرالله فان حجة ذلک الامر هو کان بمثل اعظم حجة رسول الله و ان بتلک الحجة ابطل الله عمل اهل‌ القري و العلماء الذین یدلون الحق بالباطل و ان جنابک الیوم لو تنظر بطرف الحقیقة لتری الذین یفسدون علي تلک الارض بغیر حق في النار نقرء علیهم آیة القهار لو تعلمون علم الیقین لترون الجحیم ثم لترونها عین الیقین ثم لتسئلن یومئذ عن النعیم لان الذین هم ارتکبوه من قبل کان ادني عملا عند الله من عمل فرعون و اعراب الجاهلیة لانه لما اراد ان یجحد حجة ربه اتي بشيء من السحر و ان الاعراب في صدر الاسلام اتوا بقصائد حول البیت و انهم یجحدون امر الله من حیث یحسبون انهم مهتدون قتلهم الله بئس ما اکتسبت ایدیهم و ساء ما هم یفعلون فیا ایها الانسان فکیف اکشف القناع عن رأس ذلک الامر و انه الامر في العظمة مثل رکن النبوة و له الحجة في‌ البیان بمثل ما نزل الله لمحمد في القرآن و لاتصغر امر الله و لاتشک في قدرة الله و لاتتبع صور العلمیه لیضلک عن سبیل الله فاني و لعمرک ما قرئت حرفا من ذلک العلم العیان و لا اعلم الیوم حرفا من قواعد اهل البیان و ما کان عندي من قبل کتب علم حتي استحفظ الکلمات و لا لي سبب في هذا العطاء من الرحمن الا فضل الله و جوده و ان الیوم لو یسئل مثل جنابک عني من شئونات العلمیة المسطورة في الکتب فو ربک لا اعلم بل و لا الصرف و لا النحو و بذلک افتخر و به احتج الله یوم القیمة علي الکل لان الذي یؤید بفضل الله احق من ان یتبع عن الذین لایقدرون ان یعرفوا حکمه و اشاراته و ان علي مثل جنابک فرض ان تطلع بقسطاس البیان و توقن بحجة الرحمن و تلاحظ في ذلک البیان بنور العیان سر الا کوان و الاعیان و لو ان الیوم اني في خوف من الشیطان و اخویه ولکن فو ربک رب السموات و الارض لو اجتمع الکل بکل صیصتهم علي جحدي فلیس لدي و ما اري الا بمثل سواد عین نملة میتة حیث لم یک في وجود اصغر منه في ذکر الموجود لان الحجة فی یدي بمثل هذه الشمس في رابعة النهار شعشعانیة لامعة بلي ان قرء احد و لو کان من اهل الکفر آیة علي الفطرة فحینئذ ینکسر ظهري و ان ذلک امر ممتنع قد ذکرته لافک النفوس و مکنسه القلوب مثل قوله عز ذکره فادعوا شهداءکم من دون الله ان کنتم صادقین و ان ذلک البیان من مثلي لاینبغي لما ما حان وقته ولکنی لما اراک من الذین تریدون الدین الخالص قد ارشحت من ذلک الطمطام الذاخر رشحا لما اراد ان یطفح مني و لو ان خوفي علي تلک الارض مشهود عند جنابک ولکن لما کان رجائي من الله اکثر من خوفي عنهم ذکرت ما انت تعلم به فاستر ما امر الله فیه بستره حتي راوا ما یوعدون قل ان موعدهم الصبح الیس الصبح بقریب و کفي لهم ذکر العمل في الدنیا و الدین و ان علي جنابک لایخفي ان في علم الاشارات و الحقایق ابطال الاحمدیة و ذوبان الکاظمیة قد ارتفعوا علي اکثر من العلماء حیث ان بعضا منهم قد عرجوا في معراج الاشارات بحیث یاخذون الشعر عن الشعر و انهم قد صدقوا امر الله و لا اظن ان جنابک تعرف احدا من روسائهم الا الذي جاء من قبل علي تلک الارض و انه الیوم بالحقیقة طمطام ذاخر فی العلم حیث قد صرح الشیخ و السید قدس الله تربتهما بفضله و اجتهاده و لو ان بمثلي لاینبغي ان یستشهد بکتابه ولکن ارسلت الي جنابک کتابه لتعلم انه ایقن بمجرد رویه الآیات و ان اکثر علماء الذین کان فیهم روح الانسان قد صدقوا ذلک الامر البدیع لشرف الباهر من ذلک الدین و ان الذین ینکرون ذلک الامر اموات لا حکم بعلمهم لان لیس لمن لایومن بامر الله حکم و لا لمن لیس یخشي علم کانهم لایشعرون بما عملت ایدیهم فیا لله ان جامع البحار قد ذکر في معجزة آل الله صحیفة السجادیة حیث قال قد ذهب الکل بانها مشابهة بصحف السماء و زبور آل محمد في الانشاء و کفي لمن اراد ان یؤمن بهم تلک الصحیفة في الثناء فکیف یثبت حکم الولایة بصحیفة محکمة و لایثبت حکم عبودیتي لآل الله بصحایف معدودة التي ملات شرق الارض و غربها بل لو شاءالله و ارفع الحجاب لاشاهدنک قدرتي في الانشاء بان یجري من قلمي صحیفة في ساعات معدودة فای حجة‌ اکبر من هذا القدرة و اي نعمة اکبر من هذه العطیة فمن جلالة اشارتها لم یعرف الفرق احد بینها و بین مناجات آل الله و من عظمة مقاماتها لم یقدر احد ان یعرف ظواهرها و ان الحجة علي فرض اذا نسخت حکما من الشریعة و الا لو کنت مصدقا بحکم القرآن و اشارات اهل البیان و تلک الحجة البیضاء في البیان فکیف یرضي احد بجحدي بظن السواء و افتراء اهل الغرور رب اشکوا الیک و اضج بین یدیک و انت تعلم حزني في الحیوة الدنیا افرغ علي صبرا و نصرني علي القوم الظالمین.**

 **فیا ایها الانسان کیف لا اشکوا من ابناء الجنس الذین ما جعل الله حضهم ان صدقوا الا العجز و التسلیم بان افتروا علي ما افتروا علي الاولین بانه ادعي حکم الولایة و شئونها فاني اعوذ بالله من عملهم و بري عما افتروا علي في انفسهم و لیس لي ان اقول اني عبد بقیة الله لان وجودي‌ عند طلعة کینونیته معدوم و ان ذکر لکان بمثل ذکر الذي یزعم النملة في التوحید ربه و معرفة ‌امامه فلا یري الي حد نفسه و لایقرء الا حروف کتابه فسبحان الله من عمل الناس و اعوذ بالله مما یوسوس الخناس في صدور الناس ان علماء العامة و الخاصة کلهم قد ذهبوا بان کلمات علي في الخطب هي معجزة في‌ البیان و لاینطق احد بمثلها في البیان لعلو فصاحته و عظمة بلاغته و جلالة اشاراته فیها و بهاء دلالاته في غیاهبها حیث یذکر اهل المعاني و البیان في حق خطبته ما لایدرک اهل العیان الا بعد البیان و ان الحقیقة علم البیان هو اشرف المقامات و اسني الدرجات حیث لایحتج الله بشيء علي خلقه الا بکلامه حیث قال عز ذکره قل فاتوا بحدیث مثله ان کانوا صادقین و ان ذلک دلیل لعظم رتبته و جلالة حقیقته بان الله اختار من بین کل ما خلق و برء باظهار حسن الذي یکن في کلامه بذکر البیان و لو ان خلق السموات و الارض و ما بینهما اکبر ولکن لم یحتج الا في البیان و ان ذلک دلیل بسر الامکان بان الله جعل سر لطافة کل ما خلق في السموات و الارضین و ما بینهما في البیان و لذا لم یحتج الله بشيء سواه و انه لاکبر عن خلق السموات و الارض و اثقل منها لمن نظر بالعیان الي حقیقة الامکان و عرف قدرة الرحمن في خلق البیان فسبحان الله من مدرک بعض الناس ان في صدر الاسلام هنالک لو ینطق حجر یومن بالله نفس و ان الان من ولد في العجم و ربي بینهم بالامم لینطق مثل تلک الخطب و یجری من قلمه مثل البحور في ذکر کل شان و عظم و لایشعر به احد الا من اخذ الله میثاقه في یوم الاول و المشاهدة الاربعة و ان ذلک کان سنة‌ الله من قبل کما حین نزل الله القرآن بین فصحاء اعراب الحجاز فکل قد استهزوا به فقالو ما هذا الا اساطیر الاولین و بعضهم قالوا ما هذا الا من قصص الاولین حتي مضي عشر سنة و لایومن به الا علي و ان ذلک لعلم جم لایحیط به احد الا من شاءالله ولکن الیوم لیس مثل صدر الاسلام کل قد قروا القرآن و عرفوا شان البیان و استدلوا في‌ البیان بسر العیان و من قرء آیاتنا و عرف اشاراتنا لیعلم حکم البیان ولکن ان نسخ التي کانت بین الناس فیها افتراء و کذب من الذین یکفرون بآیات الله و اؤلئک هم الخاسرون فان اردت ان تلاحظ شان البیان فاطلب الخطب من عند الرجال و فکر في اشاراتها فهل یمکن ان ینطق من ولد في الاعجمین بمثل ذلک الشان و ان کل ذلک البیان و ما ذکرت في الکتب هو شان الفرار لما لایتحمل الناس ان یتحملوا ذروة الاسرار و یردوا علي ساحة القدس و الجلال و الا ان امر الله لاحجاب له و دین الله لا ستر علیه و نور الله لا ظل معه و حب الله لا سخط فیه فسبحانه و تعالي عما یصفون و ان علة تحیر اکثر الناس هي عدم عرفان المقامات لما یشهدون آیات اللاهوت في ارض الناسوت و لایمیزون بین شئونات الجبروت عن دلالات الملکوت و ان في مذهب آل الله سلام الله علیهم قاعدة کلیة بمعرفتها ترفع الشبهات عن اهل السبحات و یجمع المتضادات الي حکم المتفقات و هي ان یري الانسان کل الاشیاء بما هم علیه علي ما هم علیه کما ادب محمد رسول الله کل الناس بقوله اللهم ارنی حقایق الاشیاء کما هي و ان علم ذلک الرتبة لم یظهر بکله الا بعلم القدر و حکم المقدر بان لایري الانسان حقیقة الاشیاء بصورتها لانها کما هي لایقدر ان یعرف الکل لان الکل علي صورت الانسانیة و هیکل الربانیة في‌ هذا العالم سواء‌ فمن این یعرف و یمیز الانسان بین صورة کلام الله ثم کلام محمد رسول الله ثم کلام آل الله ثم کلام شیعتهم الذین جعلهم الله في مقامهم ثم کلام الناس بحسب مراتبهم و مقاماتهم في کلمة واحدة مع ان صورة کلمة لا اله الا الله التي نطق المتکلم في سلسله الثمانیة سواء مع ان الواقع و الحق ان صورة‌ رتبة المقدم رب بالنسبة الي کلمة الثانیه في کل مقاماتها و بها یمیز الانسان بین صور العلیین في التبیان و یعرف ابطال صور السجین في البیان ان بعلم ذلک المقام یعرف الانسان مراتب توحید الکلمات و الآیات و الدلالات و المقامات و من یعرف او یقول ان کلمة التي نطقت فاطمه صلوات الله علیها في التوحید فالانبیاء فاتوا بمثله فقد اشرک بربه بل ان الامر جنابک تقدر ان تبسطه ولکن لما کان اکثر الناس محجوبین عن علم ذلک المقام و یشرکون بالله و آیاته بعدم علمهم تلک الرتبة‌ العلیة اشیر برشح من علم ذلک الطمطام الداخر الذاخر لیتلئلئن الکل بتلئلا انوار ظلال مکفهرات افریدوس الجلال و لیتلجلجن الکل بتلجلج انوار سماء العماء في عرش فردوس الجمال فیا ایها الناظر الی عرش البهاء و الثناء فایقن ان شئونات سلسلة الاولیة مقطعة الجوهریات عن غیرها في مقامها و ممتنعة الکینونیات عن دونها في تلقائها و ان کل حروف نطقت شجرة‌ الاولي له سلطنة علي ما سواه بحیث ان حرفا من القرآن لم یعدله شيء في ملکوت الاسماء و الصفات انظر الي کلمة المراء في القرآن و ان ما سوی نفس المشیه لو شاوا ان ینزلوا کلمه المرا لینزلوا ولکن کلها لیس بمثلها لان جسدها هي موجودة في رتبة روحها و کما ان روحها علة کل­شيء فکذلک کان جسدها هي علة‌ کل علة لان حرف الذي قال الله کن بروحه لیوجد کل موجود و ما هو کائن بما لانهایة الي ما لانهایة لها و ان صورته هي علة کل ذي اسم و لو قال الکل کن لم یشبه روحه روحه و لا صورته صورته و کذلک انت تعرف مثل تلک الکلمة في سلسلة المعاني ثم الابوات ثم الائمه ثم الارکان ثم الملائکة ثم الانبیاء ثم النجباء فکما ان الروح حرف الکاف و النون في مقام النقباء له سلطنة و هیمنة علي روح حرف الکاف و النون الذي في مقام النجباء فکذلک کان الحکم في صورتها فکل قالوا کن ولکن کلمة کن التي قال رسول الله هي بمثل منطقه في بین کلمه الکاف و النون منفرد عن الشباهة من ابناء جنسه و له في الکتاب عز شامخ و مجد مانع و کذلک کل الاعمال من سلسلة الثمانیة لان عمل سلسلة الثمانیة لان عمل سلسلة الثانیة کلیاتها و جزئیاتها عرض و شبه بالنسبة الي السلسلة الاولي و ان بعلم ذلک الرتبه یعرف الانسان حق کلمات آل الله و شیعتهم الذین ینطقون باذنهم و ان بعلم ذلک المقام لتشهد بان لو اجتمع الکل علي ان یتکلموا بمثل حرف من کلمات التي کلم بها سلمان لن یقدروا لان الصور بمثل الارواح فکما کان جسده مقدم کل الرعیة في رتبة الاجساد فکذلک کان کلماته سید الکلمات بین الحروف و الزبرات من غیره و لم ینزل الله بمثل حرف کلم به سلمان قط علي احد في سلسلة الرعیه و ان الحکم في کل مقام هو ان المقام الثاني یري المتجلي في مراته بالمرات الاولي و کذلک في حکم الحروف ان کلمة لا اله الا الله التي ینطق احد من النجباء یحکي فی المرات السابعة عن الله و ان کلمة لا اله الا الله التي تنطق بها احد من الارکان یحکي في المرات الخامسة عن الله سبحان و ان الناظر الي طرف الفواد یري فرقهما و یحکم بینهما و یشهد علیهما و ان الله یوم القیمة یحشرهما بمثل حشرهما في ذلک الیوم و ان جنابک لو تدق نظرک و تصفي بصرک لتري احرف التي کلم بها رسول الله في الجنة الاولي و احرف التي کلم بها احد من النجباء في الجنة السابعة و ان بینهما کان بعد بمثل ما قدر الله بینهما حیث لایحیط به علم احد الا من شاءالله و ان بعد مشرق البدء و المغرب الختم عنده في رتبة معدومة لان البدایات في التجلیات لا بدء لها و ان النهایات في الدلالات لاختم لها ولکن المحجوبین عن لقاء المتجلي في الحیوة‌ الدنیا یرون صورة لا اله الا الله في کل المقامات بحد سواء و ان ذلک کفر محض عند آل الله الاطهار لان هذه الکلمة في الحروف اذا نطق بها ظهور البیان هي في حروف کلمة البیان ثم في رتبة المعاني کلمة‌ المعاني ثم في رتبة الابواب کلمة الابواب ثم في رتبة الامامة کلمة الامامة ثم في رتبة‌ الارکان کلمة الارکان ثم في رتبة النقباء کلمة النقباء ثم في رتبة النجباء کلمة‌ النجباء و ان حکم معرفة التي امر علي بن الحسین علیه السلام بجابر في حدیث الذي قرئت علیک في‌ ذلک الکتاب لم یتم معرفته رتبته الا بشئوناتها و آیاتها و تجلیاتها و مقاماتها و علاماتها و دلالاتها و کلماتها و ما احاط ورائها مما لایحیط به علم احد سواه و ان بعلم ذلک المقام یتفاضل العلماء بعضهم علي بعض کما صرح بذلک علي علیه السلام في قوله و ان الاسماء اما ظاهرا و مضمرا و لیس بظاهر و لا مضمر و انما یتفاضل العلماء في معرفته ما لیس بظاهر و لا مضمر و هو سر القدر الذي اشرت من قبل فیه و ان بذلک الحکم المتقن لو قال احد اني نطقت بتلک الکلمه بمثل ما نطق ما جعله الله فوق رتبتي فیکفر في الحین لان کلمة لا اله الا الله التي یتکلم بها الشیعة صورتها شیعة صورة کلمة لا اله الا الله التي نطق احد من آل الله سلام الله علیهم و کذلک الحکم کان في الافعال و لذا ان الانبیاء کلما یترقون لم یقدروا ان یعملوا بمثل عمل جسم فاطمه و کذلک کل العلم و الشئون من سلسلة السافل لم یذکر عند سلسلة العالي و لذا یخرج في سلسلة السافل من صورة کلمة العالي کل المراتب و الشئونات و ان حین العکس کان مقام ظهور الذات في طلعة الصفات حیث انه ینزل في تفسیر الهاء الذي کل حروفاته لکان اعظم و معانیه لاجلی و الطف و ان ذلک لهو الشرف الذي قال الصادق في قوله من بلغ مواقع الصفه بلغ قرار المعرفة و من عرف الاشارة في‌ الدلالة استغني‌ عن الاشارة في الحکایة و من عرف الفصل عن الوصل فیعرف ما اشرت في تلک الدلالات و یعفو للذي هو ناظر برب الصفات عن ذکر السبحات و الدلالات و الحکایات و المقامات و العلامات و الآیات بحکم ربه انه لا اله الا هو ذو فضل عظیم و ان من مقامات بیان ذلک السر هو ما لایخطر بافئدة بعض الناس و لایلیق بشان احد منهم ولکني‌ لما اراک من اولی العلم و البیان اشیر برشح من هذا الطمطام الذاخر الداخر المتلاطم المواج لیکون بابا لمعرفة ذلک المقام و هو ان لاتري الکثرات في تلقاء آیة الذات ذي وجود و تنظر الیهم کیوم الذي لم یک منهم شیئا مذکورا و بذلک الشان لما استقرت بالحقیقة تري السر في طلعة المتجلي نفس العلانیة و العلانیة نفس السر في حضرة التجلي و لاتفرح بعلم شيء و لا بقدرتک علي شيء و لا بتملک ما جعل الله في قبضتک ما جعل الله فی قبضتک و لا بروح و لا ریحان و لا بذکر و لا ببیان و لا بالاء الجنة و لا بعرفانها و اذا تذکر شیئا منها ما ترء في ذکره و لا في سره الا طلعة متجلیک و تراه ظاهرا موجودا حیث لم یک معه شيء و لا یذکر في رتبته شيء و بذلک اشار علي علیه السلام في‌ مناجاته یوم شعبان حیث قال عز ذکره یا الهي هب لي کمال الانقطاع الیک و انر ابصار قلوبنا بضیاء نظرها الیک حتي تخرق ابصار القلوب حجب النور فتصل الي معدن العظمة و تصیر ارواحنا معلقة بعز قدسک و اجعلني ممن نادیته فاجابک و لاحظة فصعق لجلالک و ناجیته سرا فعمل لک جهرا و انت اذا بلغت من قبل او تصل من بعد بمقام العظمة‌ و سر الهویة و هویة الاحدیة و ظهور الصمدانیة و جمال الربانیة تقرء کل الاذکار بمثل ما قرء عز ذکره في دعائه بعد صلوة الوتر انت الله عماد السموات و الارض و انت الله جمال السموات و الارض الي ما قال علیه السلام فیا طوبي لمن شرب ماء الخمر الحیوان في الحیوة الدنیا و یجعل نفسه بمثل ما خلقه الله من دون کلفة علي نفسه و ان الله قد فرض للمتعارج الي مقام معرفته و حبه احکاما لایسعها الا علمه فمنها فرض علي الذي یسافر من الحق الي الخلق رجاء‌ الاکبر بان لا یخاف من نفسه و لو احتمل کل ذنب قد احاط علم الله لان الله غني ذو رحمة واسعة یغفر لمن یشاء بما یشاء و لاراد لحکمه و لا معقب لامره و منها فرض علي الذي یسافر من الخلق الي الحق الا یطمئن بنفسه و لو عملت کل الخیر لان الله ذو عدل دائم و لو اراد بشيء حکم العدل لایقوم به السموات و الارض و ان له البداء في ملکوت الامر و الخلق و کفاک في ذلک السبیل ما اشار ابو عبدالله فی خطابه حیث قال عز ذکره یا اسحق خف عن الله کانک تراه و ان کنت لاتراه فانه یراک و ان کنت تري انه لایریک فقد کفرت و ان کنت تعلم انه یراک ثم برزت له بالمعصیه فقد جعلته من اهون الناظرین الیک و اشهد في ذلک السبیل یا ایها الجلیل بانک ان خفت من ربک یخاف منک کل الناس حیث اشار عز ذکره في خطابه من خاف الله اخاف منه کل­شی و من لم یخف الله اخافه من کل­شيء ثم قال عز ذکره من عرف الله خاف الله و من خاف الله سلخت نفسه عن الدنیا و ان العبد لم یکمل في مقام العبودیة حتي لایخاف من الناس و یري الکل في‌ جنب حکم الله کمثل سواد عین نملة میتة و کان المدح عنده رضاء الله و الذم سخطه کما اشار الصادق في‌ قوله بان حب الشرف لایکون في قلب الخائف الراهب و ان السالک الي الله في المنهج البیضاء و الرکن الحمراء في ذلک السفر لم یوصل الي مقام وطنه الا بکف الصفر عما في ایدي الناس و ما ینسب الیهم و ان اعلم الناس بالله و آیاته ارضاهم بقضائه و علي السالک في ذلک المقام حق ان یجعل حکم ذلک الحدیث في قلبه حیث قال عز ذکره عجبت لمرء مسلم لا یقضي الله عزوجل له قضاء الا کان خیرا له ان قرض بالمقاریض کان خیرا له و ان ملک مشارق الارض و مغاربها کان خیرا له و یشاهد رضائه للموت في کل شئوناته لان العبد لم یرض قلبه و لایکره الدنیا الا بحالة الموت و حق علي المومن الخالص ان یذکر نفسه بذکر الموت في کل یوم و لیلة خمس و عشرین مرة حیث قال عز ذکره من فعل ذلک یکتب الله له ثواب الذي یستشهد في سبیله و ان العبد لو یلطف نظره لم یر عزا الا في حب الله و ان علة حب الناس باللئالي و الذهب هو کانت لاجل حبها حب الله و لذا یحبونها کل الناس و کذلک الحکم في العکس بالعکس للعکس فاسئل الله ان یاخذ ایدي عباده في ذلک السبیل لانه وعر ذکوان اجرد خشن لاینجوا منه الا من شاء الله و ان الذین یدخلون النار ما یدخلون الا في هذا السبیل و لذلک اجترحت بذکر الاشارات رجاء لعفو من یحزن قلبه بقرائة تلک الدلالات و منها فرض علي الذي یسافر من الحق الي الحق الا یبقي فیه انیة محدودة لان لو ذکر معه في شان انیته ممکنة لم یک من اهل ذلک السبیل و ان ذلک مختص لآل الله و من شاءالله من الذي یستقرون علي الارائک المتکئة في جنات اللاهوت و الذین یشربون ماء الخالص من کاس العظمة في جنات الجبروت و الذین یتنعمون بلحم الطري في جنات الملک و الملکوت و ان الاشارات لا تشبه علي‌ جنابک فان لهم لا ذکر الا ذکر الله و ان عبر في مقامهم ذکر الصفات و الاسماء و الا لاء‌ هي مکنسة الاوهام و الا انهم آیات الصرف و التجلیات البحت و ظهورات البات و شئونات الذوات و کینونیات الصفات لله الخالق الاسماء و الصفات حیث اشار علی علیه السلام عن مقامهم في نفسه بقوله الحق انا ذات الذوات انا الذات في الذوات للذات و قال الشاعر في مدحه.**

 **یا جوهر اقام الوجود به و الناس بعدک کلهم عرض**

**و اشار عبدالحمید ابن ابي الحدید في خطابه الیه صفاتک اسماء و ذاتک جوهر بري المعاني عن صفات الجواهر یحل عن الاعراض و الکیف و المتي و تکبر عن التشبیه بالعناصر و ان کل ذلک اسماء و صفات فی البیان لعلو ذکرهم و جلالتهم و ان العبد لم یدخل لجة‌ الاحدیة الا اذا سافر منها الیها و جعل ذکرها و نعیمها هي نفسها لاسواها و هي الجنة التي لا ظل لها و لایدخل فیها احد غیر اهلها و لذا صارت الجحیم سبعة و الجنان ثمانیة و هي لاتدخل في الاعداد و لو تذکر معه.**

 **فیا ایها الانسان ان سر الذي به یسکن فوادک هو ورودک علي‌ تلک اللجة فلا تحرم نصیب نفسک في الحیوة الدنیا فانها باطلة لاحکم لها عند اهل الحقیقة فاقبل الي الله بکلک و انس ما سواه بحبک و سافر منه الیه في ذلک السبیل الاعظم و الصراط الادوم فانک لو تعمل في تلک اللجة عملا لم یعادلها بها جنات السبعة و ما خلق الله فیها و لاتصغر حق ذلک السبیل فانک ما قدره حق قدره الا اذا تدخل باذن الله فیها فاذا دخلت لاتقدر ان تخرج عنها و لاتحکي‌فیها الا من ربک و لاتسکن الا به و لاتنطق الا في قدرته و لاتستلذ الا بطلعة المتجلیة لک بک و لاتشیر الي شيء سواه و لاتقدر ان ترید شیئا لان الاراده رتبة الفعل و ان ذلک المقام رتبة ذاتک و منقطعة عنه الاسماء و الافعال و الظهورات و الصفا ت و اذا بلغت ینطق سرک بکل ما نطق علي السلام في علانیته و منها ما قال في خطبته الطتنجیة رایت الله و الفردوس رأی العین و لا شک ا ن الحق ما قصد ذات الرب لحکم الامتناع و شان الانقطاع بل اراد ظهور هویته المتجلیة له به في رتبته التي نطق في حقها في کلامه عن عالم العلوي تجلي لها بها فاشرقت و طالعها فتلئلئت فالقي في هویتها مثاله فاظهر عنها افعاله لیس حکم ذلک السبیل لعدم جریان الدلیل و هو الله حسبي في‌ ذلک السبیل و هو المولي فنعم الجلیل و هو المولي فنعم الجمیل و هو المولي فنعم الخلیل و هو المولي فنعم الوکیل .**

**و منها فرض علي الذي یسافر من الخلق بعین الحق او العکس لایري نورا الا نوره و لا خلقا الا خلقه و یدور کل شئون تلک الرتبة في حول تلک الکلمة و ان المسافر في ذلک السبیل یري في طریقه عجایب الملک و جراسیم الدهر في کل عالم بما قدر الله فیها و انا لو اکشف الغطاء لتقول في حقي یا مجری القضاء في البداء ما هذا الا شيء عجاب و علي السالک في تلک الاسفار حق ان یعرف حرف کل عالم في الحروف المسطرات لئلا یحجبه حکم عن حکم شيء و یري تطابق العوالم بمثل هذا العالم و انا بما عرفت من الحکم و البیان فی الحروف اشیر ببعض حکم البیان لیکون السالک علی بصیرة من حکم الانسان و هو ان الالف في مقام الحد حرف روح الکلیة ثم الباء حرف نفس الکلیة و لذا قال نفس الذي نزل الله حکمه في القرآن بقوله و انفسنا و انفسکم قال انا نقطة تحت الباء ثم الجیم حرف طبیعة الکلیة ثم الدال حرف مادة الکلیه ثم الهاء حرف شکل الکل ثم الواو حرف جسم الکل ثم الزاء حرف محدد الجهات فلک الاطلس ثم الحاء حرف فلک الکرسي ثم الطاء حرف فلک البروج ثم الیاء حرف فلک المنازل ثم الکاف حرف فلک الزحل ثم اللام حرف فلک المشتري‌ ثم المیم حرف فلک المریخ و لذا قال الشاعر في الخطابه**

 **حتي اتصلت(اذا) بهاء‌ هبوطها من میم مرکزها بذات الاجرع**

**علقت بها ثاء الثقیل فاصبحت بین المعالم و الطلوع الخضع**

**ثم النون حرف فلک الشمس ثم السین حرف فلک الزهرة ثم العین حرف فلک العطارد ثم الفاء حرف فلک القمر ثم للنار الصاد و للهواء و للماء و للتراب و ان ذلک مراتب سفر الذي یسافر من الحق الی الخلق و ان في الصعود فاول مقامه حرف التاء و هو حرف المعدن ثم حرف النبات و هو الثاء ثم حرف الحیوان و هو الخاء ثم حرف الجن و هو الذال ثم حرف الملک و هو الضاد ثم حرف الانسان و هو الظاء و ان الي ذلک تنتهي رتبة الحروف فی حکم الصعود و النزول و ان کلما اشرت فی في تفسیر الهاء اول حرف من کتابک العزیز لکشف السر اني لاعلم لایکشف الستر عن وجه السر بل تزید الحجبات بذکر الدلالات و حکم العلامات و اشارة الآیات و الاشارات و انا ذا لاجتراحاتي بین یدي الله و کشف الستر عن وجه السر اناجي الله ربي بهذه الکال لساني لیجیب الله دعائي في حقک و یبلغک الي مقام خطابک في کتابک و یعفو نفسک عني عما اطلعت من جریراتي و تستغفر ربک لي و للذین اتبعوني فاني انا التواب الحلیم و لیکون بذلک ختام الکلام مسکا لان فیه فلیتنافس المتنافسون.**

 **فیا ایها الخلیل فاعرف حق تلک الایام فان الشمس ما طلعت علیها بمثلها و ان لکل نصیب في کتاب ربک و ان الله لیجزی الکل بما اکتسبت ایدیهم و لایعزب من علمه شيء فی السموات و لا في الارض و انه لغنی عما هم کان الناس یعملون و ان لکل من عرف الحق حق بان یعلنه و یبطل عمل الذین یریدون ان یطفئوا نور الله بافواهم و ابي الله الا ان یتم نوره و لو کره المشرکین.**

 **بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله الذي یمن في کتاب علي الذین آمنوا بالله و آیاته بان یدخلهم في جناب عدن آمنین یا الهي انی اشهدک بما انت تشهد لنفسک حین لا وجود لشيء عندک بانک انت الله لا اله الا انت وحدک لا شریک لک لم تزل لن تعرف ذاتیتک الا ذاتیة ازلیتک و لاتوصف کینونیتک الا انیة احدیتک لانک لم تزل لن تعرف بغیرک و لاتقترن بخلقک و لاتوصف بسواک و لایاخذک وصف من شيء و لا نعت عن شيء اذا ذاتیة قدرتک مقطعة الجوهریات عن العرفان و ان کینوینة مشیتک ممتنعة المادیات عن البیان و ان انیة ابداعک مفرقة الکینونیات عن التبیان و ان نفسانیة اختراعک محددة الهندسیات عن ذکر العیان فسبحانک یا الهي ان قلت انت فقد حکت المثال بالمثال و انک لن توصف بها و ان قلت انه هو انت فقد دلت الجلال بالجلال و انک لن تنعت بها لانک قد خلقت المشیة قبل کل­شيء لا من شيء بنفسها من دون ربط بذاتک و لا اقتران بکینونیتک و لا انعکاس من ذاتیک و لا عرفان من انیتک بل بقدرتک التي تجلیت لها بها فاشرقتها من دون کیف و لا این و لا اشارة ثم قد اقمت الخلق في منهاجها لیتلئلا المتلئلئات بعلم القطع في بحبوحة الوصل و لیتلجلج المتلجلجات بعلم المنع في کینویتة الفصل فسبحانک لما وجدت الابداع بطلعتها و الاختراع بحضرتها قد اشتبهت علي‌ الممکنات عرفان قدرتک بذاتک و لذا قد وصفوک و لو عرفوک ما وصفوک و من ثم ذا یا الهي لم یتزهوک فسبحانک سبحانک یا الهي انت الذي لن توحد بذاتک و لن تقدس بطلعتک و لن توصف بانتیک و لن تنعت بازلیتک و لن تشیر بکینونیتک و لن تعبد بنفسانیتک لانک لم تزل کنت بلا ذکر شيء و لاتزال انک کائن بمثل ما کنت في ازل الازال لم یک في رتبتک شيء و لما خلقت الخلق لمعرفتک وصفت لهم نفسک بما یمکن في انفسهم لیاخذ الکل حظه و یبلغ الخلق الي غایة من فیض ابداعک و جود اختراعک و نعت اولیائک بما انت قد قدرت في شانهم و انا ذا لما خلقتني و رزقتني اعترف بین یدیک بان محمدا لکان عبدک الذی انتجبته من بحبوحة القدم علي سایر الامم منفردا من ابناء الجنس علي سایر البشر و جعلته مقام نفسک في الاداء و البداء من کل حکم و قدر اذ انت لن تدرک بالبصر لما کنت بالمنظر الاکبر و اشهد في حق ثمرة فواده و اوصیائه بما انت قد خصصتهم من کراماتک بما لایحیط بعلمها احد سواک و اسئلک یا خالق الاسماء و الصفات ان تصلي علي محمد و آل محمد بکینونیات اللاهوتیات في الانشاء و ذاتیات الجبرویتات في البهاء و نفسانیة الملکوتیات في الثناء و انیة الملکیات في السناء و هندسة المتلجلجات في القضاء و نوریه المتلئلئات في البداء و عکسیة المتنورات في ظهورات قطعات الواح الیاقوت في الامضاء و بهجیة المتقدسات في شئونات الناسوتیات من اهل العماء انک انت الله الکبیر المتعال یا الهي کیف ادعوک و ان وجودی ذنب و قد اکتسب بغیر حق ما لا اذنت له من الخطایا و الذنوب التي حالت بینه و بینک و البسة ثوب المذلة في تلقاء وجهک و خرقت ما انت جعلت بینه و بین طاعتک من حجبات رحمانیتک و سرادقات وحدانیتک کان الخطایا قد احاطته من کل شطر بشان لایقدر ان یخرج منها الا و ان یدخل علیها و انت یا الهي تعلم مقامه و تقدر علي کشف بلائه و الیک المشتکي وحدک لا اله الا انت و کیف ادعوک و ان رحمتک قد وسعت کل­شيئ و عنایتک قد احاطتني من کل شطر و ان فعلک دال علي فضلک بي کان علمک ما احاط بسیئة مني و لا کتابک بجریرة من نفسي فسبحانک ما احسن فعلک و ما اکبر صنعک في حقي خلقني و لم اک شیئا و ربیتنی بمشیتک من دون ان تري مني خیرا فسبحانک و تعالیت تقدست ذاتیتک من ان احمدک بما انت علیه من العز و الوحدة و الجلال و القدرة لان الحمد مني لیکون علي قدر عجزي و فقري و هو لایلیق بجنابک و لایرفع الی ساحة قدسک لان ما سواک لایذکر عندک و ان ذکر في‌ رتبة لا شان لهم بان توصفک بهم لانهم قد وجدوا لا من شيء باختراعک فسبحانک یا الهي لا اري حظا الا في طاعتک و لا شرفا الا في محبتک لاجترح علیک بین یدیک بثناء نفسک نفسک لعل یبرد فوادي بمثل الثلج في تلقاء طمطام یم صمدانیتک و تطمئن قلبي بمثل جبل المحیط في تلقاء قلزم عز وحدانیتک و لا اکون بمثل الانعام بین عبادک فسبحانک سبحانک اشهد ان لا اله الا انت وحدک لا شریک لک لم تزل قد کنت بلا وجود شيء و لاتزال انک کائن بمثل ما کنت لم یک في رتبتک شيء اذا ذاتیتک لا وصف لها و هي بنفسها مقطعة الجوهریات عن البیان و ان کینونیتک لانعت لها و هي بانیتها ممتنعة المادیات عن العرفان لم تزل لن یعرفک سواک و لن یوحدک غیرک اذ حکم العرفان بعد الاقتران و ذکر التوحید بعد الافتراق و اذ ذلک ممتنع في رتبة الایقان لانک لم تزل کنت و لا وصف لک في الامکان و لاتزال انک کائن بمثل ما کنت و لا لک نعت في الاعیان ان قلت انت انت فقد حکت المثال بالمثال و ان قلت انه هو هو دلت الهویة ذات الابداع و الولایة مقام الاختراع و هي بنفسها مفرقة الخلق عن انتیک و مسددة الکل عن سبیل معرفتک فسبحانک یا الهي ان قلت انت علیم فما اردت الا تنزیهک عن وجود المعلوم في رتبة علمک و ان قلت انت قدیر فما ارید الا تقدیسک عن ذکر المقدور معک و انک کما انت علیه لا وصف لک و لا صفة و لا نعت لجنابک و لا هندسة و لا اسم لکینونیتک و لا سمة اذا ذاتیتک معروفة بانیتک و کینونیتک موصوفة بذاتیتک و ان ذلک کان شان نفسک لا سوک و لاحظ لخلقک في عرفان نفسک الا بنفي ما سواک لان ذاتیتک لا سبیل لها في مقام البیان و لا لکینونیتک نعت في الاعیان فاسئلک اللهم بعزتک ان تبلغني الي نور الابهج من ابداعک و انقطعني عمن سواک بظهور طلعة انجذابک لان اتصل الي مقام قدسک بمشیتک و ادخل لجة بحر الاحدیة ببهاء طلعتک فسبحانک یا محبوب انت الذي تعرفت لکل شيء بظهور ابداعک و تعالیت علي کل شيء بطلعة اختراعک و لایقدر ان یشیر الي کینونیتک احد لانه لا وجود له في رتبتک و لا ذکر له معک في کبریائیتک فسبحانک و تعالیت لما تجلیت للممکنات بطلعة ابداعک تذوتت المتذوتات بامرک و لذا نعتوک بما لایقدر ان یعرفوا ذاتک فسبحانک یا الهي لو عرفوک ما وصفوک و من ثم ذا یا الهي لم یوحدوک فاسئلک اللهم یا الهي بعزة کینونیتک و تقدس ذاتیتک و تفرد جبروتیتک بان تبلغنی الي مقام ذروة ما قدرت لي فی الابداع و ما احاط علمک في حظ الاختراع فانني انا لائذ بجنابک و تائب الیک بجودک و مستشفع بک الي نفسک و لا مفر لي الا الیک فعلمني ما هو المکنون في علمک و ایدني ما هو المخزون في غیبک فاني فقیر الي رحمتک و انک غني عن عذابي لایتعاظمک شيء في السموات و لا في الارض و انک انت الغني الحمید فیا الهي اني اشهدک و من لدیک من الاشهاد بانک لو تجعل احاطة قدرتک في ‌الامکان نار الحدید و تکبر جسمي بما تقدر قدرتک حتي احاطت القضاء کلها بمثل سبکة حدید و تمدني في النار بدوام عز ازلیتک و قدس صمدانیتک و بهاء رحمانیتک و جلال کبریائیتک في کل ان بروح جدید لکنت بعزتک محمودا في فعلک و مطاعا في حکمک و عادلا في قضائک و لیس لي حجة بان اقول لم یا الهي ثم بم یا مولائي و اني لمستحق بذلک جزاء ذکري نفسک من سیئاتي و جریراتي التي لایحیط بها احد سواک فآه آه عما قضي في علمک و احصي کتابک من ذکر جریرات نفسي و لو اني ذکرت احدي منها لیکفي في العصیان من في ملکوت السموات و الارض و لایرغب بعد علمه احد ان یقرب الی من سطوة جبروتیتک و قهر کبریائیتک فسبحانک سبحانک یا الهي انت الذي خلقتني و انت الذي انعمتني و انت الذي احییتني و انت الذي امیتني و انت الذي رزقتني و انت الذي الهمتني‌ و انت الذي اکرمتني و انت الذي اعطیتني و انت الذي ایدتني و انت الذي شرفتني لم یزل لایعزب من علمک شيء لایحجب عن طلعتک شيء فآه آه کیف اقول انا و ان هذا هو ذنب العظیم و عصیان القدیم حیث لایعاوله ذنب في علمک و لایساویه في الرتبته خطیئة في کتابک لانه هو من شجرة الانیته ینطق بین یدیک فآه آه انا الذي رضیت في تلقاء وجهک بان اقول في نفسي قول انا و انا الذي الذي احملت القول في تلقاء طلعة حضرتک بقولي انا و انا الذي فرطت في جنبک بذکري انا و انا الذي عصیت حضرتک بذکر الانیة التي نهیت الکل بان لایقربها احد في تلقاء عز ربوبیتک و انا الذي ‌قلت انا و لا استحیي عن وجهک بان لا اقول بعد ذلک في بین یدیک بانني انا فآه آه لو ابکي علي ما احتملت نفسي سرمد الابد في عمري ما یفرغ فوادي و لایسکن سري و لایروح علانیتي ولکن لما شاهدت معاملتک مع المذنبین من عبادک لایقن انک لاتسخط علي بجلالة‌ رحمتک و لاتغضب علي بعلو عنایتک و سلطنتک لانی لو عصیتک ما اردت عصیانک و لا جاحدت آثار رحمانیتک بل غلبني هواي لما وجد الحب في آلائک و مددني القضاء بذلک لما اردت اظهار غنائک باختیار عبادک و لو کان دون ذلک لایغلب هواي و لا علي حب مشیتک لانها قائمة علي‌کل نفس بما کسبت و لایتعاظمها شيء في السموات و لا في الارض و انک یا الهي لتعلم سري و علانیتي ما اردت في شيء الا حبک و رضاک و لا ان اشاء الا بما تشاء و ان لو احاط علمک بي دون ذلک بعظمة ذاتک و تقدس کبریائک ما کان لجحدي ربوبیتک و لا لانکاري صمدانیتک و لا لاغفالي من سطواتک و لا لاتکالي بشيء سوي رحمانتیک بل لما خلقت في نفسي اسباب القدرة و انها قد اشتهت بما یمیل الیها قد ارتفعت عن حدها بما اعطیتها من کرامتک و ان ذلک لو کان عصیان محض في کتابک ولکن لم یک عندها الا لحبها بها من دون ان تعرف حبک في غیرها او ان تبصر الي الآیاته التي انت تنزل علیها ما وعدت لها فسبحانک و تعالیت یا الهي من ان اقول انک انت انت او ان اقدر ان اصبر في بعدي عن ساحة قربک او ان اصمت و لا اعتذر في تلقاء طلعة حضرتک و لما لا اجد ذکرا دون ذکر آل محمد عندک صلواتک علیهم فاسئلک اللهم بذکرک لهم في کل شان ان تصلي علي محمد و آل محمد محال معرفتک و معادن کرامتک و مواقع ربوبیتک و ارکان وحدانیتک ائمة الدین و هداة اهل الیقین عباد الذین قد جعلت مشیتهم ذات مشیتک في الانشاء و ارادتهم ذات ارادتک في الابداع و حکم قدرهم ذات قدرک في الاحداث و قضائهم ذات بدائک في الاختراع و کل ما نسب الیهم ذات نسبة الکبري بنسبتها الیک وحدک لا شریک لک و اسئلک بحقهم ان تجعلنا من الموقنین بفضلهم و الصابرین علي حکمهم و الذاکرین بذکرهم و المشتاقین الي طلعتهم و المنتظرین لایام رجعتهم و المعتصمین بحبلهم و المستغفرین الیهم و اللائذین بحضرتهم و المستقرین في محبتهم و المتوکلین علیهم و المستشفعین بهم الیهم و الراضین بقضائهم و المطیعین لاحکامهم منک یا ذالجود و الاحسان و الحجة و البیان انک تعلم اني لا احب ان اعلم الا حبک فانت انزل لي الاسباب و ما یبلغني الي مقام قرب الاسماء و الصفات فاننی انا اقول انت الله حسبي ثم محمد رسول الله حسبي ثم آل الله ائمه العدل حسبي ثم الذین یؤمنون بحقهم حسبي و انک من ورائهم ثم القرآن حسبي علیک توکلت و علیک فلیتوکل المؤمنون و اغفر اللهم لمن علمني‌ تلک المناجاة و لایري ثم لنفسي ثم الذین یحبون ان یذکروا بین یدیک انک انت العزیز الرحیم و سبحان الله رب العرش عما یصفون و سلام علي المرسلین و الحمد الله رب العالمین .**

**بسمه العلي العظیم ان الحمد و الثناء یستحق ذات الازل الذي کان طلعة حضرته مقدسة عن وصف ما سواه و ان المجد و البهاء یستحق مظاهر عدل الذي یعرف اعلي جوهریات المجردات في کل حین بالقطع و المنع عن ساحة عرفانه و لما رایت اثر مدادک في کتابک قد تلجلجت بما تجلي طلعة وجهک في خطابک و ان الله اجل و اعلي شانا من ان احصي کتابه بطاعة عبد في سبیله و لم یجر له الاسباب بما هو علیه في عرش العزة و الصفات فارجوا الله ربي و ربک ان یذهب من قلبک الحزن و یجمع بیني و بین اهل طاعته في ارض امن و قدس انه هو المقتدر الحلیم فلله الحمد بما طالعت کتابک الذي یحکي من طلعة وجهک کا ن فیه روح القدس ینفس بروحه فتعالي شان ربي ذو الجلال و الاکرام من ان یعلم بحب احد من عباده و لم یجر الاسباب له بما هو خیر له من غیره فاسئل الله لجنابک بما هو یحب و یرضي انه هو العزیز الحکیم.انتهی**

**ص ۱۹۴ دعاى جليل القدر**

**بِسمِ الله الرّحمن الرّحيم**

**بِاسمِ الله وَ باللهِ وَ الَحمدُ لِلّهِ وَ اَلجَأتُ امرى اِلَى اللهِ وَ ما تَوفيقى الاّ بِاللهِ وَ ما النَّصر الاّ مِن عِندِاللهِ وَ ما بنا من نِعمةٍ فَمِنَ اللهِ وَ ما صَبرى اِلاّ بِاللهِ نِعمَ الوَكيلِ و نِعم النّصيرَ وَ اَستَعينُ بالله وَ عَلى الله وَ عَلى مَلائِكةِ الله وَ عَلى اَنبِياء الله وَ عَلى الصّالِحينَ من عبادِ اللهِ زانتهی**

**ص194 دعاى دیگر**

**بِسمِ الله الرّحمنِ الرّحيم**

**و لاحَولَ وَ لا قوة الاّ بالله العَلّى العظيم اللُّهمَ صَلّ وَ سَلّم وَ بارِك و الُمفازاتِ اقسِم عليكم بعظمة ذاتِ الله تعالى وَ اَنشَدَكُم بِقُدسِ صفَاتِ الله ايّها المذكورُونَ ان تُجيبَنى وَ تَتوجّهُوا اِلَىّ وَ ترحمونى و يُغيثُونى وَ تَمُدّونى وَ تنصرونى وَ يويّدونى وَ تكرّمونى وَ تنفذونى و تجيرونى وَ تريحونى وَ تخلّصونى وَاغوثاه وَاغوثاه وَاغوثاه العجل العجل العجل الاجابة الاجابة الاجابة الاجابة اللّهم انىّ اسئلك يا غياث يا مستغاث بحرمة كهيعض وَ حمعسق وَ بمعراج المصطفى وَ بشهادة المرتضى وَ بقرب اصحاب الكهف اليك وَ بحرمة اوليآئك لديك وَ اسئلك باصطفاء موسى وَ صلابته فى الدّين و اسئلك بمسيحك عيسى ابن مريم وَ حيائه و بطهارة فاطمة الزّهراء و بشهادة الحسين بكربلا ان تبلّغ سلامتى الى عبادك الصّالحين و سيّاراتك فى الارضين وَ تحرّصهم اغاثنى وَ تنصرنى على اعدائى يا مغيث يا منجز يا منقذ يا مخلص يا منجى يا مفرّج يا مفتّح يا مريح يا رفيق يا شفيق يا عطوف يا رؤف يا ربّاه يا سيّداه اجب وَ الحمد لله ربّ العالمين .**

**ص195 هو الله العزيز المتعال**

**فسبحانك اللّهم يا الهى حينئذ اريد ان اذكرك بذكر المقدّسين و اسبّحك بتسبيح المقرّبين مع علمى بانّ ما كلّ ما ذكر الّذى يظهر من عند غيرك لن يصل اليك و لن يعرج الى ساحة عزّ ازليّتك و لن يصعد الى بهاء مجد كينونيّتك و مع علمى بانّ لن يقدر احد ان يذكرك بثناء الّذى ما ذكرت به من قبل فسبحانك سبحانك من كل ذكر بديع و من كل ثناء جميل فصلّ على اوّل نور ظهر من كينونتك و اضاء من جوهر ذاتك و الاح من شمس احديّتك و اباح من قمر ابداعك و الّذينهم آمنوا بك و بآياتك و عملوا كلّ ما انت تحبّ اذ بيدك ملكوت كل­شئى انّك انت على كل­شئ قدير انتهی**

**اين دعا از روی خط مبارك مرقوم شد**